

به نام خدا

**چکیده مقالات اولین همایش  
انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران**

۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۹

دانشگاه تربیت مدرس

## مشخصات کتاب

**عنوان:** چکیده مقالات اولین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران

**مؤلف:** مجموعه نویسندگان

**محل برگزاری:** دانشگاه تربیت مدرس

**چاپ:** مرکز چاپ و انتشار دانشگاه فردوسی مشهد

**تیراژ:** ۵۰۰ نسخه

**ناشر:** انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران (<http://www.pesi.ir>)

## فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
۱۶	نهادهای حامی برگزاری همایش
۱۷	چکیده سخنرانی افتتاحیه دبیر همایش (دکتر خسرو باقری)
	<b>تنگناهای پیش پا و افق‌های پیش‌روی فلسفه تعلیم و تربیت</b>
	چکیده مقالات (به ترتیب الفبایی نام نویسندگان نخست):
۱۸	مرزبان ادیب‌منش
	<b>جایگاه برنامه درسی در نظریه انتقادی، چالش‌ها و تعامل‌ها</b>
۱۹	نظر محمد اربابی - دکتر سید منصور مرعشی
	<b>بررسی تاثیر پدیده جهانی شدن بر تربیت معلم ایران</b>
۲۰	فرشته آل حسینی - دکتر محمود مهرمحمدی
	<b>عمل "زمینه‌ساز": تفکر متعارف یا تأملی؟</b>
۲۱	ادریس اسلامی - امیر پله
	<b>روش‌شناسی پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت: روش تحلیل تاریخی</b>
۲۲	دکتر زهره اسمعیلی
	<b>چالش‌های نظری فراروی فلسفه تعلیم و تربیت در حوزه روش‌شناسی پژوهش</b>
۲۳	زهره اشعری
	<b>بررسی رابطه معنویت و دین از دیدگاه علامه طباطبایی و دلالت‌های آن در تربیت دینی</b>
۲۴	بهارک اعظمی - ژیلا حیدری نقدعلی
	<b>چگونه می‌توان از تحلیل فلسفی به عنوان یک روش پژوهشی در برنامه درسی استفاده کرد؟</b>
۲۵	مهدی امیری - امیر نوری‌زاده
	<b>جهانی‌شدن، نوآوری‌ها و فرهنگ‌سازی از طریق فلسفه آموزش و پرورش</b>
۲۶	دکتر شهین ایروانی
	<b>سهام فیلسوفان آموزش و پرورش در اصلاحات آموزشی</b>
۲۷	بیژن بابایی
	<b>تاملات فلسفی و روش‌شناختی اقدام پژوهی</b>

- ۲۸ اکبر باشکوه اجیرلو  
تدوین فلسفه تعلیم و تربیت بر مبنای اندیشه حکیم صدرالدین شیرازی (ملاصدرا)
- ۲۹ حسین باغلی  
مروری بر رویکرد متفکران غربی (پس از رنسانس) به تربیت معنوی انسان
- ۳۰ سعیده باقری  
بررسی موردی کتاب فیزیک اول دبیرستان به روش تحلیل محتوا بر اساس اصول  
معرفت شناختی
- ۳۱ رمضان برخورداری  
پارادوکس ایدئولوژی در " تربیت رسمی " و پلورالیسم روش شناختی در  
"فلسفه تعلیم و تربیت"
- ۳۲ مریم بناهان- دکتر سید مهدی سجادی  
تبیین نقش فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی در مواجهه با بحران اخلاقی
- ۳۳ احمد بنی اسدی- معصومه ترکاشوند  
نسبت فناوری اطلاعات، فرهنگ بومی و تربیت: کاوشی فلسفی
- ۳۴ دکتر سعید بهشتی  
جست وجویی در بنیان‌های معرفت شناختی فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی بر مبنای  
حکمت صدرایی
- ۳۵ راضیه بیرونی کاشانی  
هویت انسانی در روابط بین فرهنگی
- ۳۶ دکتر محمد جعفر پاکسرشت - دکتر مسعود صفاییمقدم- سید جلال هاشمی  
بررسی همزیستی مسالمت‌آمیز به مثابهی هدفی تربیتی و بازتاب آن در کتاب‌های  
درسی مقطع متوسطه آموزش و پرورش ایران
- ۳۷ حمدالله پسکوهانی  
انسان شناسی فلسفه اشراق و دلالت های تربیتی آن
- ۳۸ دکتر عزیزالله تاجیک اسمعیلی  
چالش مصالح فرد یا جامعه در رویکردهای نظری به تعلیم و تربیت: تلاشی برای  
دسترسی به یک رویکرد فلسفی مناسب
- ۳۹ محمود تلخابی  
کاوش فلسفی در علوم اعصاب تربیتی
- ۴۰ دکتر طیبه توسلی  
تأثیر فلسفه های قاره‌ای و تحلیلی بر فلسفه تعلیم و تربیت

- ۴۱ دکتر مهین چناری  
فلسفه تعلیم و تربیت، گادامر و روش پژوهش
- ۴۲ دکتر مهین چناری  
گادامر، دیویی و تعلیم و تربیت
- ۴۳ ژیلا حسنلو  
تعیین جایگاه آموزش کودکان استثنایی در فلسفه تعلیم و تربیت ایران: مطالعه تطبیقی با کشور استرالیا
- ۴۴ دکتر افضل السادات حسینی- نورالدین محمودی  
تبیین جایگاه روش هرمنوتیکی در پژوهش‌های تعلیم و تربیت
- ۴۵ احمد حقی  
تربیت زیبایی شناختی از دیدگاه اسلام
- ۴۶ علی خالق خواه  
راهکارهای حل چالش‌های اخلاقی بر مبنای جامعه جهانی کانت
- ۴۷ احمد خدایی نصر- امیر نوری زاده  
نگاهی به پیش نویس فلسفه جمهوری اسلامی ایران از دریچه تحولات جهانی آموزش و پرورش
- ۴۸ دکتر سعید خرم‌روی- مریم باقرنژاد  
توسعه فناوری‌های نوین و نقش معلم از دیدگاه هایدگر
- ۴۹ محمد خضری اقدم- دکتر یحیی قانلی  
بررسی وظایف فلسفه تعلیم و تربیت در ارتباط با تربیت سیاسی در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات
- ۵۰ سمانه خلیلی  
تبیین جایگاه رشته فلسفه تعلیم و تربیت در ایران
- ۵۱ دکتر صغری دژگاهی- سونیا خدا بخش کهرلایی  
تبیین و تغییر مفهومی فلسفه فناوری‌های آموزشی در فضای جهانی شدن
- ۵۲ فرخنده دیسناد- دکتر محسن ایمانی نائینی  
شناخت و تبیین اهداف تربیتی منبعث از حیات طیبه از منظر قرآن کریم و آرمان شهر لیبرالیسم
- ۵۳ حبیب اله رحیم‌پور ازغدی  
تدوین فلسفه تعلیم و تربیت مبتنی بر آرا و تالیفات خواجه نصیرالدین طوسی

- ۵۴ دکتر علی رحیمی- عبدالعباس محمدی  
تبیین مبانی فلسفی و اجتماعی پساتجددگرایی با تأکید بر برنامه درسی بین‌رشته‌ای
- ۵۵ دکتر علی رحیمی- حیدر قادری  
صورت‌بندی کارکردهای فلسفه تعلیم و تربیت در بعد نظری، هنجاری  
و نقادی آموزشی
- ۵۶ محمد جواد رشیدپور  
صورت‌بندی فلسفه تعلیم و تربیت بر اساس دیدگاه فلسفی ابن سینا
- ۵۷ نجمه رضا نژاد جولایی  
مطالعات فرهنگی و آموزش و پرورش
- ۵۸ دکتر منیره رضایی  
جایگاه معلم در هزاره سوم و نقش فلسفه تعلیم و تربیت در تبیین آن
- ۵۹ دکتر عبدالحمید رضوی  
پساساختارگرایی، تعلیم و تربیت و اهداف آن
- ۶۰ معصومه رضانی  
بررسی و مقایسه روش تدریس در برنامه درسی فلسفه با روش تدریس  
در برنامه درسی فلسفه برای کودکان
- ۶۱ دکتر اکبر رهنما- سید صاحب موسوی  
تبیین مبانی فلسفی، رویکردها، نظریه‌ها و شیوه‌های تربیت هنری  
در نظام‌های آموزشی
- ۶۲ دکتر اکبر رهنما  
نقادی رویکرد استنتاج در فلسفه تعلیم و تربیت
- ۶۳ افسانه زارعی- پروین بازقندی  
بررسی و نقد تطبیقی چیستی عشق از دیدگاه سارتر و مارسل و پیامدهای تربیتی آن
- ۶۴ دکتر فاطمه زیبا کلام- مجتبی پورکریمی  
تبیین چرایی و چگونگی تربیت هنری بر اساس سه دیدگاه هنرکلاسیک، مدرن  
و پست مدرن
- ۶۵ دکتر سید مهدی سجادی- محمد ترمس  
مبانی فلسفی فرا متن به‌عنوان پارادایم جدید و تبیین دلالت‌های آن  
در فرایند تعلیم و تربیت
- ۶۶ نرگس سجادیان جاغرق- معصومه امیری  
طراحی برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان در پایه اول ابتدایی

- ۶۷ نرگس سجادیه  
تبارشناسی به مثابه روش پژوهش در تعلیم و تربیت
- ۶۸ نرگس سجادیه- دکتر خسرو باقری  
راهبردهای پژوهش تبارشناختی در فلسفه تعلیم و تربیت
- ۶۹ کبری سطوتی جمیل- برزو مولایی  
فناوری‌های نوین و فلسفه تعلیم و تربیت
- ۷۰ هادی سنجرى- سید منصور مرعشى- محمد سنجرى  
بررسی جایگاه و نقش معلم در تعلیم و تربیت از منظر مکاتب و آرای تربیتی
- ۷۱ محبوبه سیدی- ملیحه عرب هاشمی  
رابطه فلسفه و تعلیم و تربیت با تأکید بر مکتب پراگماتیسم و بررسی نقش  
و جایگاه این مکتب در تعلیم و تربیت
- ۷۲ دکتر محمدرضا شرفی  
متافیزیک عشق پاسخی به دغدغه‌های انسان معاصر با تأکید بر فلسفه صدرایی
- ۷۳ دکتر محمدرضا شرفی- سمانه خلیلی  
بررسی تطبیقی مبانی فلسفی شیخ اشراق و برگسون و دلالت‌های تربیتی آنها
- ۷۴ دکتر حکیمه‌السادات شریفزاده  
رویکرد هرمنوتیکی در پژوهش‌های فلسفه تعلیم و تربیت
- ۷۵ دکتر حکیمه‌السادات شریفزاده- ناصر تسلیمیان  
تبیین زیبایی‌شناسی در فلسفه تعلیم و تربیت
- ۷۶ دکتر بختیار شعبانی ورکی- رزیتا ابوترابی- محمد حسن ابراهیمی- افسانه عبدلی  
بحران هویت فلسفه تعلیم و تربیت
- ۷۷ دکتر بختیار شعبانی ورکی- افسانه عبدلی- روزیتا ابوترابی- محمد شریف طاهرپور-  
محمد حسن ابراهیمی- بیژن بابایی  
تحلیلی از وضعیت محتوای فلسفه تعلیم و تربیت در ایران
- ۷۸ دکتر عباس شکاری- محمد هادی حاجی رشیدی  
فرا تحلیل آموزش فلسفه به کودکان: رویکرد محتوا پژوهانه به رشد مهارت‌های  
فلسفی-اجتماعی
- ۷۹ دکتر عباس شکاری- خداداد مزدائی  
واکاوی بنیادهای نظری برنامه درسی تفکر انتقادی از دیدگاه فیلسوفان تربیتی متأخر
- ۸۰ دکتر بابک شمشیری- حلیمه خاتون ملکی  
مقایسه مبانی انسان‌شناسی مکتب مراجع- محوری راجرز با اسلام

- ۸۱ شهناز شهبازی  
تبیین و بررسی رابطه فلسفه تعلیم و تربیت با آموزش و پرورش تطبیقی
- ۸۲ محمد شهریاری  
تبیین دلالت های تربیتی آرای مکاتب کلامی اسلامی در باب عقل و اراده
- ۸۳ دکتر علی رضا صادق زاده قمصری  
تدوین "فلسفه تربیتی اجتماع": راهبردی بدیع برای مواجهه با  
"چالش ناکارآمدی فلسفه تربیت" در جامع معاصر
- ۸۴ دکتر علی رضا صادق زاده قمصری- دکتر محمد حسنی  
تدوین الگوهای نظری؛ راهکاری مناسب برای ایجاد ارتباط بین نظریه و عمل تربیتی
- ۸۵ دکتر مسعود صفائی مقدم- دکتر محمد جعفر پاک سرشت- دکتر پروانه ولوی  
بررسی مبانی معرفت شناختی سازنده گرایی با بهره گیری از رئالیسم
- ۸۶ دکتر معصومه صمدی  
نظریه اخلاق "فضیلت محور السدر مکتناپر" به مثابه واکنشی در برابر  
بحران اخلاقی مدرنیته
- ۸۷ دکتر سعید ضرغامی  
بررسی رویکردهای فلسفی فناوری اطلاعات: بازنگری نقش و جایگاه فناوری اطلاعات  
در تعلیم و تربیت
- ۸۸ دکتر سعید ضرغامی- پروین بازقندی  
نمودشناسی تجربه تحصیل در کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت  
در دانشگاه تربیت معلم
- ۸۹ محمد ضیایی موید- دکتر علیرضا رحیمیان  
نسبت آزادی و تربیت دینی
- ۹۰ محمد شریف طاهرپور  
تبیین مبانی ارزش شناسی فلسفه تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام
- ۹۱ مرضیه عالی  
روش شناسی پژوهش تربیتی از دیدگاه فوکو
- ۹۲ ملیحه عرب هاشمی- محبوبه سیدی- طلعت صباغ حسن زاده  
لزوم آشنایی معلمان با فلسفه تعلیم و تربیت
- ۹۳ دکتر محسن عظیمی- نجیبه شاه حسینی- دکتر اسماعیل نصیری- لیلا بهنام جام  
بررسی رابطه بین میزان به کارگیری فناوریهای آموزشی با باورهای معرفت شناختی  
دبیران متوسطه شهر تهران



- ۹۴ دکتر جمیله علم‌الهدی  
فلسفه تربیت اخلاقی از منظر حقوق بشر
- ۹۵ میکائیل علی پور - علیرضا مطلبی فرد - ناصر یعقوب نژادی  
چیستی و چرایی رویکردهای تلفیقی با تأکید بر رویکرد میان رشته‌های در آموزش
- ۹۶ دکتر ابوالفضل غفاری - فاطمه ارفع بلوچی - منیره صالحی  
نقش و مسئولیت‌های معلم در تعلیم و تربیت مبتنی بر فناوری
- ۹۷ دکتر فاطمه زیبا کلام - محمد مهدی صفری  
بررسی آرای نخبه‌گرایان فرهنگی در حوزه فلسفه تعلیم و تربیت
- ۹۸ دکتر محسن فرمهینی فراهانی - سلمان رضوانخواه  
جایگاه و اهمیت فلسفه تعلیم و تربیت بین فلسفه‌های مضاف
- ۹۹ دکتر یحیی قاندي  
روش و ماهیت آن در فلسفه تعلیم و تربیت
- ۱۰۰ علی کریمی گیلده  
تبیین چالش‌های معرفت‌شناختی روش تدریس پروژه از منظر معرفت‌شناختی  
فلسفه تربیت اسلامی
- ۱۰۱ دکتر سوسن کشاورز  
تبیین فلسفی جهانی شدن و تأثیر آن بر چیستی تربیت با نظر به مبانی فلسفی  
آموزه‌های دینی اسلام
- ۱۰۲ دکتر سوسن کشاورز - مهدی اکبری جعفرآبادی  
فلسفه تعلیم و تربیت کودکان استثنایی با تأکید بر آموزه‌های دینی اسلام
- ۱۰۳ مرضیه کهن‌دل - جواد خزایی  
چالش‌های فراروی فلسفه تعلیم و تربیت نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران  
در مواجهه با یادگیری مبتنی بر وب جهانی
- ۱۰۴ معصومه کیانی  
چیستی فلسفه تعلیم و تربیت و ویژگی‌های آن؛ مروری انتقادی بر دیدگاه‌های رایج
- ۱۰۵ علی لطیفی  
فلسفه تعلیم و تربیت: ابهام در مفهوم، آشفتگی در موضوعات
- ۱۰۶ دکتر شهناز محمدی  
فلسفه اخلاق فمینیستی و دلالت‌های تربیتی آن
- ۱۰۷ رضا محمدی چابکی  
پارادایم پیچیدگی و فلسفه تعلیم و تربیت

- ۱۰۸ رضا محمدی چابکی  
جرگن‌های اصلی در تعلیم و تربیت انتقادی
- ۱۰۹ دکتر علیرضا محمودنیا  
بررسی محدودیت‌های استنتاج دلالت‌های تربیتی از آرای فلسفی مکاتب  
در فلسفه تعلیم و تربیت
- ۱۱۰ دکتر علیرضا محمودنیا - دکتر شهناز محمدی - اکرم فلاحی  
نقش زمان در تعلیم و تربیت و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن از دیدگاه اسلام
- ۱۱۱ نورالدین محمودی  
پژوهشی درباره مفهوم و اهداف تربیت از دیدگاه ملاصدرا با تاکید بر  
حوزه معرفت‌شناسی
- ۱۱۲ مریم مرادی  
دیدگاه فلسفی سه‌روردی و پیامدهای تربیتی آن
- ۱۱۳ مریم مرندی - علی ایمان زاده - علی اصغر ایمان زاده  
ارزیابی برنامه درسی کتاب دین و زندگی سال دوم دوره متوسطه بر پایه  
رویکرد عقلانی در تربیت دینی از دیدگاه صاحب نظران و کارشناسان
- ۱۱۴ دکتر یحیی معروفی - دکتر محمدرضا یوسف‌زاده  
مفهوم فلسفی نابرابری فرصت‌های آموزشی
- ۱۱۵ دکتر نعمت اله موسی پور - معصومه السادات ابطحی  
دیدگاه فلسفی پایه‌گذار آموزش و پرورش فراگیر
- ۱۱۶ دکتر نعمت اله موسی پور - بهارک اعظمی - مریم صفرنواده  
چگونه پژوهش ترکیبی در عرصه مطالعات برنامه درسی معنا می‌یابد؟
- ۱۱۷ زینب مهدوی - دکتر محسن فرمهینی فراهانی - سونیا خدابخش کهرلایی  
تبیین معرفت‌شناسی شیخ اشراق و استنتاج آموزه‌های تربیتی آن
- ۱۱۸ فرانک مهرگان  
تعلیم و تربیت و فلسفه ورزشی
- ۱۱۹ دکتر محمدحسن میرزامحمدی - علی صحبت‌لو  
مطالعات میان‌رشته‌ای و نیاز به زبان مشترک: بررسی جایگاه فلسفه تعلیم و تربیت  
در روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای
- ۱۲۰ دکتر محمدحسن میرزا محمدی - طاهره ظفری پور  
بررسی جهت‌گیری فلسفی معلمان بزرگسال

- ۱۲۱ رضا میرعرب رضی - نامدار ابراهیمی - رحمت الله خسروی - محبوبه فنا خسرو  
جایگاه هنر و زیبایی شناسی در تربیت دینی
- ۱۲۲ فرخ نادری بنی - الیاس طادی بنی  
صورت بندی فلسفه تعلیم و تربیت بر اساس دیدگاه فلسفی حکیم مسلمان کندی
- ۱۲۳ دکتر شمسی نامی  
فلسفه تعلیم و تربیت به مثابه تحلیل زبان
- ۱۲۴ سید حسین نجاتی موسوی - نظر محمد اربابی  
تحلیل و بررسی مکتب عمل گرایی درباره تربیت اجتماعی و دلالت های تربیتی آن  
در مقطع ابتدایی آموزش و پرورش ایران
- ۱۲۵ حمدالله نظری  
اخلاق عملی در تعلیم و تربیت از نظر علامه ملا احمد نراقی
- ۱۲۶ سولماز نورآبادی  
تبیین و تحلیل ماهیت مطالعات میان رشته‌های در فلسفه تعلیم و تربیت  
زهرآ نیکنام
- ۱۲۷ هرمنوتیک فرهنگی رهیافتی برای تبیین ارتباط فلسفه تعلیم و تربیت با برنامه‌درسی  
فاطمه وجدانی
- ۱۲۸ تحلیل انتقادی تعاریف "تربیت" بر اساس رویکرد اسلامی  
دکتر مهرنوش هدایتی - دکتر عبدالله شفیع آبادی
- ۱۲۹ بررسی تاثیر اجرای برنامه «فلسفه برای کودکان» به صورت اجتماع پژوهشی بر  
افزایش عزت نفس در دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر تهران  
شیوا همتی
- ۱۳۰ تبیین جایگاه معلم با توجه به توسعه فناوری های نوین و نقش فلسفه تعلیم و تربیت  
مراد یاری دهنوی
- ۱۳۱ بازشناسی مؤلفه های فلسفه ورزی و تبیین نقش آنها در فرایند یاددهی - یادگیری  
برای معلمان  
مراد یاری دهنوی - عماد حاتمی
- ۱۳۲ تبیین و نقد پژوهش‌های پایان‌نامه‌ای آموزش فلسفه به کودکان در ایران با تأکید بر  
روش پژوهش و نتایج آنها
- ۱۳۳ بهبود یاری قلی - معصومه ترکاشوند  
بررسی چیستی طبیعت از منظر هابز و روسو و جستجوی رویکردی برای چرایی و  
چگونگی تربیت بر بنیاد فطرت

- ۱۳۴ دکتر علی یزدخواستی - محمد هادی حاجی رشیدی  
رویکرد انتقادی به رهیافت های تربیتی پست مدرنیسم در ایران
- ۱۳۵ ناصر یعقوب نژاد - مریم شیربیگی  
واکاوی تاثیر رسانهها بر تربیت اخلاقی در عصر جهانی شدن و خلاء تفکر انتقادی
- ۱۳۶ دکتر محمد رضا یوسف زاده - دکتر یحیی معروفی  
مبانی فلسفی جداسازی و یکپارچه سازی دانش آموزان در مدارس

### مقدمه

برگزاری نخستین همایش فلسفه تعلیم و تربیت، نشانه‌ای از آغاز فعالیت سامان‌مند در عرصه‌ی فلسفه تعلیم و تربیت در کشور ماست که پس از تشکیل «انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران» فرصت ظهور یافته است؛ بسیار دیر، اما همچنان مغتنم. بی‌تردید، چنان‌که سقراط در همان آغاز نشان داد، فلسفه‌ورزی با "هم‌آیش" و "هم‌اندیشی" ملازم است و نمی‌توان با تک‌اندیشی و تک‌نگاری، فلسفه تعلیم و تربیت را برومند ساخت. مراد از هم‌اندیشی البته همان‌اندیشی و همسان‌اندیشی نیست، بلکه اندیشه‌ی خود را، با همه‌ی یگانگی‌اش، موضوع گفتگو ساختن و در معرض داوری نهادن است. از این‌رو، همایش کنونی را چون فرصتی باید نگریست که در آن، دست اندرکاران فلسفه تعلیم و تربیت کشور، توش و توان خود را، هر چه که هست، در ترازوی اندیشه‌ی یکدیگر قرار می‌دهند تا وزن کار خود را باز یابند.

سخن گفتن از چالش‌ها در این قلمرو، دو جلوه دارد: چالش‌هایی که برای فلسفه تعلیم و تربیت آفریده می‌شود و چالش‌هایی که فلسفه تعلیم و تربیت، خود می‌آفریند. در گونه‌ی نخست، با دشواری‌هایی روبه‌رویم که تعلیم و تربیت را در سراسر جهان و نیز در سرزمین ما به تنگنا افکنده است؛ دشواری‌هایی چون تهدید جایگاه معلم توسط فناوری اطلاعات، تهدید جایگاه فرهنگ‌های بومی توسط امواج جهانی شدن، تهدید و تحدید تعلیم و تربیت به تولید کارورزان که با بحران‌های اقتصادی رخ نموده است. این‌گونه چالش‌ها تلاش‌های تعلیم و تربیت را در سطوح مختلف، ناکام می‌گذارند؛ در سطح هدف‌هایی که در نظر گرفته شده، در سطح اصولی که معیار تصمیم‌گیری بوده، و در سطح روش‌هایی که در عمل به کار می‌رفته است. در پی چنین تهدید و تلاطمی، ناگزیر باید دست به تغییر زد و در هر یک از سطوح مذکور، دگرگونی‌هایی را فراهم آورد. چنین دگرگونی‌هایی، از جمله محتاج تأمل فیلسوفان تعلیم و تربیت است تا بنگرند کدام را می‌توان و کدام را نمی‌توان برتافت. باید دید در کنار آمدن با دشواری‌ها از کدام آرمان‌های تربیتی می‌توان گذشت و از کدام یک نمی‌توان گذشت جز با گذشتن و دست شستن از اصل معنای تعلیم و تربیت. چنین بازشناسی‌هایی را از فیلسوفان تعلیم و تربیت می‌توان انتظار برد که با در نظر آوردن گوهر تعلیم و تربیت، می‌توانند به هدایت چاره‌اندیشی‌ها بپردازند و چاره‌اندیشان را از حالت انفعال در برابر دشواری‌ها خارج کنند.

در گونه‌ی دوم، چالش‌هایی قرار دارند که فلسفه تعلیم و تربیت، خود می‌آفریند یا باید بیافریند. این دسته از چالش‌ها از خصیصه‌ی فلسفی آن نشأت می‌گیرد، چه فلسفه همواره از دو طریق مسأله آفرینی و انحلال مسأله، چالش آفرین بوده است. در طریق نخست، آنچه به‌نظر بی‌مسأله است، به مسأله بدل می‌شود و در طریق دوم، آنچه مسأله به‌نظر می‌رسید، از اصل، محو و منحل می‌گردد. دست‌اندرکاران فلسفه تعلیم و تربیت در کشور، به اقتضای این بُعد فلسفی کار خود، باید در پی برآوردن و نیز به زیر کشیدن مسأله‌ها باشند. به‌طور مثال، تربیت کنندگان این را طبیعی و خرسند کننده می‌دانند که نسل مورد تربیت آنان، به آنان شبیه باشد اما فیلسوفان تعلیم و تربیت می‌توانند همین امر "طبیعی" را به مسأله تبدیل کنند و نشان دهند که شباهت نسل‌ها تا چه پایه به تربیت، بی‌شباهت است.

می‌توان گفت که آنچه در کشور ما پیشتر و بیشتر از هر چالشی خودنمایی می‌کند، ناشناخته ماندن فلسفه تعلیم و تربیت و نقش آن در تعلیم و تربیت است. این امر می‌تواند ناشی از عواملی چند باشد: نخست این که فیلسوفان تعلیم و تربیت، شکاف میان نظر و عمل را با هر چه انتزاعی‌تر سخن گفتن خود، ژرف‌تر کرده‌اند. فیلسوفان "تعلیم و تربیت" که بدین نام خوانده شده‌اند، باید دستی بر فراز و

دستی بر فرود داشته باشند و نظرورزی را در برابر عمل‌ورزی نشانند. دوم این‌که عمل‌ورزان و سیاست‌گزاران تعلیم و تربیت، شتابنده به نتایج زودهنگام تصمیم‌ها چشم دوخته و از این طریق خود را به‌طور روزافزونی نزدیک‌بین‌تر ساخته‌اند. برخی از فیلسوفان تعلیم و تربیت نیز در نزدیک‌بین کردن آنان نقش داشته‌اند، چنان‌که "دونالد شون" به‌تبع و با مفهومی برگرفته از فلسفه عمل‌گرایی، با سخن گفتن از "تأمل در عمل" تأمل را در بند عمل نزدیک‌بین نهاده است. عمل‌ورزی را نباید چنان دریافت که عمل را از نگاه ژرف و بلند فیلسوفانه تهی سازد. دشواری متناقض‌نمایانه فلسفه تعلیم و تربیت در همین‌جا نهفته است که باید سر در آسمان فلسفه و پای بر زمین تعلیم و تربیت داشته باشد. در حل این متناقض‌نما، برخی از آن سر بریده و برخی دیگر آن‌را پی کرده‌اند. تعلیم و تربیت پای‌ورز نابینا همان قدر بی‌پایه است که تعلیم و تربیت نظرورز از پای افتاده. چشم‌اندازی که این چالش‌گران برای اندیشه‌گران ما فراهم می‌آورد این است که به صرافت افتند تا سر را به ظرافت بر پای نهند و همواره نظر ژرف و بلند را با عمل نقد و حاضر، در بند کنند و از دیگر سو، عمل نقد و حاضر را تا پایان عمر، وام‌دار نظرورزی گریزنده و کرانه‌جو گردانند. سیاست‌گزاران تعلیم و تربیت نیز باید نگرستن از چند پهلو را بیاموزند تا بتوانند در دایره‌ی مشاوران خود، جایگاهی برای منظر فیلسوف تعلیم و تربیت، نه در کنار دیدگاه‌های روان‌شناس و جامعه‌شناس تعلیم و تربیت، بلکه در تنیدگی با آنها بیابند.

همه‌ی این چالش‌ها پژوهی در می‌افکنند که چشم‌اندازهای تلاش فیلسوفان تعلیم و تربیت را رقم می‌زند. به این ترتیب، عرصه‌هایی که باید در آنها پویید، یکی پس از دیگری سر بر می‌آورد و راه‌های ناپیموده، خود را در پیش پای ما می‌گسترانند.

آنچه در این مجموعه آمده، حاصل تأمل و اندیشه‌ورزی صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران فلسفه تعلیم و تربیت کشور، در باب مسائل جهانی و ملی تعلیم و تربیت است و نوید آن‌را می‌دهد که در آینده، به‌گونه‌ای حتی بالنده‌تر از آنچه هست، به کالبد شکافی این مسائل و جستجوی راه حل برای آنها بپردازند. فراهم آمدن این مجموعه، جز با همکاری و یاری دوستان و علاقمندان انجمن فلسفه تعلیم و تربیت، ممکن نمی‌گردید. در این‌جا، لازم است از اعضای فعال کمیته علمی همایش که در سروسامان دادن به مباحث علمی و تصمیم‌گیری در مورد چکیده‌ها و مقالات ارسال شده، کمک فراوان رساندند قدردانی کنم. اسامی اعضای فعال کمیته علمی، به ترتیب الفبایی، به شرح زیر است:

• دکتر محسن ایمانی (دانشگاه تربیت مدرس)

- دکتر خسرو باقری (دانشگاه تهران)
- دکتر هاجر تحریری نیک صفت (پژوهشگاه تعلیم و تربیت)
- دکتر طیبه توسلی (دانشگاه قم)
- دکتر مهین چناری (دانشگاه قم)
- دکتر محمد جابری مقدم (دانشگاه تهران)
- دکتر محمد حسنی (موسسه پژوهشی برنامه ریزی درسی)
- دکتر صفرا دژگاهی (دانشگاه الزهرا)
- دکتر منیره رضایی (پژوهشگاه تعلیم و تربیت)
- دکتر اکبر رهنما (دانشگاه شاهد)
- دکتر سید مهدی سجادی (دانشگاه تربیت مدرس)
- دکتر حکیمه سادات شریف زاده (دانشگاه مازندران)
- دکتر بختیار شعبانی ورکی (دانشگاه فردوسی مشهد)
- دکتر عباس شکاری (دانشگاه کاشان)
- دکتر بابک شمشیری (دانشگاه شیراز)
- دکتر علیرضا صادق‌زاده (دانشگاه تربیت مدرس)
- دکتر مسعود صفایی مقدم (دانشگاه شهید چمران اهواز)
- دکتر سعید ضرغامی (دانشگاه تربیت معلم)
- دکتر محسن فراهانی (دانشگاه شاهد)
- دکتر سوسن کشاورز (دانشگاه تربیت معلم)
- دکتر قائدی (دانشگاه تربیت معلم تهران)
- دکتر علیرضا محمودنیا (دانشگاه تربیت معلم)
- دکتر محمد حسن میرزاحمدی (دانشگاه شاهد)
- دکتر کیهان محمدخانی (فرهنگسرای خانواده)

همچنین، باید از اعضای ستاد اجرایی همایش و به‌ویژه جناب دکتر علیرضا صادق‌زاده، دبیر اجرایی همایش و جناب آقای مراد یاری دهنوی، دبیر اجرایی انجمن، تشکر و قدردانی کنم، چه با همت آنان



بود که طرح‌های اندیشیده، به کسوت عمل در آمد. اسامی اعضای ستاد اجرایی، به ترتیب حروف الفبا، به شرح زیر است:

- فرامرز بیجنوند (دانشجوی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه شاهد)
- علی پارسانیا (دانشجوی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه تهران)
- مجتبی پور کریمی (دانشجوی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه تهران)
- امیر توکلی (دانشجوی کارشناسی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه تربیت معلم)
- سمیرا حیدری (دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران)
- مریم خسروی (کارشناس مدیریت دانشگاه پیام نور تهران)
- سمانه خلیلی (دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران)
- حبیب‌الله رحیم‌پور ازغدی (ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه تهران)
- نرگس سجادیه (دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران)
- محمدعلی کشفی (دانشجوی ارشد معماری دانشگاه علم و صنعت)
- رضا محمدی (دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه فردوسی مشهد)
- سید صاحب موسوی (کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش)
- نورالدین محمودی (دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران)
- شیوا همتی (دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران)
- مراد یاری دهنوی (دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران)

در پایان، از همکاری نهادهایی که در برگزاری همایش، مساعدت و حمایت نموده‌اند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنم. امید است با همکاری بیشتر دوستان و دوستان بیشتر، هم‌اندیشی‌های گرانبارتری را در سال‌های آینده شاهد باشیم.

دبیر علمی همایش

دکتر خسرو باقری

### نهادهای حامی برگزاری همایش

- دانشگاه تربیت مدرس
- دانشگاه فردوسی مشهد
- دانشگاه تهران
- پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش
- سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش
- شورای عالی آموزش و پرورش
- سازمان فرهنگی- هنری شهرداری تهران
- بنیاد حکمت اسلامی صدرا

## تنگناهای پیش پا و افق های پیش روی فلسفه تعلیم و تربیت

دکتر خسرو باقری<sup>□</sup>

فلسفه تعلیم و تربیت در سطح جهانی، در سطح کشورهای اسلامی و در سطح ویژه ایران، با تنگناهایی مواجه است. در این مقاله، سعی بر آن است که با نگاهی تاریخی و شیوه ای تحلیلی، تنگناهای پیش پای فلسفه تعلیم و تربیت، مورد کاوش قرار گیرد و افق های پیش رو، با پیش بینی تلاش های احتمالی که می توان برای گشودن تنگناهای مذکور مبذول کرد، نشان داده شود. در سطح جهانی، پرونده مربوط به فرافلسفه (meta-philosophy) تعلیم و تربیت، همچنان گشوده است. با زیر سوال رفتن رویکردهای استنتاجی و تحلیلی در دهه های اخیر و با فعال شدن رقیب هایی چون فلسفه قاره ای و رویکردهای پسانوگرا، عرصه برای کثرت گرایی روش شناختی، بیش از همیشه باز شده است. افق پیش رو، آشکار خواهد کرد که رویکردهای استنتاجی و تحلیلی را نمی توان و نباید طرد کرد، بلکه تنها باید به ترسیم حدود توانایی آنها پرداخت. از سوی دیگر، بروز مسائل نو در عرصه تعلیم و تربیت، رویکردهای رقیب در فلسفه تعلیم و تربیت را به هموردی در حل یا انحلال آنها فراخوانده است. در سطح کشورهای اسلامی، چنان که مباحث کنفرانس های هفت گانه جهانی تعلیم و تربیت اسلامی نشان می دهد، غلبه بر رخنه میان تعلیم و تربیت دنیوی (سکولار) و اسلامی، سخت ترین تنگنای اندیشمندان تعلیم و تربیت بوده است. افق پیش رو، در حالت بهینه، نشانگر گرایشی به سوی برانگیختن گفتگویی دور از عصبیت، میان گونه دنیوی و گونه جاری تعلیم و تربیت در کشورهای اسلامی، برای آشکار شدن نقاط قوت و ضعف آنهاست. در سطح ایران، روشن نبودن چارچوب فلسفه تعلیم و تربیت، زمینه را برای اختلاط و التقاط تدابیر تعلیم و تربیت در مقاطع مختلف تحصیلی فراهم آورده است. از سوی دیگر، بحران در حال ظهور تربیت دینی، تلاش هایی را برای اشباع دینی محیط ها و کتاب های درسی فراهم آورده است. افق پیش رو، در حالت بهینه، ترسیم روشن چارچوب و اصول فلسفه تعلیم و تربیت، با نظر به بستر فرهنگی ایران و دیدگاه اسلامی، و برقراری تعاملی میان آن با فعالیت های تعلیم و تربیت است. ناتوانی رویکرد اشباعی، بر این اساس، آشکار خواهد شد و تربیت دینی در افق عاملیت آدمی شکل خواهد گرفت.

**کلید واژه ها:** تنگنا، افق، رویکرد استنتاجی، رویکرد تحلیلی، رویکرد اشباعی، تعلیم و تربیت اسلامی.

<sup>□</sup> - استاد دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

## جایگاه برنامه درسی در نظریه انتقادی، چالش ها و تعامل ها

مرزبان ادیب‌منش<sup>□</sup>

برنامه درسی به عنوان محور فعالیت های تربیتی، عرصه شدید ترین مشاجرات است. شاید نخستین تجلی گاه فلسفه در آموزش و پرورش را در برنامه ی درسی بدانیم؛ چرا که اهداف در برنامه های درسی گنجانده می شوند. تصمیم گیری درباره برنامه درسی در مکاتب گوناگون مستلزم بررسی، امعان نظر و تدوین غایت های آموزش و پرورش است. یکی از نظریه هایی که اخیراً در تاریخ فلسفه و نظریه ی آموزش و پرورش به ظهور پیوسته نظریه انتقادی است. علیرغم تعبیر از رونق افتادن فلسفه ی انتقادی در جامعه غرب، بی تردید حوزه فلسفه ی انتقادی یکی از شاداب ترین قلمرو اندیشه های برنامه درسی است. در خصوص ارتباط این نظریه با آموزش و پرورش به ویژه برنامه ی درسی باید گفت در این نظریه به دو عنصر مرتبط نقادی و اصلاح توجه می شود. در فلسفه ی انتقادی دو وجه برای برنامه ی درسی لحاظ می شود، یکی برنامه ی درسی عیان است که متشکل از موضوعات و مهارت ها، شناخته شده است و دیگری برنامه ی درسی نهان که در خفا، ارزش ها، نگرش ها و رفتار ها را شکل می بخشد. البته در این مکتب، بیشتر برنامه ی درسی پنهان مورد توجه قرار می گیرد که در ارتباط با این برنامه اندیشه های عمده نظریه پردازان انتقادی از جمله مک لارن، پاینار، ژیرو و گودمن تحلیل و تبیین گردیده است. در واقع هدف اصلی این نظریه پردازان این است که بر مبنای نقادی های خود مدرسه و سیستم برنامه درسی آن را اصلاح کنند، به نحوی که مدارس به فضاهای عمومی دموکراتیک تبدیل شوند تا در واقع نسل جوان و نوجوان نسبت به مسایلی از قبیل مسئولیت راستین اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و مدنی آگاه شوند. در این راستا نظریه پردازان انتقادی سعی می کنند که نقش معلم و ماهیت تدریس و اهداف آن را از نو تعریف کنند. بر این اساس در این مقاله سعی شده است تا جایگاه برنامه ی درسی در فلسفه انتقادی، چالش ها و تعاملات فلسفه انتقادی با برنامه درسی مورد بررسی قرار گیرد.

**کلید واژه‌ها:** فلسفه انتقادی، برنامه درسی، چالش، تعامل.

<sup>□</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی

## بررسی تأثیر پدیده جهانی شدن بر تربیت معلم ایران

نظر محمد اربابی<sup>□</sup>دکتر سید منصور مرعشی<sup>□</sup>

این تحقیق با هدف بررسی تأثیر پدیده ی جهانی شدن بر تربیت معلم ایران انجام شده و روش تحقیق مورد استفاده در آن توصیفی- تحلیلی است. در این روش ابتدا سیر تحول تربیت معلم ایران مورد بررسی قرار گرفته و سپس تأثیر پدیده ی جهانی شدن بر جریان تربیت معلم در ایران مورد بازبینی واقع شده است. بر اساس مطالعه ی انجام شده، تغییر در محتوا و روش تربیت معلم در ایران متأثر از پدیده ی جهانی شدن مستند شده است. یافته های تحقیق نشان می دهد که جهانی شدن بر نظام های آموزشی تربیت معلم در سطح جهانی تأثیر گذاشته و این تأثیر را نیز می توان در مولفه های تربیت معلم مانند برنامه درسی، آموزش معلمان و شیوه های ارزشیابی مشاهده نمود.

**کلید واژه ها:** جهانی شدن، تربیت معلم، مولفه های تربیت معلم.

<sup>□</sup> - دانشجوی تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

<sup>□</sup> - عضو هیئت علمی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

## عمل "زمینه‌ساز": تفکر متعارف یا تأملی؟

فرشته آل حسینی<sup>□</sup>

دکتر محمود مهرمحمدی<sup>□</sup>

با تدوین سند ملی آموزش و پرورش کشور، «زمینه‌سازی» برای تحقق «زندگی پاک»، به عنوان مأموریت خطیر نظام تعلیم و تربیت پیشنهاد شده است. «زمینه‌سازی»، تدارک مجموعه‌ای از تدابیر، و هماهنگ کردن اعمال عاملان تربیت از جمله فیلسوف، برنامه‌ریز، معلم، و دیگران، جهت دستیابی به آرمان «زندگی پاک» است. هدف ما وضوح‌بخشی به فهم خود از این اعمال «زمینه‌ساز»، در پرتو روشنگری‌های رویکرد عملی است. قصد داریم، سه عمل «زمینه‌ساز»، یعنی فلسفه‌ورزی، برنامه‌ریزی درسی، و تدریس را از منظر «عملی» مورد بررسی و تأمل قرار دهیم. فرض ما این است که رویکرد عملی می‌تواند برخی محدودیت‌های فهم ما را از اعمال تربیتی‌مان آشکار کند؛ و در پی این، آگاهی‌بخشی می‌تواند، طریقی برای فائق آمدن بر این محدودیت‌ها ارائه، و امکان حرکتی «آزادانه» و «آگاهانه» را فراهم کند. فرض اساسی در رویکرد عملی، این است که این محدودیت‌ها، همان محدودیت‌های تفکر متعارف هستند. تفکر متعارف، عادت‌های فکری ما هستند که به گونه‌ای غیرتأملی اعمال تربیتی ما را هدایت می‌کنند. مفروضات تفکر متعارف، مسلم فرض شده، به میراث‌رسیده، و ناآزموده‌اند. آنها به ندرت به شیوه‌های صریح بیان و تفکر صورت بندی شده‌اند، و ما نیز به ندرت به شیوه‌های صریح بیان و تفکر از آنها آگاهی می‌یابیم. رویکرد عملی، با نظر به تعلیم و تربیت به عنوان عمل، و نقش بی‌بدیل تفکر عملی در بهبود و ارتقای این عمل، و هم چنین توجه به عامل از جمله فیلسوف، برنامه‌ریز، و معلم، درصدد رفع محدودیت‌های تفکر متعارف، در جریان «عمل تأملی» برمی‌آید. از این‌رو، انتظار این است که طریقی‌رهایی از این محدودیت‌ها و امکان حرکت «آزادانه» و «آگاهانه» را در امکانات بی‌بدیل «تفکر عملی» و «عمل تأملی» بتوان یافت.

**کلید واژه‌ها:** فلسفه عملی، فلسفه تعلیم و تربیت تأملی، برنامه‌ریزی درسی عملی، تدریس تأملی.

<sup>□</sup> - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت مدرس

<sup>□</sup> - استاد دانشگاه تربیت مدرس

## روش‌شناسی پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت: روش تحلیل تاریخی

ادریس اسلامی<sup>۱</sup>امیر پله<sup>۲</sup>

در مقاله حاضر، با تکیه بر این معنا که فلسفه تعلیم و تربیت، فلسفه مضاف به دانش تعلیم و تربیت است، نخست، ماهیت پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت مطرح گشته و آن، از سنخ دانش پژوهی دانسته شده است. سپس به بررسی روش‌شناسی این نوع پژوهش که هدف اصلی مقاله می‌باشد، پرداخته شده است. در بحث روش‌شناسی پژوهش در این حوزه، ابتدا، روش تحلیل منطقی مورد بحث قرار می‌گیرد؛ روشی که فیلسوفان تحلیلی آن را قوی‌ترین ابزار ایضاح مفاهیم و اعتبار سنجی استدلال‌ها می‌دانند. با توجه به آن که ضعف اصلی این روش، نادیده گرفتن تاریخ است، در گام بعدی، روش تحلیل تاریخی به عنوان واکنشی در برابر آن، مورد بررسی قرار می‌گیرد و در پایان، به دلیل این که ماهیت پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، دانش پژوهی است و این که روش تحلیل تاریخی هم از مزایای تحلیل برخوردار است و هم به سیر تاریخی مفاهیم محوری و ارزشی دانش تعلیم و تربیت، توجه دارد، این روش مناسب پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت تلقی گشته است.

**کلید واژه‌ها:** پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، روش‌شناسی، تحلیل منطقی، تحلیل تاریخی.

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران

<sup>۲</sup> - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت مدرس تهران

## چالش‌های نظری فراروی فلسفه تعلیم و تربیت در حوزه روش‌شناسی پژوهش

دکتر زهره اسمعیلی<sup>□</sup>

سه مرحله کلی حاکم بر هر پژوهش از جمله پژوهش‌های فلسفه تعلیم و تربیت عبارتند از: "بیان مسأله، طراحی نظریه، و آزمون و داوری". این مقاله به دنبال پاسخ‌گویی به پرسشی است مبنی بر این که چگونه محتوای مسائل پژوهشی در حوزه فلسفه تعلیم و تربیت از حیث "روش شکل‌گیری و پاسخ‌گویی" می‌تواند به وضوح تبیین شود. پاسخ به این پرسش، مبتنی بر نظر مکاتب روش‌شناختی علم شامل پوزیتیویسم منطقی، راسیونالیسم انتقادی، مکتب جامعه‌شناختی علم، مکتب استنباطی یا تفهیمی، و مکتب انتقادی صورت گرفته است. در این بررسی، رقابت میان این دیدگاه‌ها به لحاظ معیارهایی چون تعریف پژوهش، هدف پژوهش، نوع پژوهش، نقش پژوهشگر در پژوهش، و نتیجه پژوهش، مورد توجه بوده است.

**کلید واژه‌ها:** مکاتب روش‌شناختی علم، روش‌شناسی پژوهش، فلسفه تعلیم و تربیت، چالش نظری.

---

<sup>□</sup> - عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور



## بررسی رابطه معنویت و دین از دیدگاه علامه طباطبایی و دلالت‌های آن در تربیت دینی

زهرا اشعری<sup>□</sup>

این مقاله به کندوکاو درباره مفهوم معنویت و رابطه‌ی آن با دین از دیدگاه علامه طباطبایی پرداخته و دلالت‌های آن را در تربیت دینی بیان کرده است. از دیدگاه وی، معنویت فراتر از جنبه‌ی کارکردی آن، به‌عنوان امری وجودی مورد توجه قرار گرفته است. معنویت آفاقی و انفسی دو منبع ناگسستنی معنویت هستند که ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. معنویت در دل هر ذره‌ی این جهان، به‌طور عام و در وجود انسان، به‌نحو خاص نهاده شده است. آدمی در حال تحقق معنویت خویشتن است. میل و معرفتی که در نهاد او، نسبت به پروردگار به‌ودیعه گذاشته شده است می‌تواند با جهت بخشی به اعمال درونی و بیرونی او، در سیر تجرد نفس، نقش ایفا کند. معنویت، باطن دین و محور مشترک تمام ادیان الهی است و رابطه معنویت و دین را در همین امر می‌توان یافت. علامه طباطبایی توجه به معنویت در تربیت دینی امری ضروری تلقی کرده است. در این مقاله، کارکردهای معنویت در تربیت دینی بررسی شده و بدین منظور روش استنتاج قیاسی به کار گرفته شده است. برای این کار از الگوی بازسازی شده‌ی فرانکنا استفاده و دو اصل تربیتی و روش‌های آن ارائه شده است: ۱. اصل نگرش آیه‌ای به جهان هستی و روش تحلیل رخدادهای جهان بر حسب صفات خدا. ۲. اصل تعالی یافتن از حد وجودی خود و روش گذر از اعتباریات شخصی. اصل اول، بیانگر رویکردی به علم است که در پی یافتن نشان‌های خداوند در مواجهه با پدیده‌های هستی است. اصل دوم، ناظر بر این است که انسان باید درک خود را از حدود محصورکننده‌ی وجود خویش، تعالی داده و با یافتن درک افزون تری از ربّ، نفس خود را بسط وجودی دهد. از دیدگاه علامه طباطبایی اعتباریات شخصی از مهمترین حدود وجودی فرد به شمار می‌رود و یافتن هویت حقیقی، بدون گذر از اعتباریات شخصی میسر نمی‌باشد. اصول و روش‌های فوق، به‌ترتیب ناظر بر بعد آفاقی و انفسی معنویت می‌باشند.

**کلید واژه‌ها:** تربیت، معنویت، دین، علامه طباطبایی، معنویت آفاقی، معنویت انفسی.

## چگونه می‌توان از تحلیل فلسفی به عنوان یک روش پژوهشی در برنامه درسی استفاده کرد؟

بهارک اعظمی<sup>□</sup>

ژیلا حیدری نقدعلی<sup>□</sup>

یکی از انواع روش‌های پژوهش کیفی که در حوزه برنامه‌ی درسی، به موازات احساس نیاز جهت شفاف‌سازی مفاهیم کلیدی این قلمرو، موضوعیت و ضرورت پیدا می‌کند، روش پژوهش «تحلیل فلسفی در برنامه‌ی درسی» است. این نوع از پژوهش، از لحاظ بنیادهای مفهومی، ریشه در فلسفه تحلیلی ویتگنشتاین متأخر و نظریه بازی‌های زبانی او دارد. از سوی دیگر، طی چند دهه اخیر، پدیده فلسفی هرمنیوتیک مطرح شده است که می‌تواند در فهم این زمینه و روش مدد رساند. متفکران این نحله‌ی فلسفی مدعی‌اند که قدرت فهم انسانِ فهیم در زبان او متجلی می‌شود و در حرکت رفت و برگشتی از فهم به زبان و بالعکس، تجربه‌ی هرمنیوتیک تحقق پیدا می‌کند. همچنین، با مراجعه به آموزه‌های هرمنیوتیکی می‌توان دریافت که بررسی سیر تحول و تطور زبان در بستر تاریخ و بالاخص در مقطع زمانی زیست‌شده‌ی مولف، از الزامات فهم محسوب می‌شوند. از این منظر، فلسفه‌ی تحلیل زبان، هرمنیوتیک و تاریخ در یک پیوند ناگسستنی در کنار هم قرار می‌گیرند. این مقاله در صدد هموار کردن مسیر جهت یافتن پاسخ‌هایی برای این پرسش‌ها است: ۱- آیا می‌توان روش‌های پژوهش فلسفی را، علی‌رغم انعطاف بی‌حد و حصرشان، در قالب مراحل و قواعد خاصی تبیین و تعریف نمود که متخصصان برنامه‌ی درسی (با تمام عنایت ویژه به روش‌های کمی) بتوانند از آن در انجام پژوهش و آموزش پژوهش بهره‌گیرند؟ ۲- آیا می‌توان نمونه‌هایی از پژوهش در حوزه‌ی برنامه‌ی درسی را معرفی کرد که متخصصان این رشته با آگاهی یا بدون آگاهی از اصول و مراحل روش تحلیل فلسفی از این روش برای بررسی مساله‌ای در ارتباط با حوزه‌ی برنامه‌ی درسی اقدام کرده‌اند؟

**کلید واژه‌ها:** تحلیل فلسفی، پژوهش کیفی، پژوهش در برنامه‌ی درسی، هرمنیوتیک، تحلیل زبان.

<sup>□</sup> - دانشجوی دکتری برنامه‌ی ریزی درسی دانشگاه تربیت معلم

<sup>□</sup> - دانشجوی دکتری برنامه‌ی ریزی درسی دانشگاه تربیت معلم

## جهانی شدن، نوآوری ها و فرهنگ سازی از طریق فلسفه آموزش و پرورش

مهدی امیری<sup>۱</sup>امیر نوری زاده<sup>۲</sup>

جهانی شدن رویدادی تاریخی است که از دهه ۷۰ قرن بیستم میلادی به منزله پدیده ای شگرف در غرب زاده شد. شعاع گسترده این پدیده، همه ی ابعاد زندگی انسان قرن حاضر را تحت تاثیر قرار داده است. در واقع جهانی شدن از زمان مطرح شدنش تا به امروز بحثی است که توجه زیادی را در محافل گوناگون فرهنگی، اجتماعی، علمی و... به خود جلب کرده است. قدر مسلم این است که در شرایط فعلی، دیگر نمی توان نسبت به اوضاع جهانی بی تفاوت بود و خواسته یا ناخواسته شرایط جهانی بر تمامی بخش های یک کشور تاثیر می گذارد. از طرف دیگر همان طور که می دانیم آموزش و پرورش نقش حیاتی در ساخت اجتماع انسانی دارد و طفیلی وجود انسان و اجتماع در این نهاد است که به منصفی ظهور می رسد. لذا با توجه به سرعت روزافزون جهانی شدن و پیدایش نوآوری های نوین و تغییر اجتماعات انسانی، مسئله اساسی در این پژوهش این است که فلسفه آموزش و پرورش به عنوان یکی از صافی های آموزش و پرورش، چه نقشی در فرهنگ سازی نوآوری های جدید دارد و تا چه حد می تواند در این زمینه مثمر ثمر باشد. نوع پژوهش، بنیادی، و روش پژوهش تحلیل اسنادی بوده و در آن از منابع کتابخانه ای استفاده شده است. جامعه پژوهش شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی می باشد و از فرم های فیش برداری جهت گرد آوری داده ها استفاده شده و داده ها به صورت کیفی مورد تحلیل قرار گرفته اند.

**کلید واژه ها:** جهانی شدن، نوآوری، فرهنگ سازی، فلسفه آموزش و پرورش.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی دانشگاه تهران

۲- کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران

## سهم فیلسوفان آموزش و پرورش در اصلاحات آموزشی

دکتر شهین ایروانی<sup>□</sup>

دغدغه اصلاح بنیادی نظام آموزشی کشورمان، از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گرفت و طرح‌هایی برای اصلاحات آموزشی پیشنهاد شد. اما یک دهه است که درک اهمیت وجود یک فلسفه تعلیم و تربیت برای نظام آموزشی باعث شده که فعالیت گسترده‌ای در این راستا انجام و طرح‌هایی با هدف جستجو یا ارائه‌ی یک فلسفه‌ی آموزش و پرورش مناسب به عنوان مبنای اصلاحات در نظام آموزشی کشورمان ارائه گردد. اما انتخاب چنین رویکردی زمینه‌ساز ابهاماتی است. از جمله این سوال‌ها قابل طرح است: آیا این رویه‌ی تدارک فلسفه‌ی آموزش و پرورش می‌تواند منجر به اصلاحات آموزشی متناسب با آن در نظام آموزشی کشور شود؟ آیا فلسفه‌ها و حتی آرای اندیشمندان غرب که به نحو آشکار می‌توان آنها را در اصلاحات کشورهای غربی دید، با همین رویه تدارک شده و مبنای اصلاحات بنیادی نظام آموزشی قرار گرفته‌اند؟ سهم مربیان در این میان چیست؟ مطالعه‌ی مکانیزم، روند و مراحل اصلاحات آموزشی روشن می‌کند که سهم مربیان و فعالیت‌های خستگی‌ناپذیر آنها در اصلاحات آموزشی، بسیار تعیین‌کننده بوده است. در این صورت، سهم فیلسوفان و فلسفه‌های تعلیم و تربیت آنها تا چه میزان است؟ اینان چگونه در اصلاحات آموزشی مداخله می‌کنند؟ آیا تلاش‌های امروز متخصصان فلسفه‌ی تعلیم و تربیت در کشور ما در جستجوی یک فلسفه‌ی تعلیم و تربیت در درون نظام آموزشی، در همین راستا قرار می‌گیرد؟ مقاله این موضوع را با روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار داده و نتایج آن نمایانگر نکات قابل تاملی در روش‌شناسی فیلسوفان و مربیان آموزش و پرورش در ایفای نقش اصلاح‌گری آموزشی است.

**کلید واژه‌ها:** اصلاح آموزشی، مربی، فیلسوف تعلیم و تربیت.

<sup>□</sup> - استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

## تأملات فلسفی و روش شناختی اقدام پژوهی

بیژن بابایی<sup>□</sup>

بررسی مبانی فلسفی و روش شناختی اقدام پژوهی به عنوان شیوه ای از پژوهش جهت تغییر و توسعه، به طور اعم، و ارتباط آن با سنت پیش مدرن فلسفه ی عملی و نوسازی مدرن، به طور اخص، از اهداف اصلی این مقاله است. از آنجایی که روش های پژوهش از روش شناسی و آن نیز از مفروضات معرفت شناسی تاثیر می پذیرد، این مطالعه سعی دارد اقدام پژوهی را که ماهیتی خود انتقادی، کاربردی و مشارکتی دارد جهت بهبود کیفیت مسایل درگیر توسط خود کارورزان به عنوان مانیفیستی از فلسفه ی عملی مأخوذ از پژوهش های تربیتی با مفروضات روش شناختی متمایز \_در راستای پیوند روش علوم اجتماعی به تغییر اجتماعی\_ در تقابل با روش های خبرگی تکنیکی پژوهش های رایج، از منظر رابطه ی پژوهشگر با پژوهش، شیوه ی هدایت آن، اعتبار دانش به دست آمده و استلزام های آن برای کارورزان مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. نهایت آنکه در مسیر این بررسی سعی شده است با استفاده از روش پژوهش تحلیلی - مفهومی ضمن بررسی مبانی فلسفی و روش شناختی اقدام پژوهی، روند تحول و جایگاه آن در بین سایر انواع پژوهش ها به روایت کشیده شود. به نظر می رسد علیرغم آنکه این شیوه پژوهش در بین پژوهشگران تربیتی و به خصوص معلمان مقبولیت عام یافته، ولی کمتر بر ویژگی های متمایز فلسفی و روش شناختی آن تاکید شده است؛ بنابراین، این مطالعه سعی دارد زوایایی جدید از اعتبار و جایگاه فلسفی و روش شناختی آن را معرفی نماید. از نتایج احتمالی این پژوهش می توان به خودآگاهی بیشتر پژوهندگان از جایگاه اقدام پژوهی و بینش عمیق تر جهت رهنمون شدن به انجام آن با توجه به مبانی فلسفی و روش شناختی اشاره کرد. انتظار می رود لحاظ کردن این مبانی بر توسعه و بهبود عمل معلمان به عنوان پژوهشگران اندیشمند و یا کارورزان فکور تاثیر گذار باشد.

**کلید واژه ها:** اقدام پژوهی، فلسفه عملی، مکتب نوسازی، روش شناسی، اثبات گرا، پسا اثبات گرا.

<sup>□</sup> - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه فردوسی مشهد

## تدوین فلسفه تعلیم و تربیت بر مبنای اندیشه حکیم صدرالدین شیرازی (ملاصدرا)

اکبر باشکوه اجیرلو<sup>□</sup>

سرزمین حاصلخیز اندیشه ی حکیم صدرالدین شیرازی، از وادی های بکری محسوب می شود که قابلیت رویش و باروری اندیشه های تربیتی در آن، دو چندان است. اگرچه این فیلسوف عارف، به طور خاص درباره تعلیم و تربیت و به معنای رسمی آن سخنی نگفته، اما اندیشه ی منسجم و ژرف او، متضمن بذرهای تربیتی است که نیازمند پرورش است. در این مقاله تلاش شده است با معرفی اجمالی مهمترین مؤلفه های حکمت متعالیه صدرایی؛ با کمک گرفتن از روش های تحلیلی- استنتاجی مرسوم در پژوهش فلسفی، پیامدهای آنها در ساحت تعلیم و تربیت بررسی شود. بر این مبنا، پس از بیان کوتاه سیره عملی یا زندگی پربار حکیم صدرا که خود متضمن اصول و روش های تربیتی است، نخست مؤلفه های هستی شناسی، انسان شناسی، معرفت شناسی و ارزش شناسی منظومه ی فکری او تبیین شده است. سپس، پیامدها و دلالت های آن در قالب عناصر مهم یک نظام تعلیم و تربیت از جمله مفهوم تربیت، امکان تربیت، ضرورت تربیت، اهداف غایی تربیت، اصول و روشهای تربیت تبیین گردیده است.

**کلید واژه‌ها:** حکیم ملاصدرا، نظام تربیتی، اهداف، اصول و روش های تربیت.

<sup>□</sup> - عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور آذربایجان شرقی

## مروری بر رویکرد متفکران غربی (پس از رنسانس) به تربیت معنوی انسان

حسین باغلی<sup>□</sup>

در این مقاله ضمن روشنسازی فضای اندیشه‌ورزی در دنیای غرب (پس از رنسانس)، شاخه‌های اصلی تلاش‌های فکری متفکران غربی در این دوره مشخص شده است. همچنین با بررسی ویژگی‌های تعاملی و تقابلی شاخه‌های فکری انسان غربی (دین، فلسفه و علم)، رویکردهای مطرح در هر شاخه در زمینه تربیت معنوی نیز مورد واکاوی قرار گرفته است. در این پژوهش از روش تاریخی استفاده شده و بر این اساس با استفاده از برخی منابع موجود در زمینه تاریخ تفکر مغرب زمین، اندیشه صاحب نظران در زمینه تربیت معنوی مورد بررسی قرار گرفته است. بررسی حاضر حاکی از آن است که انسان غربی در بازگشت دوباره‌ی خود به معنویت دو رویکرد عمده را اتخاذ نموده است. در رویکرد اول که به ایمان - گرایبی مشهور است و شامل دیدگاه افرادی چون ویتگنشتاین متاخر و پلنتینگا است، فهم دین از دایره عقلانیت خارج شده و گزاره‌های دینی خود بنیاد تلقی میشوند. در رویکرد دوم که به معنویت‌گرایی سکولار مشهور است، معنویت به عنوان یکی از ابعاد وجودی انسان تلقی شده و برای ارضای آن ضرورت اعتقاد به عالم ماوراء منتهی و پرداختن به امور معنوی به‌عنوان یک نیاز درونی انسان در نظر گرفته میشود. بر این اساس دین و اخلاق به عنوان راهکارهایی برای ارضای معنویت‌گرایی انسان تلقی شده و میتوانند دارای جایگزین باشند. پیامد پذیرش هر دو رویکرد نوعی تکثرگرایی در پذیرش رویکردهای معنوی مختلف میباشد. اما در رویکرد دوم به‌نظر میرسد انسان معاصر غرب به دلیل تجربه نامناسب از تسلط دین، تلاش میکند خود را بینباز از آن نشان دهد، ولی بسیاری از ویژگی‌های مطرح شده در بعد معنویت‌گرایی با مسائل مطرح در ادیان، مشابه به‌نظر می‌رسد.

**کلید واژه‌ها:** تربیت معنوی، تاریخ غرب، رنسانس، متفکران غربی.

<sup>□</sup> - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه فردوسی مشهد

## بررسی موردی کتاب فیزیک اول دبیرستان به روش تحلیل محتوا بر اساس اصول معرفت شناختی

سعیده باقری<sup>□</sup>

در این تحقیق کتاب فیزیک اول دبیرستان چاپ ۱۳۸۸ که آخرین بار در سال ۸۱ مورد بازبینی و ویرایش قرار گرفته است، به عنوان مهم ترین منبع آموزش درس فیزیک مورد بررسی قرار گرفته است. درصد بالایی از دانش آموزان یعنی دانش آموزان رشته های هنرستانی و فنی و حرفه ای و نیز رشته علوم انسانی تنها از طریق این کتاب با درس فیزیک آشنا می شوند و در صورت عدم ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر، به هیچ نحو دیگری امکان آشنایی با این علم را نخواهند داشت. به همین دلیل طبق آن چه در مقدمه ی کتاب مطرح شده، سعی شده است در این کتاب به مباحثی از فیزیک پرداخته شود که هر فردی به عنوان شهروند به آن ها نیاز خواهد داشت. بر این اساس، این کتاب برای بررسی موردی به روش تحلیل محتوا انتخاب شده است. مقوله های این تحلیل را اصول ده گانه معرفت شناختی مطرح شده در کتاب «درآمدی بر فلسفه ی تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران» توسط دکتر خسرو باقری تشکیل داده است. پس از بررسی مقوله های مورد نظر در بخش های انتخابی از این کتاب، مشخص شد که بیش از نیمی از موارد دال بر این مقوله ها به اصل های دوم و چهارم یعنی تکیه بر شواهد و تکیه بر حقایق اختصاص دارد و مقوله هایی که کمتر از همه به آن ها پرداخته شده است، اصول نهم و دهم یعنی نقد مداوم آموخته ها و ابداع تقسیم های جدید در علوم می باشند.

**کلید واژه ها:** تحلیل محتوا، کتاب فیزیک دبیرستان (۱)، اصول معرفت شناختی.

<sup>□</sup> - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران



## پارادوکس ایدئولوژی در " تربیت رسمی " و پلورالیسم روش شناختی در " فلسفه تعلیم و تربیت "

رمضان برخورداری<sup>□</sup>

از یک سو، نظام تعلیم و تربیت رسمی برای آنکه در عرصه عمل دچار تشتت و چند دستگی نشود، ناگزیر از تمسک به ایدئولوژی واحدی برای ادامه حیات خود است. از سوی دیگر، با توجه به نیاز پیوسته به پژوهش، از میان عرصه های مختلف پژوهش در تعلیم و تربیت، فلسفه تعلیم و تربیت از جمله قلمروهایی است که یکی از عمده ترین فعالیت های آن بررسی فلسفی اهداف موجود و یا طرح انداختن اهداف جدید در تعلیم و تربیت می باشد. اگر چه از "فلسفه تعلیم و تربیت" به عنوان رشته ای دانشگاهی، عمر چندانی نمی گذرد، اما به خصوص در بیست سال اخیر به لحاظ روش شناختی، شاهد مطرح شدن روش شناسی های متعددی در آن هستیم. البته آشکار است هر نوع روش شناسی به مبانی فلسفی (هستی شناسی، معرفت شناسی) خاصی تکیه دارد و بدان واسطه خود را موجه می کند. حال با توجه به این کثرت روش شناختی، مساله ای که مطرح می شود این است که آیا می توان دستاوردهای روش شناسی های مختلف در "فلسفه تعلیم و تربیت" را در تربیت رسمی به گونه ای موثر در نظر آورد؟ پرداختن به این پارادوکس هدف اصلی مقاله حاضر خواهد بود.

**کلید واژه ها:** ایدئولوژی، تربیت رسمی، روش شناسی، فلسفه تعلیم و تربیت.

## تبیین نقش فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی در مواجهه با بحران اخلاقی

مریم بناهان<sup>□</sup>دکتر سید مهدی سجادی<sup>□</sup>

در ایران، به خصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نیاز به فلسفه ای مدون در باب تعلیم و تربیت با رویکردی اسلامی به شدت احساس می شود. طرح پژوهشی سند ملی آموزش و پرورش اولین اقدام در جهت تدوین نظام مند فلسفه تربیت در کشور است که در این مقاله به عنوان سند قابل استناد در حیطه ی فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی مورد توجه واقع شده است. یکی از اساسی ترین مبانی فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی که مستقیماً با هدف و غایت خلقت انسان در ارتباط است، مبنای ارزش شناسی و اخلاق است. هر چند انسان برطبق فطرت الهی خویش، دوستدار تعالی روحی و معنوی است؛ اما در دوران کنونی با انسان مسخ شده ی معنویت گریز مواجه شده ایم. آنچه در این مجال مورد نظر بوده، تحلیل فلسفی بحران اخلاقی و یافتن ریشه های فلسفی آن است، اما عدم امکان پرداختن به تمامی مبانی فلسفی بحران اخلاقی در این مجال اندک باعث شد تا صرفاً به مبانی ارزش شناختی بحران اخلاقی بپردازیم و در حوزه ی مباحث مربوط به اخلاق و ارزش، نسبت گرایشی را به دلیل تأثیر آن در ایجاد مصادیق گوناگون بحران اخلاقی انتخاب کنیم. اما هدف اصلی در اینجا سنجش توانایی سند ملی آموزش و پرورش در جایگاه نمونه ی مدونی از فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی در مواجهه با چالش هایی این چنینی و در حقیقت میزان واقع نگری آن بوده است.

**کلید واژه ها:** فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، سند ملی آموزش و پرورش، بحران اخلاقی.

<sup>□</sup> - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت مدرس

<sup>□</sup> - دانشیار گروه فلسفه و تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت مدرس

## نسبت فناوری اطلاعات، فرهنگ بومی و تربیت: کاوشی فلسفی

احمد بنی اسدی<sup>□</sup>معصومه ترکاشوند<sup>□</sup>

هدف پژوهش حاضر بررسی فلسفی پیامدهای فناوری اطلاعات بر فرهنگ بومی و جریان تربیت و بازخوانی نسبت میان آن‌ها است. ورود فناوری اطلاعات با سرعت فزاینده به محیط‌های آموزشی و پرورشی چه از بسترهای رسمی و چه غیر رسمی منجر به نگرانی‌هایی برای متولیان امر آموزش و پرورش شده است؛ از جمله جدی‌ترین آنها، ایجاد اختلال در مسیر تربیت صحیح می‌باشد. در جامعه‌ای مانند ایران، این ورود به دلایلی می‌تواند خطرات جبران‌ناپذیری همچون گسیختگی فرهنگی، بی‌هویتی ملی و رویگردانی از ارزش‌های بومی را در بر داشته باشد، عواملی نظیر نامناسب بودن جریان آزاد اطلاعات و بی‌حد و حصر بودن آن در سیستم‌های مجازی برای متربی، اغلب نامشخص بودن هویت حقیقی کاربران در اینگونه سیستم‌ها، گمراه کردن متربی بر اساس جاذبه‌های کاذب، نبود معلم کارآمد و آشنا با این‌گونه خطرات، در تسریع این تهدیدات نقش داشته است. در این مقاله تلاش شده است تا با مد نظر قرار دادن عواملی نظیر سند چشم‌انداز بیست‌ساله، برنامه‌ی توسعه‌ی پنجم و بررسی فلسفه‌ی فناوری اطلاعات در حوزه‌ی تعلیم و تربیت، راهکارهای رویارویی با خطرات این فناوری با استفاده از روش کتابخانه‌ای و رجوع به منابع اینترنتی معتبر متمایز از پنهان‌کاری‌های کاذب ارائه نماید. پیشنهادهای پایانی این مقاله افزایش معلمین متخصص در این راستا، بالا بردن دانش و مهارت‌های خانواده و خود متربی بر اساس افزایش خودکنترلی فرد نه الزامات اجبارهای بیرونی، عمق بخشیدن به معلومات فرد برای استفاده بهتر، و سرانجام افزایش تولیدات متنوع داخلی متناسب با فرهنگ بومی، در این زمینه می‌باشد.

**کلید واژه‌ها:** فلسفه فناوری اطلاعات، گسیختگی فرهنگی، بی‌هویتی ملی، معلم کارآمد.

<sup>□</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه‌ی دانشگاه تربیت معلم تهران

<sup>□</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی دانشگاه تربیت معلم تهران

## جست و جویی در بنیان‌های معرفت‌شناختی فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی بر مبنای حکمت صدرایی

دکتر سعید بهشتی<sup>□</sup>

نظام آموزش و پرورش در هر عصر و مصری بر یک نظام فکری و نظری به نام "فلسفه تعلیم و تربیت" استوار است. این نظام فکری نیز در بطن و متن خود بر نوعی "جهان‌شناسی" و "انسان‌شناسی" مبتناء دارد، و سرانجام، این دو نیز بر پایه گونه‌ای "معرفت‌شناسی" قرار دارند. "فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی" یکی از علوم فلسفی اسلامی است که با روش تعقلی و استدلالی به بازشناسی و بازنگاری بنیان‌های فلسفی و نظری تعلیم و تربیت اسلامی، از یک سو، و استنتاج و استنباط دلالت‌های تربیتی متناسب با آنها از سوی دیگر می‌پردازد. با عنایت به تقدم معرفت‌شناسی بر جهان‌شناسی و انسان‌شناسی، و نیز با توجه به ابداعی و ابتکاری بودن بخش مهمی از فلسفه حکیم صدرالمآلهین شیرازی و جامعیت و فراگیری به نسبت بیشتر حکمت متعالیه صدرایی در قیاس با حکمت‌های مشایی و اشراقی، در این مقاله، کوشش منظمی به عمل آمده است تا به عنوان گام اول، بخش‌هایی از دیدگاه‌های معرفت‌شناختی فلسفه صدرایی، استخراج و به صورت منظم طبقه‌بندی و تدوین گردد. استنتاج دلالت‌های تربیتی این دیدگاه‌ها، مرحله دیگری است که پس از اتمام عرضه خواهد شد. این دیدگاه‌ها عبارت‌اند از: "بدیهی بودن علم"، "از سنخ وجود بودن علم"، "اتحاد وجودی علم و عالم"، "رابطه ماهوی علم و معلوم"، "واقع‌نمایی علم"، "مجرد بودن علم"، "مرتبه‌مندی علم" و "ابداعی بودن علم".

**کلید واژه‌ها:** فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، معرفت‌شناسی، صدرالمآلهین، علم.

<sup>□</sup> - دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی

## هویت انسانی در روابط بین فرهنگی

راضیه بیرونی کاشانی<sup>□</sup>

پرداختن به روابط بین فرهنگ ها و شنیدن صداهای مختلف، نیاز به روابط بین فرهنگی و زندگی در فضایی آکنده از تفاهم و احترام متقابل، امر مهمی است که دیدگاه های گوناگون به آن پرداخته اند. کسانی مثل فیلسوفان پست مدرن برای اینکه هیچ ساختاری مانع به گوش رسیدن صدای فرهنگ های مختلف نشود، سخن از شکستن ساختارها می گویند. فیلسوفان دیگری همچون هابرماس به تصحیح روابط بین فردی، با بررسی زبان و کارکردهای مختلف، آن پرداخته اند. در کشور ما، نیز به دلیل وجود اقوام گوناگون با ملیت ایرانی این مساله اهمیت بسیاری دارد و لذا کم و بیش در قالب مقالاتی چند به آن پرداخته شده است. شاید یکی از مهمترین راهکارهایی که در این زمینه ارایه شده تبیین هویت پویای انسانی در قالب کثرت گرایی روشی است که مقالاتی در باره تبیین استلزام ها و راهبردهای این امر نیز وجود دارد. در واقع کثرت گرایی روشی، راهی برای فرآیند فهم روابط انسانی باز می کند و ارتباط موثر و مثبت را از طریق تربیت و آموزش، همگانی کند. در این نوشتار سعی نگارنده بر آن است که با دیدی انتقادی کثرت گرایی روشی را با فرآیند فهم در دیدگاه هابرماس، که از طریق زبان و کارکردهای آن شکل می گیرد، مقایسه کند. سعی نگارنده بر آن است که کثرت گرایی مطرح شده را به منزله ی فراهم آورنده شرایطی مطرح کند که تأکید بر روابط عقلانی و هویت انسانی در آن، جهان را به سوی انسانی شدن سوق می دهد نه انسان ها را به سوی جهانی شدن.

**کلید واژه ها:** هویت پویا، هابرماس، کثرت گرایی روشی، ارتباط بین فرهنگی.

<sup>□</sup> - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران

## بررسی همزیستی مسالمت‌آمیز به مثابه‌ی هدفی تربیتی و بازتاب آن در کتابهای درسی مقطع متوسطه آموزش و پرورش ایران

دکتر محمد جعفر پاکسرشت<sup>□</sup>

دکتر مسعود صفایمقدم<sup>□</sup>

سید جلال هاشمی<sup>□</sup>

برای بررسی همزیستی مسالمت‌آمیز به مثابه‌ی هدفی تربیتی در کتابهای درسی مقطع متوسطه از دو روش تحقیق تحلیلی- انتقادی و تحلیل محتوا استفاده کرده ایم. دو دیدگاه درباره تلاش برای تحقق همزیستی در اجتماع وجود دارد: دیدگاه نخست، با نگاهی مثبت، دستیابی به همزیستی را وظیفه کلیه سازمانها و گروههای متفاوت جامعه میدانند؛ دیدگاه دوم، با رویکردی منقدانه، برنامه‌های آموزش همزیستی را راهی برای دائمی‌کردن تبعیض و استثمار می‌داند. ابتدا با روش تحلیلی-انتقادی، ماهیت «همزیستی مسالمت‌آمیز به مثابه هدفی تربیتی» بررسی و تبیین شده و برای آن، مباحثی تجربی، فلسفی-تربیتی و اسلامی تعیین گردیده است. طبق الگوی جدید، «همزیستی مسالمت‌آمیز عادلانه» به مثابه هدفی تربیتی است. مضمین اصلی این هدف تربیتی عبارتند از: آموزش در راستای همزیستی حداقلی، آموزش برای سازش میان گروهها، آموزش در راستای همزیستی حداکثری و آموزش در راستای دستیابی به جامعه متعادل. نتایج تحلیل محتوا نیز نشان داد که کتابهای درسی مقطع متوسطه به میزان مطلوبی در راستای آموزش و تقویت همزیستی مسالمت‌آمیز به عنوان یک هدف کلان تربیتی در نظام آموزشی کشور ما سامان نیافته‌اند. در نهایت براساس نتایج پژوهش، پیشنهادهایی برای آموزش، ایجاد و تقویت همزیستی مسالمت‌آمیز ارائه شده است.

**کلید واژه‌ها:** همزیستی مسالمت‌آمیز، هدف تربیتی، کاهش خشونت، مقطع متوسطه، تحلیل محتوای کتابهای درسی.

<sup>□</sup> - استاد دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

<sup>□</sup> - دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

<sup>□</sup> - دانشجوی دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید چمران اهواز

## انسان شناسی فلسفه اشراق و دلالت های تربیتی آن

حمداالله پسکوهانی<sup>□</sup>

مکتب اشراق یکی از مکاتب مهم فلسفه ی اسلامی است. نوآوری های این مکتب در بخش های مختلف محل بحث در فلسفه ی اسلامی است. در این مقاله سعی می شود تا به بررسی ریشه های انسان شناسی در فلسفه ی اشراق پرداخته شود و ابتدا نظر شیخ اشراق در مورد ماهیت انسان و نحوه ی تعامل روح و بدن در او مورد بررسی قرار گیرد و بر اساس نور شناسی و فرشته شناسی او تصویری از انسان ارایه و با بهره گیری از داستان های رمزی شیخ اشراق مانند غربت غرب و کتاب حکمه الاشراق او، تعامل انسان با دنیای پیرامون بررسی شده و پس از شناخت انسان در نگاه این فیلسوف گراندقدر، به تبیین دلالت های این دیدگاه در زمینه ی تربیت پرداخته شود تا راهی که شیخ مقتول برای رسیدن به انسان کامل رسم کرده به وضوح و همراه با روشی که برای رسیدن به آن طرح کرده، مورد بررسی قرار گیرد. به نظر می رسد که کنار هم قرار دادن این دیدگاه ها در کنار دیدگاه های نوین تربیتی بتواند راهگشای برخی از مشکلات اساسی تربیتی، با استفاده از نظام تربیتی اسلامی، باشد.

**کلید واژه ها:** نور، کمال، نفس ناطقه، علم حضوری، نور الهی.

<sup>□</sup> - کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه تهران

## چالش مصالح فرد یا جامعه در رویکردهای نظری به تعلیم و تربیت: تلاشی برای دسترسی به رویکرد فلسفی مناسب

دکتر عزیزالله تاجیک اسمعیلی<sup>□</sup>

دو رویکرد اجتماعی و رشدگرا در نظریه های برنامه ی درسی تقریباً متقابل و متضاد با یکدیگرند. رویکردهای فرعی در درون دیدگاه اجتماعی که طیفی از دیدگاه های محافظه کارانه تا تحول گرا می باشند، از ویژگی محوری برخوردارند که تکیه بر اصالت وجود اجتماعی و فرهنگی در برابر ویژگی ها و نیازهای فرد به عنوان مبنای تعیین آرمان ها، اهداف و برنامه های نظام تعلیم و تربیت در یک جامعه است. در مقابل، دیدگاه رشدگرا، اساس نظام هدف گذاری در تعلیم و تربیت را پرورش ویژگی های روانی و ذهنی فرد، پس از شناخت صحیح، عمیق و همه جانبه ی آنها، تعریف می کند. دیدگاه های رشد فرآیند های شناختی، اگزیزستانسیالیسم و استعلائی ( ترانسندنالیسم) نیز هر چند به طور متعارف در مقوله بندی مستقل از یکدیگر مورد بحث قرار می گیرند، در واقع قابل دسته بندی در رویکرد فرد گرایانه اند. با عنایت به رابطه تنگاتنگ و جدایی ناپذیر نظام تعلیم و تربیت با نظام اجتماعی-سیاسی در یک جامعه، انتخاب رویکرد فلسفی مناسب از منظر علمی و عقلی، در معرض تقابل با مصالح و منویات اجتماعی و سیاسی است. نقد و تحلیل رویکردهای مورد اشاره و پیشنهاد رویکردی مناسب به عنوان فلسفه تعلیم و تربیت (رسمی) موضوعی است که این مقاله به آن خواهد پرداخت.

**کلید واژه‌ها:** فرد گرایی، جامعه گرایی، تعلیم و تربیت رسمی، تربیت اجتماعی و سیاسی.

<sup>□</sup> - عضو هیئت علمی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم



## کاوش فلسفی در علوم اعصاب تربیتی

محمود تلخابی<sup>□</sup>

در سالهای اخیر تمایل به فهم ذهن و مغز توسط دانشمندان و فیلسوفان افزایش یافته است. در قلمرو علم، مطالعه مغز در کانون توجه پژوهشگران قرار گرفته و با افزایش آگاهی از عملکرد مغز، بسیاری از حوزههای عملی مانند تعلیم و تربیت به بررسی امکان کار بست آن یافتهها پرداختهاند. حاصل این گرایش در تعلیم و تربیت، پدید آیی رشتههای تحت عنوان «علوم اعصاب تربیتی» است که درصدد بهره برداری از پژوهشهای مغز در تعلیم و تربیت میباشد. مقالهی حاضر ابتدا با نگاهی گذرا به درون مغز و آنچه به نام افسانههای مغز نامیده شده است، پیامدهای آن را برای تعلیم و تربیت مورد بررسی قرار میدهد. سپس مفهوم یادگیری را از دیدگاه علوم اعصاب و تعلیم و تربیت مقایسه نموده و ناسازواری های این دو قلمرو را شناسایی میکند. در این بخش رابطه ذهن و بدن، اراده آزاد، جنبه توصیفی علم و امکان بینرشتهای تعلیم و تربیت از منظر فلسفهی تعلیم و تربیت بررسی میشود. در پایان، زمینهای سازواری و مصالحه بین حوزه علوم اعصاب و تعلیم و تربیت در قالب رشتههای با عنوان علوم اعصاب تربیتی مورد مذاقه قرار میگیرد. علیرغم این که تعلیم و تربیت را نمیتوان صرفاً با توجه به عملکرد مغز تبیین نمود، با این حال تعلیم و تربیت قلمرویی است که ناگزیر از اتخاذ رویکرد چندگانه است. در این رویکرد متخصصان تعلیم و تربیت آگاهیها و مهارتها را از رشتههای علمی متنوعی بدست آورده، آنها را ترکیب کرده و نظریههای قابل دفاعی تدوین مینمایند. بدین ترتیب علوم اعصاب به عنوان یکی از رویکردهای چندگانه، دادههایی به دست میدهد که با استفاده از آنها مربیان میتوانند جنبههای علمی دیدگاهشان را تقویت و اندیشههایشان را توجیه نماید.

**کلید واژهها:** علوم اعصاب، تعلیم و تربیت، مسئله ذهن و بدن، اراده آزاد، پژوهش بینرشتهای.

<sup>□</sup> - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران. عضو گروه آموزش و پرورش پژوهشکده علوم شناختی

## تأثیر فلسفه های قارهای و تحلیلی بر فلسفه تعلیم و تربیت

دکتر طیبه توسلی<sup>□</sup>

فلسفه های تحلیلی و قارهای دو نحله اساسی در محافل فلسفی مغرب زمین در دنیای معاصر است. فلسفه تحلیلی را ادامه فلسفه مدرن دانسته‌اند، در حالیکه فلسفه قارهای نوعی اعتراض به فلسفه مدرن و در تقابل با فلسفه تحلیلی به حساب می‌آید. فلسفه تحلیلی دارای گرایش علمی و شکاکانه است که با استفاده از مبانی منطق و ریاضیات و تحلیل‌های زبان شناختی به بررسی های فلسفی می‌پردازد. فلسفه قارهای در اصل به مباحث وجودی، اخلاقی، اجتماعی و بسیاری از موضوعات انسان شناختی اختصاص دارد. این شاخه از فلسفه مغرب زمین، به طور عمده، مربوط به اروپا یا کشورهای غیرانگلیسی زبان مانند فرانسه و آلمان است، در حالیکه فلسفه تحلیلی در کشورهای انگلیسی زبان مانند آمریکا، انگلستان، استرالیا، کانادا و نیوزیلند رشد یافته است. فلسفه تعلیم و تربیت مانند بسیاری از فلسفه‌های مضاف از فلسفه قارهای و فلسفه تحلیلی تأثیر پذیرفته است. مسلم است که تأثیر فلسفه قارهای بر فلسفه تعلیم و تربیت، در موضوعات اخلاقی، اجتماعی، سیاسی مورد ملاحظه قرار گرفته است، در حالیکه فلسفه تحلیلی بر ایضاح مفاهیم و اندیشه‌های تربیتی مؤثر بوده است. بررسی و مقایسه این تأثیرات، مهمترین هدفی است که مقاله حاضر بدان می‌پردازد. روش مطالعه در این تحقیق از نوع مطالعات نظری تطبیقی است که بررسی، تحلیل و استنتاج مباحث پایه‌های اصلی این روش به حساب می‌آیند.

**کلید واژه‌ها:** فلسفه قارهای، فلسفه تحلیلی، فلسفه تعلیم و تربیت.

<sup>□</sup> - استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه قم

## فلسفه تعلیم و تربیت، گادامر و روش پژوهش

دکتر مهین چناری<sup>□</sup>

پیشرفت های ناشی از به کارگیری روش در علوم تجربی موجب گرایش به روش های کمی و به کارگیری این روش ها در علوم انسانی گردید. اما توجه به ماهیت متفاوت علوم تجربی و علوم انسانی نقدهایی را بر این روند وارد و ضرورت واکاوی روش های متناسب با این حوزه را آشکار نمود. برای انجام پژوهش در فلسفه ی تعلیم و تربیت به منزله ی حوزه ای از علوم انسانی نیز به همین سیاق، نیازمند یافتن روش هایی هستیم که صبغه ی کیفی و فلسفی داشته باشند. به همین دلیل، مقاله ی حاضر پژوهش در فلسفه ی تعلیم و تربیت را بر اساس الگوی فهم در هرمنوتیک فلسفی گادامر مورد بررسی قرار داده و برای این امر مراحل را پیشنهاد می نماید که با گرایش به سوی موضوعی که ما را به سوی خود جلب می نماید، آغاز می گردد و با به کارگیری پیش داوری ها، مواجهه با متن و اجازه دادن به متن تا سخن بگوید، گسترش افق محقق از طریق مواجهه با متن، به پیش برده و در نهایت، به امتزاج افق ها و فهم منتهی می گردد.

**کلید واژه ها:** فلسفه ی تعلیم و تربیت، روش پژوهش، هرمنوتیک فلسفی، گادامر، امتزاج افق ها.

## گادامر، دیویی و تعلیم و تربیت

دکتر مهین چناری<sup>□</sup>

هرمنوتیک فلسفی گادامر، تلاشی در جهت توصیف چگونگی وقوع فرآیند فهم است. آشکار است نظریه ای که به توصیف و تبیین چگونگی فرآیند فهم می پردازد، عنصری ضروری در تعلیم و تربیت محسوب می گردد. به همین منظور، مقاله ی حاضر، ابتدا مبانی فلسفی دیدگاه گادامر را مطرح نموده و سپس بر اساس این مبانی به معرفی تعلیم و تربیتی هرمنوتیکی می پردازد. این مقاله در بخش بعدی، وجوه اشتراک (رد دست یابی به حقیقت مطلق، تجربه و کاربرد) و افتراق (نقش روش علمی) دیدگاه دیویی و گادامر را بررسی نموده و در نهایت، تعلیم و تربیت هرمنوتیکی را با تعلیم و تربیت پراگماتیستی مقایسه می نماید.

**کلید واژه ها:** هرمنوتیک فلسفی، گادامر، دیویی، پراگماتیسم، تعلیم و تربیت.

---

<sup>□</sup> - استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه قم

## تعیین جایگاه آموزش کودکان استثنایی در فلسفه تعلیم و تربیت ایران: مطالعه تطبیقی با کشور استرالیا

ژیلدا حسنلو<sup>□</sup>

پاسخگویی مدارس به نیازها، انتظارات و اهداف دانش آموزان و حمایت از آنها به خصوص دانش آموزان دارای نیازهای ویژه، از اهداف مهم فلسفه نظام آموزشی همه کشورها و از جمله ایران به شمار می رود. برنامه ریزی برای تعلیم و تربیت این گروه خاص از افراد، معیارهای مشخصی را می طلبد، که این معیارها در هر جامعه‌ای متناسب با مبانی ارزشی و فرهنگی حاکم بر فلسفه تعلیم و تربیت آن جامعه طرح ریزی شده است. هدف از این پژوهش، شناخت جایگاه آموزش کودکان استثنایی در نظام تعلیم و تربیت ایران است؛ بدین منظور، مطالعه، بررسی و پژوهش درباره‌ی نظام های تعلیم و تربیت، دیگر کشورهای دنیا نیز سودمند است. با مطالعه نظام های آموزش و پرورش استثنایی دیگر کشورها می توان از نکات مثبت و منفی آنها بهره گرفت، ویژگی های مثبت آن نظام ها را بومی سازی کرد و از آنها در تهیه و تدوین اهداف آموزش و پرورش کشور سود جست، که در این راستا کشور استرالیا به دلیل نظام پیشرفته آموزش و پرورش کودکان استثنایی جهت مطالعه انتخاب شده است. در پژوهش حاضر از روش تطبیقی با هدف بررسی و مقایسه اهداف آموزشی ذیل استفاده می شود: ۱. پرورش ارتباطات و مهارت های اجتماعی ۲. شکوفا کردن استعداد های دانش آموزان ۳. دستیابی به موفقیت های شخصی ۴. رشد خلاقیت ۵. قبول مسئولیت های فردی و اجتماعی ۶. پذیرش و احترام به تفاوت های فردی.

**کلید واژه ها:** کودکان استثنایی، تعلیم و تربیت، مطالعه تطبیقی، ایران، استرالیا.

<sup>□</sup> - دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی دانشگاه سیدنی استرالیا

## تبیین جایگاه روش هرمنوتیکی در پژوهش های تعلیم و تربیت

دکتر افضل السادات حسینی<sup>□</sup>نورالدین محمودی<sup>□</sup>

با تحولات مهمی که در تاریخ فلسفه ی علم در قرن بیستم رخ داد و با چیره شدن هرمنوتیک بر عرصه ی فلسفه ی علم، تحول اساسی در زمینه ی روش شناسی علوم انسانی و به مثابه ی آن تعلیم و تربیت صورت گرفت. شلایرماخر، ویلهلم دیلتای و مارتین هایدگر به عنوان نمایندگان جریان های مختلف در حوزه هرمنوتیک از اهمیت بیشتری برخوردار هستند. شلایر ماخر که او را بنیانگذار علم هرمنوتیک نوین دانسته اند، موقعیت فهم را به عنوان نسبتی دو طرفه مطرح می کند. ویلهلم دیلتای برای نخستین بار رویای تدوین یک روش بنیادی برای علوم انسانی را در سر می پروراند تا بر اساس آن نتایج علوم انسانی به اندازه علوم طبیعی عینی و معتبر باشد؛ به همین خاطر هرمنوتیک را دانش روش شناسی علوم انسانی می داند. هایدگر تفسیر را مستلزم پیش فرض می داند، یعنی هر تفسیری حتی علوم طبیعی را نیازمند پیش فرض می داند. هدف از این پژوهش تبیین جایگاه روش هرمنوتیک در پژوهش های تعلیم و تربیت از منظر سه جریان مختلف هرمنوتیکی می باشد. با توجه به ماهیت فلسفی پژوهش های تربیتی که ایجاب می کند از روش های کیفی در این حوزه استفاده شود و با توجه به خلاها در حوزه ی روش شناسی، این مقاله می تواند گامی آغازین در جهت دستیابی به روش های تحقیق کیفی باشد. در مقاله ی حاضر برای دست یابی به اهداف از روش «تحلیلی- استنباطی» استفاده می شود.

**کلید واژه ها:** روش هرمنوتیکی، شلایر ماخر، ویلهلم دیلتای، مارتین هایدگر، فلسفه تعلیم و تربیت.

<sup>□</sup> - هیئت علمی رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران

<sup>□</sup> - دانشجوی دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران

## تربیت زیبایی شناختی از دیدگاه اسلام

احمد حقی<sup>□</sup>

تربیت زیبایی شناختی، به معنای بروز و توسعه استعدادها و گرایشهای فطری جمال خواهانه و زیبایی گرایانه فرد، به عنوان رویکردی تربیتی که موجب پرورش ذائقه ی زیبایی خواهی و اندیشه ی زیبایی شناسانه ی فرد میگردد، چه در حوزه ی عمومی و چه در حوزه ی تخصصی؛ یعنی در تربیت هنرمندان تا کنون مورد غفلت مسئولین و دستاندرکاران نظام تربیتی واقع شده است. این غفلت و بی توجهی میتواند دلایل بسیاری داشته باشد. به نظر می رسد نداشتن ملاک ها و معیارهای متناسب با شرایط فرهنگی بومی، یعنی فرهنگ اسلامی ایرانی، در تربیت زیبایی شناختی از دلایلی است که موجب میشود مسئولین امر نتوانند یا نخواهند در این عرصه وارد شوند. بدین ترتیب تحقیق در مبانی اصول و اهداف تربیت زیبایی شناختی از دیدگاه اسلام و ایجاد زمینه ی مناسب برای توسعه این رویکرد تربیتی ضروری به نظر می رسد. برای بررسی تربیت زیبایی شناختی در اسلام، لازم است که ابتدا مبانی نظری اسلام را در خصوص تربیت زیبایی شناختی بررسی نمود. همچنین بررسی و استخراج اهداف تربیت زیبایی شناختی از منابع اسلامی، باید در گام دوم قرار گیرد. در نهایت می توان اصول تربیت زیبایی شناختی را بر اساس مبانی شناسایی شده و در جهت اهداف مورد نظر، از آن مبانی استخراج کرده و این سه عنصر اساسی - مبانی، اصول و اهداف - را به ترتیب در کنار یکدیگر قرار داده و تعریف نمود تا در نتیجه، بخشی از نظام تربیتی اسلام در حوزه ی تربیت زیبایی شناختی را نمایان سازد. مقاله حاضر، با همین هدف به بررسی مبانی، اهداف و اصول تربیت زیبایی شناختی در اسلام پرداخته است.

**کلید واژه ها:** تربیت، زیبایی شناختی، اسلام، اهداف، اصول.

<sup>□</sup> - کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت

## راهکارهای حل چالش‌های اخلاقی بر مبنای جامعه جهانی کانت

علی خالق خواه<sup>۱</sup>

انسان موجودی اجتماعی است و دارای تعاملات مختلف، چه در زمینه بومی و چه در زمینه‌های دیگر جهانی، در این تعاملات آنچه می‌تواند او را موفق دارد توجه به اخلاق و تکالیف خود در قبال خود و دیگران می‌باشد. اهمیت اخلاق در زندگی بشر موضوعی است که هیچ‌گاه انسان‌های اندیشمند و صاحب فکر در طول تاریخ نتوانسته‌اند بدون دغدغه و تعلق خاطر از کنار آن بگذرند. در این مقاله به دنبال حل چالش‌های اخلاقی بر مبنای جامعه جهانی از دیدگاه کانت خواهیم بود. سوال اصلی این است که آیا برنامه‌ی درسی مبتنی بر تربیت اخلاقی از دیدگاه کانت، ارتباطی با حکومت و جامعه جهانی دارد؟ از این رو به منظور پاسخ‌گویی به سوال مذکور، ضمن توضیح اخلاق، سیاست و حکومت، چگونگی جامعه جهانی در سایه‌ی این تربیت اخلاقی مطرح می‌شود و در نهایت با توجه به ایده‌ی جامعه جهانی و مراحلی که در رسیدن به جامعه جهانی و چگونگی تعامل جوامع در آن، که مبتنی بر بومی ماندن و زندگی در کنار سایر ملل با عنوان صلح پایدار، مورد نظر است، راه حل چالش‌های اخلاقی مورد بحث قرار می‌گیرد.

**کلید واژه‌ها:** تربیت اخلاقی، برنامه درسی، جامعه جهانی، حکومت و سیاست، صلح پایدار.

۱- دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه فردوسی مشهد.



## نگاهی به پیش نویس فلسفه جمهوری اسلامی ایران از دریچه تحولات جهانی آموزش و پرورش

احمد خدایی نصر<sup>□</sup>

امیر نوری زاده<sup>□</sup>

موضوع جهانی شدن سر فصلی است که به یک باره در سپهر ادبیات معاصر جهان پیدا شده است و اندیشه های بسیاری را معطوف به خود داشته است. بحث درباره ی جهانی شدن به سلی می ماند که همه حوزه های مربوط به انسان از جمله تعلیم و تربیت را در بر گرفته است. نظام آموزشی کشورهای صنعتی برای ورود به پدیده ای که بنا دارد جهان را به صورت یکپارچه و ذیل قوانین واحد تحت تسلط خود در آورد، اصلاحاتی را انجام داده اند که از آن می توان اصول حاکم بر تحولات جهانی آموزش و پرورش نام برد. از طرفی دین اسلام نیز آرمان جهانی شدن را ارائه و پیروان خود را برای تحقق این مدینه فاضله مکلف می سازد. حال با توجه به این که سند چشم انداز بیست ساله ی آموزش و پرورش ایران در حال تنظیم است و با علم به این جریان که ما نیز باید بستر لازم برای استقبال یا مواجهه با جهانی شدن و آثار مترتب از آن فراهم کنیم، بر آن شدیم تا ببینیم رد پای از این موضوع در پیش نویس فلسفه ی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران دیده می شود یا خیر؟ برای این کار، اصولی را که از رصد اصلاحات نظام آموزشی کشورهای پیشرفته به دست آمد، در رابطه با چارچوب های مد نظر اسلام مورد توجه قرار داده و چون اصالت و محوریت با اسلام است، در مواردی که این دو منافاتی با هم نداشتند ذیل تفکر اسلامی گنجانده و در باقی موارد از آن چشم پوشیدیم و پیش نویس را با این سنجها محک زدیم.

**کلید واژه ها:** فلسفه آموزش و پرورش، جمهوری اسلامی ایران، جهانی شدن (تحولات جهانی).

<sup>□</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران

<sup>□</sup> - کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران

## توسعه فناوری‌های نوین و نقش معلم از دیدگاه هایدگر

دکتر سعید خرم‌روی

مریم باقرنژاد

توسعه فناوری‌ها می‌تواند بسیاری از مسایل تعلیم و تربیت را که با شیوه‌های سنتی قابل رفع نیستند، حل نموده و به عنوان ابزار برابری فرصت‌ها و توانمندسازی انسان‌ها مورد استفاده قرار گیرد. با این حال، جایگاه معلم، یعنی اساسی‌ترین منبع انسانی در ساماندهی نظام آموزشی مبتنی بر توسعه فناوری‌های نوین هنوز روشن نیست. و از آنجا که در این زمینه، مکاتب فلسفی معاصر دیدگاه‌های مختلفی ارائه نموده‌اند و هر کدام نسبت به نقش معلم، نظرات خاص خود را دارند، در این مقاله، یکی از دیدگاه‌های مطرح یعنی دیدگاه هرمنوتیکی هایدگر را مورد بررسی قرار خواهیم داد تا پاسخی برای این سؤال‌ها فراهم آوریم: جایگاه معلم با توجه به توسعه فناوری‌های نوین چه تغییری کرده است؟ نظر هایدگر در مورد نقش معلم و توسعه فن‌آوری چیست؟ از این رو، در قسمت اول به ضرورت تبیین جایگاه معلم با توجه به توسعه فناوری‌های نوین خواهیم پرداخت و سپس دیدگاه هرمنوتیکی هایدگر را در مورد نقش معلم در تعلیم و تربیت و نقش فن‌آوری در تحولات دنیای کنونی مورد بررسی قرار خواهیم داد. در خاتمه، به توسعه فناوری‌های نوین و نقش معلم از دیدگاه هایدگر خواهیم پرداخت.

**کلید واژه‌ها:** معلم، فناوری‌های نوین، فلسفه تعلیم و تربیت، هایدگر.

## بررسی وظایف فلسفه تعلیم و تربیت در ارتباط با تربیت سیاسی در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات

محمد خضری اقدم<sup>۱</sup>

دکتر یحیی قائدی<sup>۲</sup>

ارائه الگویی صحیح، موفق و مناسب از تربیت سیاسی در هر جامعه ای مستلزم شناخت ویژگی ها و شرایط حاکم بر هر دوره است. در عصر حاضر که عصر اطلاعات و ارتباطات نامیده می شود تربیت سیاسی با چالش های جدی ناشی از ساختار شکنی در مفاهیم و مرزبندی های زمان و مکان مواجه می باشد، بطوریکه عدم اتخاذ موضع صحیح و مناسب در ارتباط با تربیت سیاسی در این عصر، تربیت سیاسی را از رسیدن به اهدافش باز خواهد داشت. لازمه اتخاذ چنین تصمیم و موضعی در ارتباط با تربیت سیاسی، شناخت مفاهیم تربیت سیاسی و عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات و ویژگی های این برهه از زمان خواهد بود. در مقاله حاضر، تلاش بر این است با روش توصیفی-تحلیلی وظایف فلسفه تعلیم و تربیت را در ارتباط با تربیت سیاسی در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات از دو تعریف موجود در باره فلسفه یعنی فلسفه چون فعالیت و فلسفه بعنوان محتوا و رشته استنتاج نماییم. در این بررسی با تلفیق این دو رویکرد از تعریف فلسفه، بصورت فعالیت فلسفی برای شناخت مفاهیم و رویکردهای تربیت سیاسی، عصر فناوری اطلاعات و چالش های تربیت سیاسی در این عصر، ارائه و نظام بندی الگویی مناسب با این عصر از تربیت سیاسی بصورت بیان اهداف تربیت سیاسی و در نتیجه، ارائه فلسفه ای از تربیت سیاسی که جوابگوی نیازهای این عصر باشد، سعی در بررسی و بیان وظایف فلسفه تعلیم و تربیت در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات در ارتباط با تربیت سیاسی شده است.

**کلید واژه ها:** تربیت سیاسی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، چالش، وظایف فلسفه تعلیم و تربیت.

<sup>۱</sup> - کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت معلم تهران

<sup>۲</sup> - عضو هیئت علمی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم تهران

## تبیین جایگاه رشته فلسفه تعلیم و تربیت در ایران

سمانه خلیلی<sup>□</sup>

رشته فلسفه تعلیم و تربیت که دارای دو بعد فلسفی و آموزشی است، با این هدف که به حل مشکلات آموزشی و ترسیم نظام مطلوب تربیتی بپردازد، ابداع شده است و انتظار می رود محققان و دانشجویانی که در این رشته به تحصیل می پردازند، ارتباطی نزدیک با آموزش و پرورش و مسائل آن داشته باشند. با این وجود رشته ی فلسفه ی تعلیم و تربیت قادر به کسب جایگاه واقعی خود در ایران نبوده است. در این پژوهش سعی شده است با مرور اهداف مورد نظر برخی دانشگاه های موفق از جمله استنفورد و از سوی دیگر اهدافی که یونسکو برای این رشته تعریف کرده است، اهداف مصوب رشته فلسفه تعلیم و تربیت در ایران مورد ارزیابی قرار گیرد. نتایج حاصل در این بخش نشان می دهد که اهداف تعریف شده در جامعه ی ما تأکید بر کسب مهارت های فردی دارد و به جنبه های علمی و کاربردی توجه کافی میدول نداشته است. این در حالی است که در موارد مورد مقایسه جنبه عملی و کاربردی فلسفه تعلیم و تربیت و ارتباط آن با نهادهای مختلف ملموس است. همچنین بررسی پاره ای از تحقیقاتی که به بررسی برنامه درسی رشته فلسفه تعلیم و تربیت در ایران پرداخته اند، حاکی از نیاز مبرم به بازنگری در مواردی همچون بومی کردن دانش فلسفه تعلیم و تربیت، پژوهش محور کردن دوره ها و برقراری ارتباط دانشجویان با نهادهای مختلف در طول تحصیل می باشد. بر این اساس نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد که شناساندن این رشته به جامعه، پژوهش محور کردن سبک های تدریس و یادگیری دانشجویان، بازنگری در سرفصل های درسی متناسب با نیازهای جامعه و آموزش و پرورش، وضوح بخشی به ارتباط بین فلسفه و تعلیم و تربیت و نقش فیلسوفان تعلیم و تربیت در جامعه، راه یافتن فارغ التحصیلان به مراکز مربوط به آموزش و پرورش، تبادل نظر بین مسئولین آموزش و پرورش و دانشجویان این رشته و در نهایت روند توسعه کیفی در وضوح بخشی به جایگاه آن در ایران و آموزش و پرورش راهگشا باشد.

**کلید واژه ها:** فلسفه تعلیم و تربیت، اهداف فلسفه تعلیم و تربیت، نظام آموزش و پرورش.

<sup>□</sup> - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران

## تبیین و تغییر مفهومی فلسفه فناوری های آموزشی در فضای جهانی شدن

دکتر صغری دزگاهی<sup>□</sup>سونیا خدا بخش کهرلایی<sup>□</sup>

در این مقاله تنها بخشی از مفهوم جهانی شدن مد نظر است که متضمن تبیین فلسفه ی آموزشی بر اساس تغییرات متناوب فناوری های آموزشی است. فلسفه آموزش باید به فضای عملی و تغییرات ایجاد شده نیز توجه داشته باشد. سوال اساسی این است که در شرایط جهانی شدن با خصیصه ی اصلی تغییر پذیری های فناورانه در همه ابعاد، تبیین فلسفه ی آموزشی نظام های آموزشی چگونه باید صورت پذیرد که ضمن هماهنگی با موقعیت های قومی و ملی، امکان تطابق با نظام های فراملی را نیز فراهم سازد. درباره ی جهانی شدن دو رویکرد اساسی مطرح است که اولی جهانی شدن را مقوله ای اقتصادی و دومی آن را امری اقتصادی-سیاسی می داند و در هر دو رویکرد، جهانی شدن به منزله گسترش مولفه های مدرنیته در سطح جهان تلقی می شود. با بررسی جهانی شدن در حوزه های اقتصاد و آموزش عمومی به این نتیجه می رسیم که درهم تنیده شدن این دو حوزه نیازمند تغییر نگرشی مبتنی بر رشد خصیصه "انعطاف پذیری" است. در بعد کلان، شیوه های جذب و تطابق با این فناوری ها مستلزم تغییراتی در مبانی کلی فلسفی است و در بعد خرد نیز انعطاف پذیری، زمینه ساز بهبود مناسبات بین فردی، تعدیل قدرت و پرورش مناسبات سیالی است که زمینه ساز رشد تفکر انتقادی است. نتیجه ی نهایی این است که رشد ویژگی انعطاف پذیری در حالتی که خود تنظیمی مبنای رشد فردی، است یکی از اساسی ترین ویژگی های تربیت در عصر جهانی شدن است.

**کلید واژه ها:** فلسفه فناوری آموزشی، انعطاف پذیری، خود تنظیمی، جهانی شدن.

<sup>□</sup> - عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا

<sup>□</sup> - مدرس دانشگاه آزاد

## شناخت و تبیین اهداف تربیتی منبعث از حیات طیبه از منظر قرآن کریم و آرمانشهر لیبرالیسم

فرخنده دیسناد<sup>□</sup>دکتر محسن ایمانی نائینی<sup>□</sup>

هر یک از مکاتب و ایدئولوژیها آرمانهایی را به عنوان هدف تربیت زندگی انسانها و جوامع خود به تصویر کشیده‌اند. از جمله این مکاتب اسلام و لیبرالیسم است. لیبرالیسم که پدیده‌های متعلق به جهان نو بوده است و در خلال قرنهای پانزدهم و شانزدهم در اروپای غربی پدید آمد، یک مکتب فکری و ایدئولوژی سیاسی است که نگرش خاصی به زندگی انسان دارد و بر ارزشهایی همچون آزادی، برابری، قانونگرایی، عقلگرایی، رفاه مادی، تساهل و تسامح تأکید میکند. از طرف دیگر، در مکتب اسلام، حیات طیبه هدف غایی انسان و زندگی آرمانی آن است و از نظر قرآن، کیفیت زندگی خوب یعنی تأمین گزینه‌هایی که جامعه را به حیات طیبه برساند. هدف این مقاله، بررسی و تبیین اهداف تربیتی مبتنی بر حیات طیبه و آرمانشهر لیبرالیسم بوده است. در راستای این هدف، ابتدا از اهداف تربیتی برگرفته از حیات طیبه، سخن به میان آمده و سپس به هدفهای برخاسته از آرمانشهر لیبرالیسم و بررسی مقایسه‌های آن دو اشاره شده است.

**کلید واژه‌ها:** حیات طیبه، لیبرالیسم، آرمانشهر، هدف، تربیت.

<sup>□</sup> - کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

<sup>□</sup> - عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس تهران

## تدوین فلسفه تعلیم و تربیت مبتنی بر آرا و تالیفات خواجه نصیرالدین طوسی

حبیب اله رحیم‌پور ازغدی<sup>□</sup>

از چالش‌های نظری فراروی رشته ی فلسفه تعلیم و تربیت در ایران، پرسش از پیشینه ی وجود این رشته در ذخایر معرفتی تمدن دینی و ملی ایرانیان است. فرضیه مدنظر تحقیق این است که این قابلیت وجود دارد که با مراجعه به ذخایر فلسفی و حکمی متفکران ایرانی و کاربرد "رویکرد کشف دلالت" به تقریری از فلسفه تعلیم و تربیت به معنای متاخر این رشته ی علمی نایل شد. لذا، تحقیق مذکور با اهداف "تعریف رویکرد کشف دلالت" و "تدوین فلسفه تعلیم و تربیت مبتنی بر این روش" شکل گرفته است. گروه محقق با عنایت به جایگاه غیرقابل انکار خواجه نصیرالدین طوسی در انتقال، پالایش و پیرایش ذخایر حکمی و فلسفی در ایران قرن هفتم و نیز عدم کفایت و جامعیت تحقیقات صورت گرفته در این رابطه، تحقیق را منحصر بر آرا و تالیفات این متفکر بنا گزارده است. در این مقاله، آثار خواجه نصیر به منزله مفروضات معتبر و اصول موضوعه تحقیق لحاظ گردیده و محققان فارغ از سنجش اعتبار این نظریات در صدد بوده اند تا پاسخ پرسش های عمده و موضوعات اصلی تعلیم و تربیت را با تاکید بر رویکرد دلالت التزامی کشف نمایند. لذا با مراجعه به آثار قابل وصول و استناد به ماخذ مر تبط و کاربرد "روش های توصیفی و تحلیلی" به بتیین و تفسیر مقولات معرفت شناختی (چون تعریف، ملاک اعتبار و انواع معرفت)؛ وجود شناختی (چون اثبات ذات، جبر و اختیار)؛ انسان شناختی (چون ماهیت، انواع، قوا و کمالات و نقایص نفس انسان) و ارزش شناختی (چون ملاک کمی و کیفی تعریف فضیلت و رذیلت) در آثار خواجه نصیر پرداخته و با اتکا به دیدگاه های فلسفی و معرفتی خواجه نصیر، غایت (نیل به مرتبه انسان خلیفه الله)، اهداف (چون پرورش عقل و رشد معرفت عقلانی)، مبانی (چون تربیت پذیری نفس انسان)، اصول (چون عنایت به تفاوت های فردی) و روش های تعلیم و تربیت (چون روش نظارت بر انس و الفت نفس، روش تکوین ملکات نفسانی) را استنباط نموده اند.

**کلید واژه ها:** خواجه نصیرالدین طوسی، فلسفه تعلیم و تربیت، هدف، اصول، روش ها.

<sup>□</sup> - دانشجوی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه تهران

## تبیین مبانی فلسفی و اجتماعی پساتجددگرایی با تأکید بر برنامه درسی بین رشته‌ای

دکتر علی رحیمی<sup>□</sup>عبدالعباس محمدی<sup>□</sup>

از آنجا که برنامه درسی را می‌توان به عنوان قلب نظام تعلیم و تربیت و ابزاری جهت تحقق اهداف تعلیم تربیت دانست که در سال ۱۹۱۸ به وسیله فرانکلین بوبیت با انتشار کتاب «برنامه درسی» به عنوان یکی از حوزه‌های نظام آموزشی هویت یافت. با توجه به نظرها و دیدگاهها مختلفی که در زمینه برنامه درسی مطرح شده است؛ در چند دهه اخیر، دیدگاه فلسفی و اجتماعی نوینی در آثار متفکران پساتجددگرایانه تربیتی همچون لیوتار، فوکو، ژيرو، و رورتی مطرح شده است که می‌توان از آن به پساتجددگرایی آموزشی یاد کرد، این دیدگاه ضمن به وجود آوردن نگرشهای جدیدی در عرصه تعلیم و تربیت، جهانی شدن یا سیاره ای شدن تربیتی همچون سایر مکاتب تربیتی به نظریات متفاوتی در مورد غایات برنامه آموزشی و درسی پرداخته است که به عنوان برنامه درسی پنهان و بین رشته‌ای مطرح می‌باشد. مقاله حاضر در صدد است با روش تحقیق توصیفی، ضمن بیان هویت پساتجددگرایانه، به جایگاه این فلسفه در برنامه درسی، نقش معلم، دانش آموز و تکنولوژی آموزشی در تحقق غایات تربیت خواهد پرداخت.

**کلید واژه‌ها:** پساتجددگرایی، برنامه درسی، بین رشته‌ای، غایات تربیت، برنامه درسی پنهان.

<sup>□</sup> - استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه کاشان  
<sup>□</sup> - عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور مرکز دهلران



## صورت بندی کارکردهای فلسفه تعلیم و تربیت در بعد نظری، هنجاری و نقادی آموزشی

دکتر علی رحیمی<sup>□</sup>  
حیدر قادری<sup>□</sup>

هدف از این مقاله تبیین صورت بندی کارکردهای فلسفه تعلیم و تربیت در بعد نظری، هنجاری و نقادی آموزشی است که با روش تحقیق کیفی انجام شده است. یافته ها نشان می دهد که روش فلسفی برای برخورد با طیف وسیعی از ابعاد، عوامل و شرایط مؤثر بر یک مسئله تربیتی، بر سه بعد کارکردی متمرکز می باشد. در کارکرد نخست، فلسفه تعلیم و تربیت به صورت نظری می کوشد تا کل نگر باشد و با آرایش دادن به واقعیت های برگرفته از علم، تاریخ، جغرافیا و حوزه های دیگر سعی دارد تا به یک دید کلی درباره ی مدار حوزه های علوم انسانی و اجتماعی دست یابد. همچنین درصدد است تا مبانی تئوریک آموزه های تربیتی علوم انسانی - تاریخی را تبیین و تفسیر نماید. در کارکرد دوم، فلسفه تعلیم و تربیت به صورت هنجاری، علاوه بر فراهم سازی نظریه ی جهانی آموزشی درباره ی نحوه اجرای برنامه های تربیتی جهت هدایت پویندگان عرصه تعلیم و تربیت، تنظیم هدف ها، هنجارها و معیارها را که وسیله ای برای اجرای فرآیند تربیتی هستند نیز متقبل می شود. سرانجام، در کارکرد سوم، فلسفه تعلیم و تربیت به صورت نقادی، واژه ها و گزاره هایی را که در تفکر و عمل تربیتی به کار می روند، از حیث موضوع، محمول و رابطه آنها مورد بررسی دقیق قرار می دهد. مربی می خواهد نه فقط از محتوای برنامه ی مدارس، بلکه از اعتبار صوری نظرات، هنجارها، معیارهای نقادی و انعطاف پذیری غایات برنامه ها نیز هم مطمئن شود.

**کلید واژه ها:** فلسفه تربیتی، کارکرد، نظری، هنجاری، نقادی، علوم انسانی و تاریخی.

<sup>□</sup> - استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه کاشان

<sup>□</sup> - کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی

## صورت بندی فلسفه تعلیم و تربیت بر اساس دیدگاه فلسفی ابن سینا

محمد جواد رشیدپور<sup>□</sup>

ابن سینا از جمله فیلسوفان بنام مسلمان است که در باب تعلیم و تربیت به بحث و اظهار نظر جدی اقدام نموده است. از آنجا که تعداد قابل توجهی از نظرات ایشان در دسترس است، می توان با تدبیر در آن به دلالت هایی جهت استفاده دست اندرکاران تعلیم و تربیت دست یافت و در شکل دادن فلسفه ای بومی برای آموزش و پرورش از آن یاری جست. لذا، در این مقاله، نخست، به تبیین دیدگاه های فلسفی ابن سینا (هستی شناسی، خداشناسی، انسان شناسی، ارزش شناسی، معرفت شناسی) اشاره می شود؛ در ادامه نیز، نظریات تربیتی ایشان مورد بحث قرار می گیرد، که در این راستا، در اهداف، مبانی، اصول و روش های تربیتی و تعلیمی ابن سینا کاوش نموده ایم. مفهوم تربیت، تربیت کودک و مراحل تربیت مورد توجه بوده است. در مبانی (دینی- فلسفی، اجتماعی و روان شناختی) دقت شده است. اصول (آمادگی برای تحصیل، تأثیر محیط، رعایت تفاوت های فردی، خودشناسی،...) نیز برآمده از مبانی مذکور هستند. روش ها (آموزش گروهی، ارائه الگو، تقلید و مشاهده، تشویق و تنبیه، تقویت جانشینی، مباحثه و...) نیز روش هایی اند که از اصول مد نظر بوعلی استنباط می گردد. امید است برآیند این توجهات، ما را در رسیدن به تعلیم و تربیتی صحیح یاری نماید. قابل ذکر است که روش پژوهش، تحلیل اسنادی بوده و در آن به تحلیل منابع مربوط پرداخته شده است.

**کلید واژه ها:** ابن سینا، تعلیم و تربیت، فلسفه تعلیم و تربیت، فلسفه مشاء.

<sup>□</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه تهران

## مطالعات فرهنگی و آموزش و پرورش

نجمه رضا نژاد جولایی<sup>□</sup>

مطالعات فرهنگی با پنداری میان رشته ای از نظریه اجتماعی، اقتصاد، سیاست، تاریخ، ارتباطات، نظریه فرهنگی و ادبی، فلسفه و دیگر گفتمان های نظری کمک می گیرد و به تحلیل انتقادی اشکال و فرآیندهای فرهنگی در جوامع معاصر می پردازد. هدف این مقاله بررسی اهمیت مطالعات فرهنگی به عنوان یک پروژه بررسی فرهنگ با رهیافت انتقادی در حوزه ی آموزش و پرورش، با تاکید بر دیدگاه های یورگن هابرماس و هنری ژبرو است. در همین راستا بر لزوم توجه به مطالعات فرهنگی، در بازسازی تعلیم و تربیت معاصر و همچنین نیاز به درک جدیدی از فرهنگ و سیاست های فرهنگی و آموزشی که فراتر از شیوه های متعارف باشد، می پردازد. بدین معنا که در فضای عمومی و متکثری چون مدرسه، دانش آموزان نیاز دارند تا بر اساس تفاوت هایشان به آنها احترام گذاشته و با شخصیت مجزایی از دیگران شناخته شوند و به طور کلی انعکاس مثبتی در برنامه های آموزشی و تربیتی داشته باشند. از این رو، نقش نهاد تعلیم و تربیت، به دلیل وابسته بودن به فرهنگ جامعه و نقش آن در فرهنگ سازی و رفتار سازی برای جامعه، بیش از سایر نهادهای اجتماعی در زمینه ارج نهادن به تفاوت ها و لحاظ نمودن فرهنگ به عنوان بخشی از فرآیند خود سازمان دهی و همچنین حفظ و گسترش ویژگی های بومی و ارزشی خود، برجسته می گردد. از آنجایی که سنت مطالعات فرهنگی، اتخاذ روش شناسی صوری یکسان را بر نمی تابد و از روش های مرسوم در طیف وسیعی از دیگر سنت های پژوهشی همچون جامعه شناسی، نشانه شناسی، نقد ادبی، تاریخ، فلسفه، روانکاوی و انسان شناسی بهره می گیرد، کاربرد روش نقد را که بین پژوهش و نظریه پردازی سنت تحقیقات فرهنگی مشترک است، برای برانگیختن تامل انتقادی در راه روند غالب عمل و پژوهش تربیتی بر می گزیند.

**کلید واژه ها:** نظریه انتقادی، مطالعات فرهنگی، ایدئولوژی، سلطه، کنش ارتباطی، تعلیم و تربیت.

<sup>□</sup> - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران

## جایگاه معلم در هزاره سوم و نقش فلسفه تعلیم و تربیت در تبیین آن

دکتر منیره رضایی<sup>□</sup>

فناوری اطلاعات و ارتباطات، پدیده ای چنان عظیم و تأثیرگذار بوده که عصر و دوران کنونی را به نام خود رقم زده است. در واقع، این پدیده به شکلی سیل آسا حوزه های مختلف حیات بشری و اجزا و عناصر تلاش های انسانی را متأثر ساخته است. نفوذ این پدیده به گونه ای است که هیچ حوزه نظری و هیچ قلمروی عملی از آن به دور نمانده و این اثرگذاری مضاعف، بی وقفه و روز افزون می باشد. باید توجه داشت که پیش از رخداد این پدیده، برغم همه تحولات و تغییراتی که طی دهه های اخیر در نظام های آموزشی به وجود آمده است، نقش و جایگاه معلم به عنوان یکی از ارکان اصلی نظام آموزشی دچار تغییر اساسی نگردیده بود. مقصود این است که برخلاف تغییر نوع کارکرد معلمان به تبع تغییر نوع دیدگاه ها در خصوص آموزش و پرورش، معلم همچنان محور اصلی تعلیم و تربیت به شمار آمده است. لیکن امروز با ورود پدیده فناوری اطلاعات و ارتباطات و به طور ویژه آموزش مجازی، در خصوص نقش و جایگاه معلم چالش ها و دغدغه هایی به وجود آمده است که قابل تأمل و بررسی می باشد. بیم آن می رود که در این عصر نقش معلم، کم رنگ و حاشیه ای تلقی شده و در نگاهی افراطی قابل حذف به نظر برسد. اینک نقش فلسفه تعلیم و تربیت به عنوان زمینه ای برای برانگیختن اندیشیدن، گشودن افق های نو و وارهانیدن آدمی از پیشداوری ها و تنگناها، و زمینه ای که فرآیندهای تعلیم و تربیت را هدایت می کند؛ آن است که این وضعیت بغرنج را روشن سازد. در این برهه ی زمانی، اتکا به فلسفه تعلیم و تربیت به منظور بررسی و تبیین نقش و جایگاه معلم در هزاره سوم و در دوران سلطه و حاکمیت بلامنازع فناوری های نوین، با هدف پیش بینی اقتضانات، لوازم و اقداماتی که باید پیش بینی و تدارک شود؛ ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

**کلید واژه ها:** جایگاه معلم، فناوری اطلاعات و ارتباطات، نقش فلسفه تعلیم و تربیت.

<sup>□</sup> - عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش

## پساساختارگرایی، تعلیم و تربیت و اهداف آن

دکتر عبدالحمید رضوی<sup>□</sup>

بیش از یک دهه است که تفکر پاساختارگرایی آموزه های تربیتی را تحت تأثیر قرار داده است. پاساختارگرایی یکی از نظریه های اصلی پست مدرنیسم است. تکثرگرایی، چندگانگی، ساختار شکنی و توجه به زبان را شاید بتوان از مفاهیم اساسی معرفت شناسی پاساختارگرایی دانست. هدف اصلی این مقاله آن است که روشن کند پاساختارگرایی چیست؟ تعلیم و تربیت مبتنی بر آن چگونه تعریف می شود و اهداف آن چیست؟ پاساختارگرایی بیشتر یک روش بررسی است تا فلسفه ای خاص. این شیوه اندیشیدن در حوزه علوم انسانی، عقل و علم را یگانه روش کسب معرفت و حقیقت نمی داند. به نظر اینان، ساختارهای معرفتی هر زمان از نو پدیدار می شوند و حقیقت، ایجاد شدنی است تا کشف شدنی و مفاهیمی چون قطعیت، یقین، بنیان های اساسی و سیر خطی و ساختارهای درختی قابل نقدهای فراوان است. اهمیت تعلیم و تربیت در این دیدگاه، از آن جهت است که با تغییرات اجتماعی رابطه دارد. اینان هدف تعلیم و تربیت را در روابط افقی می جویند و آن را جایگزین روابط ساختمند، عمودی و سلسله مراتبی می کنند. بر این اساس، تعلیم و تربیت یعنی دیالکتیک با یادگیرنده و پرسشگری از مفروضات پذیرفته شده و ساختار شکنی قدرت. اهداف تربیتی ساختارگرایی را می توان در تربیت اخلاقی تعامل گرا، ارتقای سواد فرهنگی، توسعه تفکر انتقادی، شکستن فاصله ی بین دوگانگی ها، تقویت تمایل به تکثرگرایی و دستیابی به دموکراسی رادیکال بیان نمود.

**کلید واژه ها:** پاساختارگرایی، معرفت شناسی، تعلیم و تربیت، اهداف تربیتی.

<sup>□</sup> - عضو هیات علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش

## بررسی و مقایسه روش تدریس در برنامه ی درسی فلسفه ایران با روش تدریس در برنامه درسی فلسفه برای کودکان

معصومه رمضانی<sup>□</sup>

هدف از آموزش فلسفه، آموزش تفکر و اندیشیدن به منظور درست زیستن و برخورداری از قدرت اندیشه و قضاوت صحیح و از سویی آموزش مهارت های مورد نیاز هر فرد برای زندگی در جامعه ای در حال رشد و پیشرفت می باشد. در این راستا، نوشتار حاضر با هدف بررسی و مقایسه روش تدریس در برنامه ی درسی فلسفه ایران و برنامه ی درسی فلسفه برای کودکان شکل گرفت. روش مورد استفاده در این نوشتار، روش توصیفی- تحلیلی است که به مقایسه روش تدریس در دو برنامه ی درسی فلسفه ایران و برنامه ی درسی فلسفه برای کودکان با استناد به مراحل روش تحقیق مقایسه ای بردی می پردازد. منابع مورد استفاده در این پژوهش، اسناد و مدارک در ارتباط با روش تدریس در دو برنامه درسی مذکور می باشد. به منظور مقایسه این روش ها از مراحل روش تحقیق تطبیقی بردی که شامل چهار مرحله ی توصیف، تفسیر، همجواری و مقایسه می باشد، استفاده شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که امکان استفاده از روش اجتماع پژوهشی در برنامه ی درسی فلسفه ایران وجود دارد و استفاده از این روش می تواند در بهبود کیفیت یادگیری درس فلسفه در دانش آموزان دوره دبیرستان موثر باشد. در این راستا لازم است تغییراتی در برنامه آموزش معلمان صورت گیرد.

**کلید واژه ها:** آموزش فلسفه، روش تدریس، روش اجتماع پژوهشی.

<sup>□</sup> - کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

## تبیین مبانی فلسفی، رویکردها، نظریه‌ها و شیوه‌های تربیت هنری در نظام‌های آموزشی

دکتر اکبر رهنما<sup>۱</sup>  
سید صاحب موسوی<sup>۲</sup>

در پژوهش حاضر به تبیین مبانی فلسفی، رویکردها، نظریه‌ها و شیوه‌های تربیت هنری در نظام‌های آموزشی پرداخته شده است. روش انجام پژوهش توصیفی و از نوع تحلیل اسنادی بوده به علاوه جهت گردآوری داده‌های لازم جهت پاسخ‌دهی به سوال‌های پژوهش کلیه منابع و مراجع مرتبط با استفاده از فرم گردآوری داده‌ها تحلیل و یافته‌ها به شیوه کیفی تحلیل شده است. صاحب نظران با توجه به دیدگاه فکری خود نسبت به غایات تربیت هنری، چهار رویکرد عمده را مطرح نموده اند: تولید هنری، فهم عمیق معانی یا دریافت احساس و معنا، تیزبینی و مشاهده آثار هنری، و مساله محوری یا موضوع مداری. با بررسی شیوه‌های تربیت هنری در برخی نظام‌های آموزشی از جمله؛ آمریکا، انگلستان، ایتالیا، ژاپن، آلمان و استرالیا، وجوه افتراق و اشتراک بین آنها نشان داد در نظام آموزشی آمریکا برای تربیت هنری، ۱۰۰ دقیقه برنامه‌ی درسی توصیه شده است. هم‌چنین در انگلستان بر اهمیت هنر بر شخصیت، تاکید شده است. به علاوه در نظام آموزشی ایتالیا، آموزش هنرهای تجسمی و هنرهای نمایشی در سه دوره‌ی پیش دبستانی، دبستان و متوسطه، اجباری است. ژاپن در زمینه تربیت هنری، برنامه درسی مدون و نظام یافته‌ای را در تمامی مدارس کشور نموده است.

**کلید واژه‌ها:** مطالعه تطبیقی، مبانی فلسفی، رویکردها، نظریه‌ها، شیوه‌ها، تربیت هنری، نظام آموزشی.

<sup>۱</sup> - استادیار علوم تربیتی دانشگاه شاهد تهران

<sup>۲</sup> - کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شاهد تهران

## نقادی رویکرد استنتاج در فلسفه تعلیم و تربیت

دکتر اکبر رهنما<sup>۱</sup>

یکی از رویکردهای سنتی و متداول در فلسفه تعلیم و تربیت که تا امروز نیز مطرح می باشد رویکرد استنتاج می باشد که در آن فرض بر آن است که فلسفه های تربیتی و با هویت کامل، مانند ایده آلیسم، رئالیسم و پراگماتیسم از پیش موجود است و می توان آموزه های تربیتی آنها را استخراج و استنباط کرد. این رویکرد علیرغم نفوذ و گستردگی زیاد آن مورد انتقاد های زیادی نیز بوده است. از جمله این انتقادات آن است که برداشت واحدی از فلسفه های مختلف مانند ایدآلیسم و رئالیسم وجود ندارد و همچنین، ارایه سیستم بسته ای از اندیشه که در آن با توجه به دیدگاه های متفاوت صاحب نظران هر یک از مکاتب، نظرگاه واحدی در خصوص مسایل مختلف تعلیم تربیت ارایه کرد تا حدی دور از واقعیت می باشد. از طرف دیگر، امروزه با نفوذ دیدگاه های تحلیلی در فلسفه تعلیم و تربیت، میدان برای سنت استنتاجی به میزان قابل ملاحظه ای تنگ گردیده است. ازین رو، در این مقاله ضمن اشاره به سابقه ی سنت استنتاجی در فلسفه تعلیم و تربیت و نقاط قوت آن به محدودیتها و نقاط ضعف نیز اشاره شده و سعی گردیده است این رویکرد از منظر رویکردهای نوین در فلسفه تعلیم و تربیت مورد بررسی و نقادی قرار گیرد.

**کلید واژه ها:** استنتاج، دیدگاه تحلیلی، ایدآلیسم، رئالیسم، فلسفه تعلیم و تربیت.



## بررسی و نقد تطبیقی چیستی عشق از دیدگاه سارتر و مارسل و پیامدهای تربیتی آن

افسانه زارعی<sup>□</sup>

پروین بازقندی<sup>□</sup>

هدف پژوهش حاضر، بررسی و نقد تطبیقی چیستی عشق از دیدگاه سارتر و مارسل و روشنگری پیامدهای هر دیدگاه در تربیت است. روش پژوهش تحلیل تطبیقی از رویکردهای پژوهش کیفی است. به باور هر دو، هستی آدمی پیش از ذات او قرار دارد و آدمی در زندگانی ذات خود را می‌سازد. چیستی و چگونگی مفهوم‌هایی چون کینه، عشق و کمال نیز همه ساخته‌ی آدمی است. سارتر، ارتباط آدمی با دیگران را از چشم انداز ستیزه می‌نگرد (ستیزه‌ای برای از آن خود کردن و گرفتن آزادی دیگری). او تجربه‌ی آدمی از عشق را در سه الگوی بی تفاوتی، دیگرآزاری و خودآزاری تفسیر کرده و تجربه عاشقانه را رهایی بخش نمی‌داند. در مقابل مارسل با رویارو نهادن میل و عشق، بنیاد میل را در خودخواهی و بنیاد عشق را بر گذشتن از خود و حتی دیگری می‌داند. او عشق را از گونه‌ی راز دانسته و پرستش را نمودی از آن بر می‌شمرد و نتیجه می‌گیرد رابطه عاشقانه راه رهایی از خودمندی و خودخواهی و تجربه آزادی و معنای هستی است. بر بنیاد یافته‌های پژوهش، پیامدهای تربیتی دیدگاه سارتر درباره عشق، چون آگاهی بخشی به فراگیران درباره ماهیت ستیزه جویانه ارتباط عاشقانه و چگونگی‌های چنین ارتباطی و نیز بیهودگی و چه بسا فریبندگی ناروای محبت و رابطه عاشقانه حتی در رابطه معلم و فراگیر با پیامدهای تربیتی دیدگاه مارسل چون آگاهی فراگیران درباره تفاوت میل با عشق و وابستگی عشق به وفاداری، امید، ایمان، آزادی و معنویت و لزوم بنیادگذاری فرآیند تربیت بر عشق مقایسه شده است. در با هم نگرانی نیز با برشمردن استدلال‌های لازم دیدگاه مارسل برگزیده شده است و برخی تلویح‌های کاربردی آن نیز به سیاست‌گزاران و متخصصین تربیت پیشنهاد شده است.

**کلید واژه‌ها:** مارسل، سارتر، عشق، تربیت، فلسفه هستی.

<sup>□</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت معلم

<sup>□</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت معلم

## تبیین چرایی و چگونگی تربیت هنری بر اساس سه دیدگاه هنرکلاسیک، مدرن و پست مدرن

دکتر فاطمه زیبا کلام<sup>□</sup>

مجتبی پورکریمی<sup>□</sup>

در این مقاله سعی بر آن است تا نشان داده شود تربیت هنری برای آنکه بتواند در امر تعلیم و تربیت، جایگاهی را به خود اختصاص دهد، ناگزیر باید دارای مبانی، اصول و روش‌هایی باشد تا بتواند بر اساس آنها به عنوان یک ماده‌ی درسی در تعلیم و تربیت، جایگاه مستحکمی بیابد و در نتیجه هویت خود را عینیت بخشد. با توجه به حاکم بودن سه جریان کلاسیک، مدرن و پست مدرن که سه گرایش اصلی در عرصه هنر اند و در واقع تبیین‌کننده جهان بینی هنرمند می‌باشند، در مقاله حاضر کوشش شده است که هنر در پرتو این سه جریان مورد بررسی قرار گیرد و در نهایت تربیت هنری که اقتضای این سه گرایش است، استنتاج شده است.

**کلید واژه‌ها:** تربیت هنری، کلاسیک، مدرن، پست مدرن، تعلیم و تربیت.

<sup>□</sup> - عضو هیئت علمی فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران.

<sup>□</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت.

## مبانی فلسفی فرامتن به‌عنوان پارادایم جدید و تبیین دلالت‌های آن در فرایند تعلیم و تربیت

دکتر سید مهدی سجادی<sup>۱</sup>

محمد ترمس<sup>۲</sup>

با ظهور تکنولوژی‌های رایانه‌ای و پیشرفت‌های که در عرصه اینترنت به وجود آمده، بسیاری از عرصه‌های زندگی ما از جمله تعلیم و تربیت به چالش کشیده است. فرامتن (ابر متن) (hyper-text) با کارکردهای چندگانه خود در واقع تاثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و اینترنت بر زندگی ما را دو چندان نمایان ساخته است. دیدگاه‌های مختلفی نسبت به فرامتن وجود دارد که هر یک، پیامدها و عملکردهای خاص خود را نیز در پی دارد. به نظر می‌رسد که بین فرامتن و نظریه پست مدرنیسم، پساساختارگرایی و نظریه انتقادی، رابطه‌ی تعاملی وجود دارد. نظریه انتقادی و به خصوص پست مدرنیسم مورد نظر دریدا/ بارت، پشتیبانی‌های نظری و کاربردی مناسبی را برای فرامتن به عمل می‌آورند. به طور کلی، فرامتن، قابلیت لازم برای ساختار شکنی تفکرات و اندیشه‌های پذیرفته شده در عرصه آموزشی و یادگیری را داراست. ما در این مقاله، به طور مختصر می‌خواهیم رابطه فرامتن به عنوان یک پارادایم جدید را با پیشرفت‌های فناورانه و همچنین با نظریه‌های فلسفی همچون پست مدرنیسم و نظریه انتقادی مورد بررسی قرار دهیم و سپس دلالت‌های آن در عرصه تعلیم و تربیت را تبیین و تحلیل نماییم.

**کلید واژه‌ها:** فرامتن، تعلیم و تربیت، پارادایم، نظریه انتقادی، پساساختارگرایی، ساختار شکنی.

<sup>۱</sup> - دانشیار گروه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت مدرس

<sup>۲</sup> - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت مدرس

## طراحی برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان در پایه اول ابتدایی

نرگس سجادیان جاغرق<sup>□</sup>

معصومه امیری<sup>□</sup>

پژوهش حاضر با هدف طراحی برنامه ی درسی آموزش فلسفه به کودکان در پایه اول ابتدایی در ایران صورت گرفته است. اهداف کلی برنامه ی درسی در این پژوهش بر اساس مطالعه ی مبانی نظری تدوین گردید. سپس با توجه به اهداف، رئوس محتوای برنامه درسی، راهبردهای یاددهی- یادگیری و رویکردهای آموزشی برنامه درسی فلسفه برای کودکان (P4C) مشخص گردید. روش پژوهش دارای ابعاد نظری و توصیفی-پیمایشی است. برای این منظور، در بعد نظری با استفاده از منابع و متون تخصصی در حوزه ی برنامه درسی فلسفه برای کودکان، اهدافی برای آن استخراج گردید. برنامه ی به دست آمده با استفاده از نظر متخصصان برنامه ی درسی و آموزش فلسفه به کودکان اعتبار سنجی گردید. برای این کار، پرسشنامه های فراهم و در اختیار ۲۰ نفر از متخصصان برنامه درسی و آموزش فلسفه به کودکان قرار گرفت. یافته های تحقیق نشان داد که اکثر متخصصان، اهداف پیشنهادی، رئوس محتوا، راهبردهای یاددهی- یادگیری و رویکردهای این پژوهش را به نسبت، مطلوب ارزیابی کرده اند.

**کلید واژه ها:** آموزش فلسفه به کودکان، برنامه ی درسی، رویکرد، پایه اول ابتدایی.

<sup>□</sup> - کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت معلم

<sup>□</sup> - کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت معلم

## تبارشناسی به مثابه روش پژوهش در تعلیم و تربیت

نرگس سجادیه<sup>□</sup>

رویکرد تبارشناختی، نگاهی فلسفی- تاریخی است که در سال های اخیر ابتدا توسط نیچه و سپس فوکو در بررسی مسائل فرهنگی- اجتماعی به کار گرفته شده و به دلیل منظر ویژه ای که در بررسی این مسائل اتخاذ می کند، می تواند منجر به نتایج بدیع و کشف لایه های پنهانی این مسائل گردد. نوشتار حاضر در پی آن است تا ضمن معرفی اجمالی این رویکرد و مولفه های آن، چگونگی ورود آن به دنیای تعلیم و تربیت را بررسی نماید. تبارشناسی با بازتعریف مفهوم قدرت و محوری ساختن آن در بحث های اجتماعی- معرفتی، افق جدیدی را فراروی محقق می گشاید. همچنین، نگاه تاریخی، باعث ظهور ابعاد تازه ای از مسائل پژوهشی خواهد شد. از جمله مولفه های زیرساز این رویکرد، نگرش تاریخی آن به مسائل، اهتمام به آرشیو، تلاش در جهت مساله آفرینی در موضوعات و نیز محور قرار دادن بحث قدرت و رابطه دو سویه آن با دانش است. تعامل دانش و قدرت باعث می شود تا تبارشناسی با نگاهی بدبینانه به ادعاهای دانشی، آنها را به محاکمه حقیقت کشاند و برخی جنبه های پنهان داشته شده آنها را فاش سازد. اصول روش شناختی این رویکرد در پژوهش های انسانی عبارتند از: واژگونی، توجه به ویژگی های یکتای مسائل، بیرون بودگی، درون بودگی، شرطی سازی مضاعف و توجه به چند سطحی بودن تاکتیک های گفتمان. این نوشتار، سه نوع پژوهش تربیتی را متناسب با این الگوی پژوهشی به شمار آورده و تلاش می نماید تا الگوی پژوهش تبارشناختی را در این سه بستر به نمایش گذارد. این سه عرصه بررسی عبارتند از: سیاست های تربیتی، مفاهیم نهادینه شده در تعلیم و تربیت و فلسفه های ضمنی تعلیم و تربیت.

**کلید واژه ها:** تبارشناسی، روش شناسی، روش پژوهش، فلسفه تعلیم و تربیت، فوکو.

<sup>□</sup> - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران

## راهبردهای پژوهش تبارشناختی در فلسفه تعلیم و تربیت

نرگس سجادیه<sup>□</sup>

دکتر خسرو باقری<sup>□</sup>

اعتبار نتایج پژوهش‌های صورت گرفته در عرصه فلسفه‌ی تعلیم و تربیت، مستلزم بهره‌گیری از روش‌های متقن پژوهشی و وفادار بودن به آنهاست. یکی از رویکردهایی که در سال‌های اخیر در عرصه‌ی فلسفه مطرح شده و با محور قرار دادن بحث قدرت، از منظری بدیع به مسائل نگریسته، رویکرد تبارشناختی فوکو است. پژوهش حاضر، ابتدا رویکرد کلی و پرسش‌های پژوهشی این دیدگاه را تبیین می‌نماید و سپس به صورت بندی راهبردهای پژوهشی آن در عرصه‌ی فلسفه تعلیم و تربیت می‌پردازد. دو پرسش پژوهشی این دیدگاه، یکی ناظر به ماهیت رخداد‌های در حال وقوع در زمان حاضر و دیگری، معطوف به جستجوی علل این وقایع در طول تاریخ است. برای این رویکرد پژوهشی که شکلی تاریخی دارد، هشت راهبرد پژوهشی برشمرده شده که عبارتند از: برقراری ارتباط موضوع با قدرت و سوژه، ارائه‌ی فرض مخالف با امور مسلّم، مساله‌آفرینی در موضوع، تعیین مولفه‌های مقوم رابطه قدرت-سوژه در موضوع، تعیین مولفه‌های شبکه ارتباط قدرت-سوژه در موضوع در زمان حاضر، جستجوی تاریخ به دنبال تبارهای موضوع، جستجوی تاریخ به دنبال نمودهای مجدد آن و در نهایت، ترسیم شبکه روابط قدرت-سوژه-دانش با توجه به داده‌های تاریخی. سه راهبرد نخست، دارای توالی اند و به ترتیب پی‌گیری می‌شوند، اما راهبردهای بعدی، به صلاحدید محقق مورد استفاده قرار می‌گیرند.

**کلید واژه‌ها:** تبارشناسی، فوکو، تاریخ، پژوهش تربیتی، راهبرد، قدرت، سوژه.

<sup>□</sup> - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران

<sup>□</sup> - استاد دانشگاه تهران

## فناوری‌های نوین و فلسفه تعلیم و تربیت

کبری سطوتی جمیل<sup>□</sup>  
برزو مولایی<sup>□</sup>

عصر حاضر، عصر تحول و تغییرات پیوسته و برق‌آسا در حوزه‌های مختلف حیات بشری است. این تحولات، پیامدهایی در آموزش و پرورش و فلسفه تعلیم و تربیت دارد و نظام آموزشی برای هماهنگی با این دگرگونی‌ها و مواجهه با چالش‌های برآمده از آن‌ها نیازمند فلسفه‌ای متناسب با این نوآوری‌ها و تغییرات است. با توجه به حضور گسترده‌ی این نوآوری‌ها در تعلیم و تربیت، نیاز به پرسش خردمندانه یا فلسفی در این حوزه احساس می‌شود. انسان‌ها همواره در پی یافتن حقیقت بوده‌اند و روش‌هایی را برای یادگرفتن و یاددادن در زمان‌های مختلف ابداع کرده‌اند و در این راستا افرادی مانند معلمان، استادان و فیلسوفان در جهت یاددهی این آموزش نقش به‌سزایی داشته‌اند. زیر بنای گسترش فناوری اطلاعات (IT) و فناوری ارتباطات (ICT) می‌تواند این اصل فلسفی باشد که آدمی از راه تجربه و اندیشه به دانش درباره‌ی واقعیت دست یافته و این دانش را گسترش می‌دهد بدین ترتیب فناوری دارای مبانی فلسفی است. به طور کلی درباره تأثیر ورود فناوری اطلاعات و ارتباطات در حوزه‌ی تعلیم و تربیت به دو دیدگاه می‌توان اشاره کرد: رویکرد اصلاح‌گرا و رویکرد تحول‌گرا. هدف این پژوهش بررسی و تحلیل دیدگاه‌های گوناگون فلسفی درباره فناوری اطلاعات و ارتباطات در حوزه‌ی تعلیم و تربیت و شناخت چالش‌ها و دغدغه‌های حاصل از آن است و از روش توصیفی برای شناخت این امر استفاده شده است.

**کلید واژه‌ها:** فناوری اطلاعات و ارتباطات، فلسفه، تعلیم و تربیت، یادگیری.

<sup>□</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه شهید چمران  
<sup>□</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه شهید چمران

## بررسی جایگاه و نقش معلم در تعلیم و تربیت از منظر مکاتب و آرای تربیتی

هادی سنجری<sup>□</sup>

سید منصور مرعشی<sup>□</sup>

محمد سنجری<sup>□</sup>

فلسفه‌های مختلف با توجه به اصول فکری خود و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی، به طور معمول، به معلم توجه ویژه مبذول داشته‌اند. جایگاه معلم بین مکاتب دارای فراز و نشیب‌هایی بوده است. نقطه اشتراک اکثر آنها قابل شدن به سه جایگاه علمی، اخلاقی و اجتماعی البته با اندکی تفاوت برای وی می باشد. معلمان نزدیکترین افراد به موقعیت‌های یادگیری هستند و بهتر از همه افراد فعال در این حوزه، دانش آموزان را می شناسند. به همین علت آنها بهترین عامل برای مطرح کردن مباحث تغییر نگرش مربوط به آموزش و پرورش هستند. در این مقاله برآنیم به صورت توصیفی، ابتدا نگرش هر یک از پنج مکتب اصلی (ایدالیسم، رئالیسم، پراگماتیسم و اگزیستانسیالیسم و طبیعت گرایی) را درباره معلم بررسی و در ادامه، دیدگاهی را که به نوعی معرف تطبیق بیشتر نقش معلم با پیشرفت‌های کنونی است، معرفی و در نهایت با ارایه راهکارهایی در خصوص ایفای بهتر نقش معلمی در شرایط کنونی بحث را خاتمه دهیم. از نتایج بحث می توان به این مورد اشاره کرد که بین مدرس و معلم تفاوت‌هایی وجود دارد که از جمله آن، این است که معلم به زینتی فراتر از بعد علمی آراسته است به نام اخلاق، که همین ویژگی وی را از مدرس ممتاز می نماید. ضمن اینکه انگیزه‌های یک معلم، به معنای واقعی کلمه نسبت به مدرس بیشتر درونی است تا بیرونی.

**کلید واژه‌ها:** معلم، تعلیم و تربیت، مکتب فلسفی، اخلاق.

<sup>□</sup> - دانشجوی ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید چمران اهواز

<sup>□</sup> - عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز

<sup>□</sup> - کارشناس علوم قرآنی



## رابطه فلسفه و تعلیم و تربیت با تاکید بر مکتب پراگماتیسم و بررسی نقش و جایگاه این مکتب در تعلیم و تربیت

محبوبه سیدی<sup>□</sup>

ملیحه عرب هاشمی<sup>□</sup>

در این مقاله ارتباط سه گانه ی فلسفه با تعلیم و تربیت مورد بررسی قرار می گیرد. در ارتباط نخست، فلسفه به عنوان روشی مخصوص در برخورد با مسائل تربیتی است، یعنی فلسفه ی تعلیم و تربیت، عبارت از اجرای روش فلسفی در برخورد با مسائل تربیتی است. در ارتباط دوم، فلسفه به عنوان تئوری و تعلیم و تربیت به عنوان عمل تلقی می شود و در ارتباط سوم، فلسفه به عنوان رشته ای که درباره متافیزیک، چگونگی معرفت و ارزش شناسی بحث می کند با تعلیم و تربیت که رشته ای مستقل است و با شاگرد، معلم، مواد درسی، فعالیت های تربیتی، روش تدریس و هدف های اساسی تعلیم و تربیت سروکار دارد ارتباط پیدا می کند. هدف این مقاله، ضمن بررسی اولیه ارتباط های مذکور در قالب مکتب های فلسفی و نظریات تربیتی، تاکید بر گونه دوم و بررسی نقش و تاثیر مکتب پراگماتیسم دیویی، پیرس و جیمز در تعلیم و تربیت است. روش به کار رفته در این تحقیق، توصیفی و تحلیلی است. در پایان، به تاثیرات مفید و ارزنده ای که این مکتب بر نظام تعلیم و تربیت و عناصر آن داشته است، پرداخته می شود.

**کلید واژه ها:** فلسفه، تعلیم و تربیت، مکتب پراگماتیسم، نظریه، عمل.

<sup>□</sup> - دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان

<sup>□</sup> - عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان

## متافیزیک عشق پاسخی به دغدغه های انسان معاصر با تأکید بر فلسفه صدرایی

دکتر محمدرضا شرفی<sup>□</sup>

از وجوه فلسفه تعلیم و تربیت، بعد تجویزی آن است که به تبیین راهکارهایی در جهت خروج انسان از تنگناها می پردازد. فلسفه تعلیم و تربیت در منظر اسلام نیز متضمن چنین کارکردی است با این ملاحظه که این منظر از حیث تعریف ماهیت انسان، غایت و اهداف تربیت و سایر مؤلفه ها از مکاتب رقیب فاصله می گیرد، زیرا غایت تربیت در اسلام، ربانی شدن آدمی است و از ویژگیهای ربانی شدن، احساس پیوستگی به ذات اقدس ربوبی است که نقطه اوج آن را در عشق به خدا می توان یافت. عشق و محبت به خدا نزد اندیشمندان غرب و شرق، زمینه های دیرپایی دارد. افلاطون، اسپینوزا، پاسکال، ویلیام جیمز و برگسون، نمایندگانی از فلسفه غرب و ابن سینا، سهروردی و ملاصدرا، نمایندگانی از فلسفه اسلامی هستند که در تبیین عشق الهی اشارات مختلفی داشته اند. ملاصدرا براساس اصالت وجود و تدرج وجود به بیان متافیزیک عشق می پردازد و بر آن است که "واجب الوجود عاشق خود و مخلوقاتش است و مخلوقات نیز به خالق خود عشق می ورزند." بنابر این نظریه متافیزیکی، سراسر جهان را عشق فراگرفته و هر جا وجود و حیات و زیبایی باشد، عشق نیز موج می زند. این واقعیت به زندگی انسان معنا و مفهوم می بخشد و حاصل آن معنویت در برابر بی معنایی و روزمرگی است. امنیت، تبعیت (از رسول الهی)، معیت (با خدا)، اجابت و قرب، منزلت، اعانت، کفایت، صبرورت، خودجوشی و خودانگیزی و بالاخره هویت پایدار، از تبعات باور به متافیزیک عشق است که به نفی از هم پاشیدگی، منیت، تنهایی و بی کسی، طرد و درماندگی، بُعد و گسست، مذلت، وابستگی، رکود و بی حاصلی و در نهایت به نفی هویت سیال اقدام می کند. روش دستیابی به پیامدهای متافیزیک عشق، روش استنتاجی و تحلیلی است. لازمه رهایی آدمی از دغدغه های زندگی معاصر، تفهیم عشق متعالی و تبیین آثار آن برای دلبستگی بدان است. مقاله حاضر مترصد ارائه راهکارهایی برای معنا بخشیدن به زندگی درون تهی انسان بریده از ارتباط با خداست.

**کلید واژه ها:** عشق، متافیزیک عشق، انسان معاصر، معنای زندگی، فلسفه صدرایی.

<sup>□</sup> - دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

## بررسی تطبیقی مبانی فلسفی شیخ اشراق و برگسون و دلالت های تربیتی آنها

دکتر محمدرضا شرفی<sup>۱</sup>

سمانه خلیلی<sup>۲</sup>

سهروردی و برگسون در زمره فیلسوفانی هستند که به عرفان و شهود، اهمیت وافری داده اند. در این پژوهش سعی شده است با نظر بر مبانی فلسفی این دو فیلسوف بزرگ، دلالت های تربیتی موجود در آنها استخراج گردد. بررسی مبانی هستی شناختی، انسان شناختی، ارزش شناختی و معرفت شناسی برگسون و سهروردی نشان می دهد که مفاهیم اساسی در فلسفه برگسون، زمان، تکامل، شهود و تغییر می باشند. اما در فلسفه سهروردی نور از جایگاه ویژه ای برخوردار می باشد. هر دو بر اراده فردی و شهود تأکید می ورزند. همچنین نگاه برگسون و سهروردی نسبت به انسان و خداوند متفاوت است. به این صورت که سهروردی بحث قوای گوناگون را مطرح می سازد و برگسون به رابطه مغز و ذهن اشاره می کند. خدای برگسون، دائماً در حال تغییر و تکامل است و خدای سهروردی متعالی و عاری از هر گونه تغییر است. در بحث معرفت شناختی هر دو علی رغم تأکید فراوانی که بر شهود دارند، تفکر و تعقل را برای شناخت لازم می دانند. در بحث دلالت های تربیتی چنین استنباط شده است که هدف غایی تربیت از نظر سهروردی قرب به کمال مطلق بوده و از نظر برگسون پرورش انسانی عقلانی-شهودی است. اصول تربیتی حاصل از آرای برگسون شامل اصل تغییر، اصل تکامل، اصل آزادی و اصل تدریج می باشند. اصول تربیتی حاصل از اندیشه های شیخ اشراق غفلت گریزی، کرامت نفس، صبر و خودشناسی است. از میان روش های تربیتی برگرفته از آرای سهروردی و برگسون می توان به اهمیت عرفان، شهود و تفکر و تعقل که هر دو بر آن تأکید داشته اند، اشاره کرد.

**کلید واژه ها:** اشراق، شهود، تعلیم و تربیت، تفکر، برگسون، سهروردی.

۱- دانشیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

۲- دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران

## رویکرد هرمنوتیکی در پژوهشهای فلسفه تعلیم و تربیت

دکتر حکیمه‌السادات شریفزاده<sup>□</sup>

در جهان امروز با توجه به تحولات عمده‌های که در دیدگاههای فلسفی صورت پذیرفته، باید از رویکرد مهمی که در فلسفه تعلیم و تربیت تأثیرگذار است سخن گفت. این رویکرد، استفاده از روشهای هرمنوتیکی و تفسیری است که در انواع پژوهشهای کیفی سهم عمده‌های را به خود اختصاص داده است. هرمنوتیک به صورت مبنايي عام و معتبر در روششناسی علوم انسانی درآمده که حتی بر روش شناسی علوم تجربی نیز تأثیر گذاشته است. در واقع «هرمنوتیک» چشمانداز جدیدی است که در عرصه مطالعات و پژوهشهای دانشگاهی، زمینهبهایی عمیق برای تحقیق را فراهم آورده است. اساساً، بنای دانش هرمنوتیک در مقابل پوزیتیویسم نهاده شده که تکیه بر فهم و پیشفرضها مینماید. رشته‌هایی مانند فلسفه و فلسفه تعلیم و تربیت که بیشتر روی متن و نظریهها تمرکز دارند نیازمند معیارهایی هستند که با استفاده از آنها بتوان متون را تفسیر و معنا نمود. اما، متأسفانه در دانشگاههای ایران هنوز از این روش به طور مؤثر و گسترده به کار گرفته نشده است. به عنوان نمونه در رشته فلسفه تعلیم و تربیت، برای مشخص ساختن دلالتهای تربیتی یک نظریه فلسفی باید دنیای ذهنی واضح نظریه و مؤلف اثر را شناخت و متن را بازسازی کرد. لازمه استفاده صحیح از این روش، شناختن شیوه‌های تأویل و تفسیر میباشد که گرایشهای متعددی دارد و رویکردهای متفاوتی را از گذشته تا کنون آفریده است. این موضوع میتواند بر نحوه پژوهش در رشته فلسفه تعلیم و تربیت مؤثر باشد. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی میباشد. در این مقاله پس از اشاره به جایگاه دیدگاه هرمنوتیکی و تفسیری در تحقیقات کیفی، به معنا و مفهوم هرمنوتیک و چگونگی به کارگیری این روش و نهایتاً، به ارتباط آن با فلسفه تعلیم و تربیت پرداخته شده است.

**کلید واژه‌ها:** هرمنوتیک، روش هرمنوتیکی، روشهای کیفی تحقیق، فلسفه تعلیم و تربیت.

<sup>□</sup> - استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه مازندران

## تبیین زیبایی‌شناسی در فلسفه تعلیم و تربیت

دکتر حکیمه‌السادات شریفزاده<sup>□</sup>ناصر تسلیمیان<sup>□</sup>

هدف اصلی این مطالعه، نشان دادن و تعیین ملاکهای ادراک زیبایی‌شناسانه در انسان و بررسی ماهیت آن از نظر فلسفی و تأثیرات آن بر مباحث فلسفه تعلیم و تربیت میباشد. از آنجا که زیبایی‌شناسی یکی از مباحث مهم فلسفه و مرتبط به مبحث ارزش‌شناسی است، توجه به جایگاه این امر از ضروریات مباحث فلسفه تعلیم و تربیت به شمار می‌آید. در جهان امروز، این موضوع به عنوان عامل مؤثری در تربیت، مجدداً مورد توجه قرار گرفته است. روش تحقیق در این مقاله با توجه به ماهیت موضوع، توصیفی-تحلیلی است که در آن مبانی فلسفی زیبایی‌شناسی از حیث دلالت‌های تربیتی مورد توجه قرار گرفته است. اساساً بین زیبایی‌شناسی و فرآیند تعلیم و تربیت ارتباط خاصی وجود دارد، چنان که امر زیبا میتواند عمل تربیتی خودانگیخته را موجب شود. در جریان تربیت، باید شرایطی را فراهم آورد تا متری خود به تجربیاتی دست یابد و از درون متحول شود. عنصر زیبایی‌شناسی در این زمینه میتواند نقش مهمی را ایفا نماید. بنا بر اهمیت موضوع، در این پژوهش، پس از عنوان ساختن معنا و مفهوم زیبایی، ماهیت ادراک زیبایی‌شناسانه انسان مطرح شد. سپس ملاکهای بررسی این ادراک از نظر فلسفی عنوان گردید و تأثیر ادراک زیبایی‌شناسانه بر فرآیند تربیت بررسی گردید و در نهایت، جایگاه زیبایی‌شناسی به عنوان موضوع قابل بحث در فلسفه تعلیم و تربیت مورد تأکید قرار گرفت.

**کلید واژه‌ها:** زیبایی‌شناسی، ادراک زیبایی‌شناسانه، ملاکهای فلسفی، دلالت‌های تربیتی.

<sup>□</sup> - استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه مازندران

<sup>□</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه مازندران

## بحران هویت فلسفه تعلیم و تربیت

دکتر بختیار شعبانی ورکی<sup>□</sup>رزیتا ابوترابی، محمد حسن ابراهیمی، افسانه عبدلی<sup>□</sup>

رشته فلسفه تعلیم و تربیت حوزه معرفتی نوپایی است. این که فلسفه تعلیم و تربیت چه باید باشد و چه باید بکند، موضوعی است کاملاً مورد اختلاف، طوری که موجب طرح پاسخ های متفاوت از سوی دیدگاه های مختلف شده است. هدف از نگارش این مقاله، بررسی دیدگاه های فیلسوفان تعلیم و تربیت در دو سه دهه اخیر است. در این مقاله دیدگاه های مختلف آنها به تصویر کشیده می شود و مجدداً مفهوم سازی می شود و پس از تکمیل و ارزیابی آنها تصویر روشنی از مفهوم فلسفه تعلیم و تربیت ارائه می شود. برای این مقصود، دیدگاه های ۲۸ نفر که مقاله ای در باب ماهیت فلسفه تعلیم و تربیت نگاشته اند، مورد بررسی قرار گرفته است. برخی از این فیلسوفان مانند تامپسون دیدگاه کاربردی فلسفه در تعلیم و تربیت را رد کرده و مانند دیویی فلسفه را نظریه ای برای عمل در نظر گرفته اند. برخی مانند برودی فلسفه تعلیم و تربیت را استنتاج مدلولات تربیتی از اندیشه های فلسفی دانسته اند، برخی مانند اسمیت و هوک آن را نظریه ای برای تربیت و بعضی مانند ریباول به عنوان روشی برای ایضاح و نقد و ارزیابی نظریات و کمک به تدوین آنها و برخی مانند نیوسام آن را فلسفه ورزی در نظر گرفته اند و گاهی افرادی مثل بروباخر و فرانکنا و بروتسکی آن را دارای سه کارکرد نظری، هنجاری و تحلیلی یا نقادی دانسته اند. پس از تصریح، طبقه بندی و ارزیابی این نظرات، درنهایت برای فهم ماهیت فلسفه تعلیم و تربیت مدلی ارائه خواهد شد.

**کلید واژه‌ها:** فلسفه تعلیم و تربیت، بحران هویت، کاربرد، استنتاج، تحلیل.

<sup>□</sup> - استاد دانشگاه فردوسی مشهد

<sup>□</sup> - دانشجویان دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه فردوسی مشهد

## تحلیلی از وضعیت محتوای رشته ی فلسفه تعلیم و تربیت در ایران

دکتر بختیار شعبانی ورکی<sup>۱</sup>

افسانه عبدلی، روزیتا ابوترابی<sup>۲</sup>

محمد شریف طاهرپور، محمد حسن ابراهیمی، بیژن بابایی<sup>۳</sup>

هدف اصلی این مقاله، بررسی وضعیت محتوای رشته ی فلسفه تعلیم و تربیت در ایران است. در این پژوهش با بهره‌گیری از سه منبع اصلی در شناسایی وضعیت محتوایی رشته فلسفه تعلیم و تربیت معاصر در ایران، اطلاعات مورد نظر گردآوری و تحلیل شد: (۱) مصاحبه با اساتید رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه‌های کشور، (۲) محتوای سرفصل‌های مصوب دانشگاه‌ها و شورای عالی برای مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد این رشته، (۳) تحلیل محتوای آثار در رشته فلسفه تعلیم و تربیت. یافته‌ها نشان می‌دهند اکثر اساتید رشته فلسفه تعلیم و تربیت، بر ضعف جنبه فلسفی این رشته اشاره و تقویت آن را ضروری دانستند. تعدادی نیز برقراری توازن میان جنبه فلسفی و جنبه تربیتی در این رشته را به عنوان راه‌حل پیشنهاد کردند. برخی نیز با نظر به جریان‌های حاکم بر محتوای آثار منتشره بر ضرورت اقلیمی‌سازی این رشته تأکید کردند. محتوای سرفصل‌های مورد استفاده در دانشگاه‌ها نشان می‌دهد که اغلب آنها هنوز از خاصیت دایره‌المعارفی برخوردارند و کمتر ناظر به رشته تخصصی فلسفه تعلیم و تربیت هستند. تحلیل محتوایی آثار موجود در این رشته نشان می‌دهد که تعداد معدودی از آثار منتشره با رسالت اصلی این رشته سازگاری دارند. در این مقاله پس از بررسی وضعیت محتوای رشته فلسفه تعلیم و تربیت، پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت موجود ارائه خواهد شد.

**کلید واژه‌ها:** فلسفه، تربیت، فلسفه تعلیم و تربیت، محتوا، ایران.

<sup>۱</sup> - استاد دانشگاه فردوسی مشهد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

<sup>۲</sup> - دانشجویان دوره دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه فردوسی مشهد

<sup>۳</sup> - دانشجویان دوره دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه فردوسی مشهد

## فرا تحلیل آموزش فلسفه به کودکان: رویکرد محتوا پژوهانه به رشد مهارت های فلسفی-اجتماعی

دکتر عباس شکاری<sup>□</sup>

محمد هادی حاجی رشیدی<sup>□</sup>

در ایران حدود یک دهه است که مباحثات علمی و فلسفی برای آموزش فلسفه به کودکان ایرانی مطرح شده است. هدف از تدوین مقاله بررسی این مسئله است که آیا آموزش فلسفه به کودکان با چالش هایی نظری روبرو است و آیا می توان به امکان آموزش فلسفه به کودکان با توجه به مفهوم و میزان کارایی آن برای کودکان اشاره کرد؟ در همین راستا، این تحقیق به صورت فرا تحلیلی از نوع کاربردی و با روش توصیفی انجام شده است. برای حل این چالش ها ، چند راهکار وجود دارد: نخست، واکاوی مفهوم آموزش فلسفه است، دوم آموزش فلسفه به کودکان ایرانی از طریق آموزش رسمی، یعنی با برنامه های آموزشی و درسی و نیز آموزش های غیر رسمی، سوم توجه به نقش آموزش فلسفه به کودکان بر رشد مهارت های فردی و اجتماعی از یک سو و رشد مهارت های فلسفی یعنی مهارت پژوهشی، استدلالی و ترجمه ای در کودکان، از سوی دیگر است. در این مقاله ، تلاش گردیده است مشخص شود که آیا آموزش فلسفه به کودکان در کشور ایران کاربردی و قابل اجرا است و همچنین آیا این آموزش باعث رشد مهارت های فلسفی در کودکان می گردد یا نه؟ یافته ها نشان می دهد که بر اساس داده های به دست آمده از ۱۶ مقاله در مورد آموزش فلسفه به کودکان که مورد بازبینی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته، آموزش فلسفه با روش های عینیت محور، طبیعت گرایانه، از طریق آموزش رسمی، یعنی با برنامه های آموزشی و درسی و نیز آموزش های غیر رسمی مانند برنامه های فرهنگی و هنری قابل اجرا است و باعث رشد مهارت های فلسفی یعنی مهارت پژوهشی، استدلالی و ترجمه ای در کودکان می گردد.

**کلید واژه ها:** فرا تحلیل، آموزش فلسفه به کودکان، مهارت های فلسفی و اجتماعی، عینیت محوری.

<sup>□</sup> - استادیار گروه علوم تربیتی دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان

<sup>□</sup> - کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی



## واکاوی بنیادهای نظری برنامه درسی تفکر انتقادی از دیدگاه فیلسوفان تربیتی متأخر

دکتر عباس شکاری<sup>۱</sup>

خداداد مزدائی<sup>۲</sup>

هدف این مقاله بررسی مبانی معرفتی تربیت انتقادی، واکاوی همانندی‌ها و ناهمانندی‌های فیلسوفان نقاد نظر گرا و عمل گرا با روش تحقیق توصیفی می‌باشد. در این مقاله نوعاً با استفاده از روش تحقیقی فرانک هیکلر اندیشه‌های فلسفی پیشگامانی نظیر هابرماس، لیوتار، پل، ژیرو و مک لارن توصیف گردیده و سپس همانندی‌ها و ناهمانندی‌های نظرات آنها تفسیر و به دنبال آن نقطه قوت و ضعف آموزشی و درسی نظرات فیلسوفان نقاد تبیین شده است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که هدف از تفکر انتقادی، عیب جویی و بطلان دعوی و به کرسی نشانیدن سخنان و عقاید ناقد نمی‌باشد؛ بلکه در نقادی، هدف تسهیل و شفاف نمودن عقاید دیگران و مشخص نمودن جنبه‌های مثبت، منفی و موثر اندیشه‌ی دیگران است. یافته‌ها نشان می‌دهد که معنا و کارکرد پرورش تفکر انتقادی از دیدگاه اندیشمندان، همانندی و ناهمانندی‌هایی دارد که همانندی‌های این دیدگاه‌ها را می‌توان چنین برشمرد: نپذیرفتن بی‌طرفی دانش، تمرکز زدایی قدرت در کلاس درس، تکیه بر وظیفه‌ی آن به رهاسازی انسان از انواع جبرها، آموزش بر پایه‌ی زمینه و بافت به جای تقلید و تبعیت از دیگران به گفتمان و انتقال تجربه‌های خود در کلاس درس تاکید می‌کنند. نتیجه‌ی دیگر اینکه نوع تشابه‌ها و تفاوت‌ها میان فیلسوفان تربیتی نظر مدار همانند لیوتار، ماس و ژیرو و نیز عمل مدار مانند مک لارن را می‌توان در تطبیق با وضع موجود آموزش و پرورش ایران به ویژه طراحی و اجرای برنامه درسی مدنظر قرار داد و در تهیه و تدوین واکاوی مآب درسنامه تفکر انتقادی به کار بست.

**کلید واژه‌ها:** تفکر انتقادی، فیلسوفان نقاد نظرگرا و عمل گرا، بنیادهای نظری، گونه‌شناسی معرفتی برنامه درسی.

۱- استادیار گروه علوم تربیتی دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان

۲- مدرس دانشگاه پیام نور سیرجان

## مقایسه مبانی انسان شناسی مکتب مراجع - محوری راجرز با اسلام

دکتر بابک شمشیری<sup>□</sup>حلیمه خاتون ملکی<sup>□</sup>

هریک از نظریه ها و رویکردها در علوم انسانی به ویژه روان شناسی، طرز تلقی خاصی از انسان دارند. دیدگاه اسلام نسبت به انسان کل نگر بوده و کمال او را در رشد هماهنگ و همزمان تمام ابعاد وجودی او می داند. از سوی دیگر، انسان گرایی درحوزه روان شناسی، رویکردی است که نسبت به رویکردهای دیگر اهمیت بیشتری به انسان داده و برای وی نقش محوری، قائل است. در این پژوهش به زیربنای فلسفی مکتب مراجع - محوری راجرز که از زیر مجموعه های انسان گرایی می باشد، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. سؤالات پژوهش حاضر عبارتند از: (۱) در رویکرد مراجع محوری راجرز، انسان چگونه توصیف می شود؟ (۲) بنای انسان شناسی اسلامی، انسان چگونه موجودی است؟ (۳) تفاوتها و شباهت های این دو مکتب چیست؟ (۴) آیا مکتب مراجع محوری راجرز قابلیت استفاده در فرهنگ ایرانی - اسلامی را دارد؟ برای رسیدن به پاسخ سئوال های فوق از روش اسنادی برای جمع آوری اطلاعات و از سندکاوی برای تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شده است. در پایان در هشت مولفه ی آزادی، اختیار، محیط و طبیعت، انسان کامل، هدف، کرامت، خلاقیت، هماهنگی در نیروهای وجودی و هدایت درونی بین اسلام و مکتب مرجع - محوری اسلام شباهت دیده شد. اما این تشابه به صورت کامل نبوده و در برخی از مولفه ها، تفاوت های درجاتی وجود دارد. البته در مولفه «محوریت»، تفاوت های ریشه ای دیده می شود. لیکن، در نهایت، به نظر می آید که رویکرد مراجع - محوری راجرز، با در نظر گرفتن شباهت ها، قابلیت بومی پذیری در فرهنگ ایرانی - اسلامی را داشته باشد.

**کلید واژه ها:** مراجع محوری، انسان شناسی، راجرز، اسلام، علوم انسانی.

<sup>□</sup> - عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز

<sup>□</sup> - کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شیراز

## تبیین و بررسی رابطه فلسفه تعلیم و تربیت با آموزش و پرورش تطبیقی

شهناز شهبازی<sup>□</sup>

بررسی تاریخ تحول نظام های آموزشی موفق جهان نشان می دهد که به منظور تحقق موفقیت، اغلب از مطالعات و پژوهش های تطبیقی در زمینه ی آموزش و پرورش بهره گرفته اند. آموزش و پرورش تطبیقی و فلسفه تعلیم و تربیت دو گرایش علمی مجزا در مجموعه دانش آموزش و پرورش هستند که هر کدام دارای تعریف، ساختار و روش های مشخص و مستقلى می باشد. پژوهش حاضر با کنار هم قرار دادن این دو، زمینه های ارتباط آموزش و پرورش تطبیقی و فلسفه تعلیم و تربیت را بررسی می کند و با گشودن زمینه بحث، از ارتباط میان آنها سعی در ایجاد زمینه فکری جدیدی دارد. آموزش و پرورش تطبیقی متاثر از سایر علوم می باشد و محققان فقط از یک رشته علمی در تحلیل وقایع استفاده نمی نمایند و نوعی گرایش به تحلیل بین رشته ای یا چند رشته ای در آن وجود دارد. اگر چه فلسفه در کار آموزش و پرورش تطبیقی مفاهیم ضمنی فراوانی به وجود می آورد و نیز متخصصین آموزش و پرورش تطبیقی به بررسی های فلسفی بی توجه نیستند، لکن نقش فلسفه در آموزش و پرورش تطبیقی به روشنی در کانون توجه قرار نگرفته است. یکی از جنبه های این عدم وضوح توسعه نایافتگی ارتباط میان رشته فلسفه تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش تطبیقی است. تحقیق حاضر از نوع اسنادی بوده است. نتایج تحقیق نشان می دهد که فلسفه تعلیم و تربیت، نیازمند بعد تطبیقی، و آموزش و پرورش تطبیقی، نیازمند بعد فلسفی است. رویکرد فلسفی تطبیقی به مطالعات آموزش و پرورش باید به صورت گفتگویی شکل یافته، حساس و انتقادی باشد. بر این اساس ارتباط میان این دو حوزه در سه حالت نیازها، مشکلات و فرصت ها قابل طرح می باشد.

**کلید واژه ها:** فلسفه تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش تطبیقی، نیازها، مشکلات، فرصت ها، ارتباط.

<sup>□</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه شاهد

## تبیین دلالت های تربیتی آرای مکاتب کلامی اسلامی در باب عقل و اراده

محمد شهریاری<sup>□</sup>

انسان، طبیعت و افعال او، عقل، ایمان، اراده و اختیار، و تکلیف، در زمره مباحث مهم علم کلامند. این مباحث از جمله مسائل اساسی «فلسفه تربیت» و نظریه تربیتی نیز محسوب می شوند. از این رو، کلام و بحث های کلامی از جمله آبشخورهای مهم نظریه «تربیت اسلامی» خواهد بود. از سوی دیگر، تمایز آرای تربیتی متکلمان شاخص مانند خواجه نصیرالدین طوسی، امام محمد غزالی و نظایر آنان، به روشنی گواه این مطلب است که آرای تربیتی بسیار وام دار گرایش های کلامی آنان در عالم عقاید اسلامی است. بنابراین، کلام می تواند پشتوانه مناسبی برای الگوهای تربیتی فراهم نماید. نگاهی گذرا بر شکل گیری فرق کلامی در اسلام و اصول مکاتب کلامی، خصوصا دیدگاه هر مکتب کلامی درباره "عقل" و "اراده" بخش های آغازین این مقاله را تشکیل می دهد؛ در ادامه تاثیر هر دیدگاه کلامی - در باب عقل و اراده - در آرای تربیتی متکلمان بنام هر مکتب را تبیین و مقایسه کرده ایم؛ در این میان به سه مکتب کلامی شاخص در اسلام یعنی معتزله، اشاعره و شیعه امامیه پرداخته ایم و به ترتیب آراء تربیتی قاضی عبدالجبار معتزلی، امام محمد غزالی و خواجه نصرالدین طوسی - به عنوان متکلمان صاحب سبک این سه گرایش کلامی - مورد توجه قرار گرفته است.

**کلید واژه ها:** کلام، عقل، اراده، تربیت اسلامی، فلسفه تربیت.

<sup>□</sup> - دانشجوی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران

## تدوین "فلسفه تربیتی اجتماع"؛

### راهبردی بدیع برای مواجهه با "چالش ناکارآمدی فلسفه تربیت" در جامعه معاصر

دکتر علی‌رضا صادق‌زاده قمصری<sup>۱</sup>

برای مواجهه با "چالش ناکارآمدی فلسفه تربیت" باید برای "فلسفه تربیت" مصداقی دیگر را به‌مثابه "فلسفه تربیتی اجتماع" در نظر بگنجیم تا در قالب «مجموعه‌های مدون از گزاره‌های معتبر و مدلل ناظر به تبیین چیستی، چرایی و چگونگی تربیت، به منزله چهارچوب نظری راهنمای هدایت و ساماندهی انواع تربیت»، در جهت ایجاد هماهنگی و انسجام بین انواع فعالیتها و برنامه‌های گوناگون تربیتی و برقراری رابطی شایسته میان آنها با فرهنگ و نظام فکری و ارزشی و دیگر مقتضیات جامعه‌ای معین، نقش آفرین باشد. هرچند تدوین این مجموعه، مستلزم چرخشی آشکار از بُعد حرفه‌ای و شخصی "فلسفه تربیت" به بُعد عمومی آن است، ولی می‌توان آن را راهبردی مناسب برای مواجهه با "چالش ناکارآمدی فلسفه تربیت" به شمار آورد. اما در تدوین "فلسفه تربیتی اجتماع" باید به این موارد توجه شود: (۱) مبانی فکری و نظام ارزشی مقبول و دیگر شرایط و مقتضیات فرهنگی و اجتماعی جامعه مورد نظر. (۲) بهره‌مندی لازم از ظرفیت نظری و بُعد حرفه‌ای "فلسفه تربیت". (۳) انعطاف‌پذیری نسبت به فلسفه تربیتی شخصی آحاد مربیان و فلسفه تربیتی خاص انواع تربیت و مؤسسات تربیتی. (۴) مسائل و چالش‌های فعلی و در پیش‌روی جرطن تربیت و (۵) توافق عمومی و التزام عملی دست‌اندرکاران جریان تربیت نسبت به مفاد آن. این مقاله پس از اشاره به ابعاد و گستره "فلسفه تربیت"، به تبیین دلایل تدوین "فلسفه تربیتی اجتماع" و تشریح مؤلفه‌ها و ویژگی‌های آن می‌پردازد و سپس در پرتو این بحث نظری، برخی از خصوصیات روش شناختی "فلسفه تربیت" در جمهوری اسلامی ایران را تبیین می‌نماید.

**کلید واژه‌ها:** فلسفه تربیت؛ چالش ناکارآمدی؛ فلسفه تربیتی اجتماع؛ مولفه‌ها و ویژگی‌ها؛ «فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران»؛ خصوصیات روش شناختی.

## تدوین الگوهای نظری؛ راهکاری مناسب برای ایجاد ارتباط بین نظریه و عمل تربیتی

دکتر علیرضا صادق زاده قمصری<sup>□</sup>

دکتر محمد حسنی<sup>□</sup>

امروزه در تمامی دانش‌های کاربردی با مساله پیچیده شکاف بین نظریه و عمل مواجهیم. در مواجهه با مسئله لزوم پردازش نظریه‌های جهان شمول، به طور کلی تا کنون دو رویکرد پذیرش مطلق (نظریه‌گرایی جهان شمول) و عدم پذیرش مطلق (بومی‌گرایی مسئله محور) مد نظر قرار گرفته است. در این مقاله پس از نقد این دو رویکرد متعارض، رویکرد نوی معرفی و تبیین می‌گردد که در مجموعه مطالعات نظری طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش ابداع، طراحی و به کار گرفته شده است. در این رویکرد از طریق مطالعه انتقادی نظریه‌های مختلف در یک حوزه مشخص و پردازش ترکیبی سازوار از آنها، "تدوین الگوهای نظری" متناسب با شرایط و مقتضیات بومی و محلی مورد توجه قرار می‌گیرد. الگوی نظری "طرحواره مفهومی نظام مندی است متشکل از عناصر مربوط به جریان تربیت و روابط میان آنها که با تکیه بر مبانی و مفروضات فلسفی مستدل و نقد مباحث نظری رایج، پاسخ‌های مستدل و رضایت بخشی را برای شناخت و هدایت عمل تربیتی در شرایط و موقعیت‌های خاص (بومی-محلی) فراهم می‌آورد که می‌توانند به مثابه ی پشتوانه ی نظری استواری برای حل مسائل و چالش‌های عملی به کار آیند". در نتیجه می‌توان این رویکرد را به لحاظ روش شناختی به منزله ی حد واسطی بین تحقیقات نظری آکادمیک و پژوهش کاربرستی محض و سازوکاری مکمل برای آنها دانست. در این مقاله مفروضات روش شناختی این رویکرد و چگونگی طراحی و تدوین الگوهای نظری تربیتی در دو سطح کلان و خرد متناسب با شرایط و اقتضائات فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، با اشاره به تجربه ی مطالعات نظری سند ملی آموزش و پرورش، به روش تحلیلی و توصیفی تشریح شده است.

**کلید واژه‌ها:** روش شناسی تحقیق تربیتی، شکاف نظریه و عمل، الگوهای کلان، الگوهای خرد.

<sup>□</sup> - دکترای فلسفه تعلیم و تربیت و عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس

<sup>□</sup> - دکترای فلسفه تعلیم و تربیت و عضو هیئت علمی موسسه پژوهشی برنامه ریزی درسی و نوآوریهای آموزشی

## بررسی مبانی معرفت‌شناختی سازنده‌گرایی با بهره‌گیری از رئالیسم

دکتر مسعود صفائی مقدم<sup>□</sup>

دکتر محمد جعفر پاک سرشت<sup>□</sup>

دکتر پروانه ولوی<sup>□</sup>

هدف این مقاله تحلیل مبانی معرفت‌شناسی سازنده‌گرایی با عنایت به رئالیسم است و روش به کار گرفته شده در آن تحلیلی-انتقادی است. سازنده‌گرایی از دو رویکرد عمده‌ی روانشناختی و اجتماعی تشکیل شده است. سازنده‌گرایی روانشناختی، ساخت معرفت را ذهنی، شخصی و فردی می‌داند و سازنده‌گرایی اجتماعی، دانش و معرفت را نتیجه تعامل اجتماعی و روش‌های فرهنگی می‌داند. در بررسی ویژگی‌های معرفت‌شناختی نظیر ماهیت، متعلق، حدود، منابع و ملاک معرفت در سازنده‌گرایی، مشخص گردید که سازنده‌گرایی در هیچ یک از این ویژگی‌ها با رئالیسم و مکاتب سنتی شباهت ندارد و نتایج زیر نیز استخراج گردید: نخست، برخلاف مکاتب سنتی که معرفت را محصول ثابت فرآیند یادگیری می‌دانند، سازنده‌گرایی این محصول را دست‌نیافتنی دانسته و یادگیری را محور کار قرار می‌دهند و بر این اعتقادند که یادگیری درست عبارت است از حضور فعال یادگیرنده در جریان ساخت معرفت. دوم، در سازنده‌گرایی، معرفت‌شناسی در روانشناسی ادغام شده است. این بدان معناست که سازنده‌گرایی با پیروی از کواچین، فاعل‌شناسا را سازنده‌گرایی می‌داند. سوم، در این دیدگاه، معرفت‌شناسی در جامعه‌شناسی نیز ادغام شده است، یعنی در این نظریه معرفت دارای هویت اجتماعی است و محصول ایده‌ها و افکار اجتماع می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** معرفت‌شناسی، سازنده‌گرایی، رئالیسم، روش تحلیلی-انتقادی.

<sup>□</sup> - عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز

<sup>□</sup> - عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز

<sup>□</sup> - عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز

## نظریه اخلاق "فضیلت محور السدر مکتتایر" به مثابه واکنشی در برابر بحران اخلاقی مدرنیته

دکتر معصومه صمدی<sup>۱</sup>

از ویژگی های مدرنیته حاکمیت عقلانیت ابزاری در حوزه اخلاق است. افزایش حاکمیت "عقلانیت ابزاری" در حوزه ی اخلاق به حاکمیت معیارهای غیر انسانی در مناسبات انسانی در مدرنیته و سطحی شدن و بحرانی شدن زندگی منجر شده است. سوالی که در این پژوهش مطرح است این است که مقابله با این بحران (بحران اخلاقی که لیبرالیسم با آن مواجه است.) در "حوزه ی نظر" چگونه است؟ روش این پژوهش کیفی است. برای رسیدن به اهداف پژوهش از روش تحلیلی و اسنادی استفاده شده است. یافته های پژوهش حاکی از این است که از منتقدان جدی مدرنیته در حوزه اخلاق "اجتماع گرایان" هستند. از متفکران شناخته شده در حوزه اجتماع گرایان "السدر مکتتایر" است. وی در رویکردی نوتومیستی با توسل به نوعی ارسطوگرایی که آکویناس نماینده ی آن است به تعریفی نواز "سنت" و نگرش "غایت گرایانه و کارکردگرایانه انسان" پرداخت. مهم ترین ایده مکتتایر در مقابله با بحران اخلاقی لیبرالیسم "بازگشت به ارسطو" در زندگی غایتمندانه برای انسان است. وی فردگرایی عاطفه گرایانه ی لیبرال را زیر سوال برده و یادآور شده است که لیبرالیسم مفهومی غیرمنسجم از خود را مفروض گرفته است که به بحران های اخلاقی در جامعه دامن زده است. از این جهت توجه به اندیشه ی مکتتایر برای اصحاب تفکر و اندیشه در ایران مغتنم است چرا که اندیشه ی فضیلت ارسطویی ارتباط نزدیکی با فلسفه اسلامی و در سطحی دیگر با اندیشه دینی دارد تا آن جا که برخی از فلاسفه ی ارسطوگرا نظیر ابن سینا و یا ابن رشد و دیگران، خود می توانند یکی از منابع فکری مکتتایر و متفکرانی نظیر او در نظریه اخلاق فضیلت محور باشند.

**کلید واژه ها:** نظریه اخلاقی، فضیلت، مکتتایر، بحران اخلاقی، مدرنیته.



## بررسی رویکردهای فلسفی فناوری اطلاعات:

### بازنگری نقش و جایگاه فناوری اطلاعات در تعلیم و تربیت

دکتر سعید ضرغامی<sup>□</sup>

هدف پژوهش حاضر بررسی دیدگاه‌های فلسفی گوناگون درباره فناوری اطلاعات به منظور بازاندیشی نقش آن در تعلیم و تربیت است. روش پژوهش نیز تحلیل تطبیقی از رویکردهای پژوهش کیفی است. از همین رو نخست دیدگاه‌های فلسفی گوناگون درباره فناوری اطلاعات در دو رویکرد ابزارگرایی و تقدیرگرایی جای داده شده اند و پیامدهای هر دیدگاه درباره نقش و جایگاه فناوری اطلاعات در تربیت، مقایسه و بررسی شده است. رویکرد ابزارگرا، فناوری اطلاعات را دارنده‌ی ارزش‌های فرهنگی یا اخلاقی مخصوصی نمی‌داند و از همین رو پرسش اخلاقی درباره‌ی به کارگیری فناوری اطلاعات در تربیت را در نسبت با هدف‌هایی می‌نگرد که قرار است با بهره‌گیری از فناوری اطلاعات برآورده شوند. از این رو برای نمونه نمی‌توان گفت گسترش فناوری اطلاعات، سبب گسترش برابری آموزشی و آزادی بیشتر می‌شود. در برابر در رویکرد تقدیرگرا، فناوری اطلاعات بر بنیاد نگرش فلسفی و ارزشی مخصوصی شکل گرفته و گسترش یافته است و از همین رو با ورود به نظام‌های آموزشی، قدرت مستقل خود را نیز وارد می‌کند. نگرش کسانی که با خوش بینی از ویرانی ساختارهای نابرابر در تعلیم و تربیت با ورود فناوری اطلاعات سخن می‌گویند یا کسانی که با بدبینی فناوری اطلاعات را ویران کننده اندیشه ژرف و گاه اخلاق می‌دانند، در این رویکرد جای می‌گیرد. در ادامه با نقد رویکردهای پیشین، رویکرد سازه‌زبانی پیشنهاد شده است. در این رویکرد فناوری اطلاعات، از سویی همچون سازه‌ای اجتماعی نگریسته می‌شود که شکل‌گیری و گسترش آن محصول زبان و ارتباط آدمی بوده است و از سوی دیگر نقش و جایگاه آن در آینده تعلیم و تربیت، وابسته به تفسیر بازیگران این قلمرو خواهد بود. در پایان برخی تلویح‌های کاربردی این رویکرد به متخصصان و سیاست‌گذاران آموزشی پیشنهاد شده است.

**کلید واژه‌ها:** فناوری اطلاعات، تعلیم و تربیت، ابزارگرایی، تقدیرگرایی، سازه‌زبانی.

<sup>□</sup> - استادیار دانشگاه تربیت معلم تهران

## نمودشناسی تجربه تحصیل در کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت

## در دانشگاه تربیت معلم

دکتر سعید ضرغامی<sup>۱</sup>پروین بازقندی<sup>۲</sup>

هدف پژوهش حاضر بررسی تجربه ی تحصیل دانشجویان کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت در دانشگاه تربیت معلم تهران می باشد. برای درک تجربه زیسته دانشجویان از روش نمودشناسی تفسیری از رویکردهای پژوهش کیفی بهره گرفته شده است. نمونه ها با بهره گیری از نمونه گیری هدفمند از میان دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد که دست کم سه نیم سال تحصیلی را پشت سر گذارده اند، انتخاب شدند که پس از اشباع اطلاعاتی، تعداد آن ها به هفت نفر رسید. داده ها از راه مصاحبه ژرف نیمه ساختار یافته و مشاهده هدفمند جمع آوری شد و سپس نگاشته و به روش ون من تحلیل گشت. بر بنیاد یافته های پژوهش می توان تجربه این دانشجویان را در سه بخش نگرش درباره رشته، واحدهای درسی، و اساتید دسته بندی و توصیف کرد. نگرش درباره رشته، دربردارنده علاقه مندی نخستین، رضایتمندی واپسین، بازار کار و آگاهی درباره ی چپستی، اهمیت و جایگاه رشته شد. نگرش درباره واحدهای درسی، ارتباط واحدهای درسی با رشته و انسجام واحدها، روزآمدی واحدها و کتاب ها، واحدها یا موضوع های مورد نیاز و پایان نامه را در بر گرفت. نگرش درباره اساتید شامل منش، میزان دانش، روش تدریس و روش ارزشیابی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان دهنده رضایت نسبی دانشجویان از برخی مؤلفه ها به ویژه منش و دانش اساتید و نارضایتی نسبی از برخی دیگر از مؤلفه ها چون ناآگاهی درباره چپستی رشته، کم اهمیتی آن، بازارکار نامناسب، نبود پیوند و انسجام میان واحدها و موضوع های درسی، ناکارآمدی برخی واحد ها و خلاء برخی دیگر از واحدها و موضوع های درسی، ابهام در انتخاب موضوع پایان نامه و روش های ارزشیابی برخی اساتید است. در پایان بر لزوم بازنگری درباره ی اهمیت، جایگاه و واحدهای درسی رشته فلسفه تعلیم و تربیت تأکید و کاربردهای مطرح شده است.

**کلید واژه ها:** فلسفه تعلیم و تربیت، نمودشناسی تفسیری، کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت معلم

## نسبت آزادی و تربیت دینی

محمد ضیایی موید<sup>□</sup>دکتر علیرضا رحیمیان<sup>□</sup>

یکی از علل اصلی انحراف جوانان، آماده نبودن آنان برای مواجهه صحیح با موقعیت‌هایی است که در شرایط آزاد و خارج از کنترل والدین و مدرسه برایشان واقع می‌شود. راه حلی که عده‌ای پیشنهاد می‌کنند، خروج از تربیت گلخانه‌ای و استفاده از طرح واکسیناسیون است. عده‌ای دیگر نیز اصلاً تربیتی را که مبتنی بر تلقین و عدم تجربه‌ی آزاد کودک باشد، تربیت ندانسته و کودک‌محوری را نه تنها راه‌حل مشکل میدانند، بلکه غیر آن را اصلاً تربیت نمی‌دانند. در این مقاله با قبول وجود مشکلات کلی و همین مشکل خاص "عدم توانمندی" جوانان در "اخذ تصمیم‌های درست و عمل به آن"، نشان خواهیم داد که راهکارهای پیشنهاد شده، اولاً، به صورت مطلق تحقق‌ناپذیر است، ثانیاً، اگر دقیق طراحی نشوند، به علل مختلف از جمله مواجهه شدن با تحریکات شدید درونی و بیرونی و وارد آمدن فشارهایی که تحمل آن از اراده و توان کودک خارج است، دچار تناقض خواهیم شد و آزادی داده شده عملاً باعث محدودتر شدن کودک در تربیت شدن می‌شود. در انتها نیز باید توجه داشت که در تربیت دینی، هرگز اجازه نداریم به روشها بیتوجه باشیم و ارتکاب گناه توسط متری در فرآیند تربیت را مجاز بشماریم.

**کلید واژه‌ها:** آسیب‌شناسی تربیت دینی، آزادی، کودک محوری، تربیت آزادی محور، پیشرفت‌گرایی.

<sup>□</sup> - دانشجوی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه تهران

<sup>□</sup> - مدرس دانشگاه اصول دین

## تبیین مبانی ارزش‌شناسی فلسفه تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام

محمد شریف طاهرپور<sup>□</sup>

ارزش‌ها رکن اساسی زندگی آدمی را تشکیل می‌دهند و با تجلی در فرهنگ سازمانی و جهت‌دهی به آن، نقش مهمی در نهادهای اجتماعی از جمله نهاد آموزشی و تعامل عناصر مختلف آن دارند. از سوی دیگر، ارزش‌ها در تکوین شخصیت‌متریبیان به عنوان درون‌دادهای نظام آموزشی نقش اساسی دارند. بی‌توجهی به ارزش‌ها باعث ضعف شخصیتی‌متریبیان خواهد شد. بر این اساس، تبیین مبانی ارزش‌شناسی فلسفه تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام مسأله‌ای است که در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به آن پرداخته شده است. نتایج به دست آمده از این تحقیق در مبانی ارزش‌شناسی و دلالت‌های تربیتی عبارت است از: خیر علی‌الاطلاق بودن خداوند (ارزش‌های الهی مبدأ و مقصد تربیت اسلامی، مستمر بودن تربیت، ارزیابی مستمر)؛ اعتباری بودن ارزش‌ها (اعتبارسازی، اعتباریابی، تحلیل نقادانه ارزش‌ها، فعال بودن مربی و متربی، اتخاذ معیار ارزش‌گذاری مناسب)؛ ثبات و تغییر در ارزش‌ها (فهم نظامند نظام ارزشی جامعه، تلاش برای انتخاب صحیح ارزش‌ها)؛ عدالت (انسجام فعالیت‌های تربیتی، تعلیم و تربیت فراگیر و توجه به تفاوت‌های فردی).

**کلید واژه‌ها:** مبانی، ارزش‌شناسی، فلسفه تعلیم و تربیت، اسلام، عدالت، اعتباری بودن.

## روش شناسی پژوهش تربیتی از دیدگاه فوکو

مرضیه عالی<sup>□</sup>

هدف اصلی این مقاله، بررسی چگونگی رد یابی قدرت مدرن به شیوه مورد نظر فوکو، در مدرسه به عنوان یکی از مکانهای اصلی شکل دهنده به نظام قدرت است. از این رو، روش های فوکو، یعنی رویکرد دیرینه شناسی و تبارشناسی، در خصوص آموزش و پرورش مورد تبیین قرار گرفته است. در این روش، پژوهشگر جهت تحلیل گفتمان تربیتی به شناسایی صورت بندیهای گفتمانی حاکم بر کتابها، مواد آموزشی و نوع دانش تربیتی پرداخته و مبتنی بر گسستها و واژگونیهایی که آنها در طول تاریخ طی نموده اند، به ردیابی عوامل غیر گفتمانی حاکم بر گفتمان تربیتی که اساس تحلیل گفتمان آموزش و پرورش از دیدگاه فوکو است می پردازد.

**کلید واژه‌ها:** تحلیل گفتمان، قدرت مدرن، دیرینه شناسی، تبارشناسی، آموزش و پرورش.

<sup>□</sup> - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه فردوسی مشهد

## لزوم آشنایی معلمان با فلسفه تعلیم و تربیت

ملیحه عرب هاشمی

محبوبه سیدی

طلعت صباغ حسن زاده

مفروضاتی که معلم درباره‌ی ماهیت انسان دارد در نوع برنامه، روش تدریس و فضای مدرسه موثر است. در این مقاله سعی شده به تبیین اهمیت و ضرورت داشتن تفکر و بینش فلسفی برای معلمان پرداخته شود. رویکرد اصلی روش این پژوهش، رویکردی کیفی است و در انجام دادن آن از روش توصیفی-تحلیلی بیشتر استفاده شده است. تعلیم و تربیت ذاتاً یک مساله فلسفی است و فلاسفه بزرگ از زمان افلاطون با مسائل مربوط به آن سروکار داشته‌اند. توجه به دیدگاه‌های فلاسفه درباره‌ی واقعیت هستی، معرفت و ارزش، فهم ارتباط فلسفه با تعلیم و تربیت را آسان‌تر می‌نماید. مثلاً تفکر درباره‌ی این که چه چیزی را می‌توان شناخت و روش شناخت چیست، تنها یک قدم با هدف‌های مناسب برای تعلیم و تربیت فاصله دارد. از این رو، برای معلمان ارزشمند است که با فلسفه‌های مختلف آموزش و پرورش آشنا شوند و برنامه‌های درسی و روش‌های تدریس را در ارتباط با دیدگاه‌های فلسفی خاص آنها شناسایی کنند. این قابلیت به مربیان کمک می‌کند تا خط مشی‌ها و برنامه‌های آموزش و پرورش را مورد نقد و بررسی قرار دهند. وقتی که مربیان از تشخیص چشم‌اندازهای ایدئولوژیک و فلسفی که منشاء اصلاحات پیشنهادی به شمار می‌آیند، ناتوان باشند، از نظر حرفه‌ای نه قادر خواهند بود پیشنهادها را نقادی کنند و نه در عمل آنها را به کار بندند.

**کلید واژه‌ها:** فلسفه تعلیم و تربیت، معلمان، دیدگاه فلسفی، مفروضات

□ - عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان

□ - عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان

□ - دستیار علمی دانشگاه پیام نور خراسان رضوی واحد قدمگاه

## بررسی رابطه بین میزان به کارگیری فناوریهای آموزشی با باورهای معرفت شناختی دبیران متوسطه شهر تهران

دکتر محسن عظیمی

نجیبه شاه حسینی

دکتر اسماعیل نصیری

لیلا بهنام جام

به نظر می رسد با وجود مجهز بودن برخی مدارس به انواع کامپیوترها و امکانات الکترونیکی آموزشی و کمک آموزشی هنوز در پاره ای از مدارس استفاده چندانی از این وسائل و امکانات صورت نمی گیرد. پژوهش حاضر برای بررسی این موضوع انجام گرفت. با استفاده از روش تحقیق میدانی و به کارگیری ابزار پرسش نامه، باورهای معرفت شناختی دبیران سه منطقه آموزش و پرورش در شمال، مرکز و جنوب شهر تهران مورد بررسی قرار گرفت. میزان به کارگیری فناوریهای نوین آموزشی توسط این دبیران نیز بررسی و تعیین گردید. یافته ها حاکی از آن است که دیدگاههای فردی دبیران به طور معناداری با میزان به کارگیری این فناوریها توسط آنان در کلاسهای آموزشی شان مرتبط است. در صورت علاقه مسئولان ذیربط برای به کارگیری فناوریهای نوین آموزشی توسط دبیران، ایجاد دیدگاه مثبت در دبیران مربوطه در این زمینه، ضروری به نظر می رسد

**کلید واژه‌ها:** تکنولوژی آموزشی، تدریس، آموزش و پرورش تهران، باورهای معرفت شناختی.

□ - عضو هیات علمی دانشگاه شاهد

□ - دانشجوی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

□ - عضو هیات علمی دانشگاه شاهد

□ - دانشجوی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

## فلسفه تربیت اخلاقی از منظر حقوق بشر

دکتر جمیله علم‌الهدی<sup>□</sup>

هدف از تحقیق حاضر دستیابی به تبیینی از حقوق بشر است که با تربیت دینی و اخلاقی سازگار باشد. برداشت رایج از حقوق و آزادی‌های اساسی با تربیت اخلاقی که بر ارزش‌های ویژه‌ای متمرکز است، سازگاری ندارد؛ اصل آزادی عقیده مقتضی پرهیز از تحمیل گرایش‌های ارزشی و الگوهای رفتاری مریبان به شاگردان می‌باشد. حق حیات، حق مالکیت، آزادی بیان، آزادی عقیده و غیره، مقتضی تأمین لوازم زندگی عادی روزمره شهروندان، به دور از هر نوع تحمیل الگوها و قواعد رفتاری از سوی اشخاص و نهادهاست. بنابراین، مداخله‌های تربیتی خانواده و مدرسه باید به سلامت و بقای فرد محدود باشد و آموزش علم و مهارت‌های لازم برای زندگی در محیط اجتماعی محتمل آینده را تأمین کند. محدودسازی آزادی‌های فردی و تحمیل ارزش‌ها و الگوهای رفتاری در طبیعت آموزش نهفته است. با توجه به این‌که مرز آزادی فردی، حقوق دیگران است، تحمیل‌های صورت گرفته از سوی آموزش اخلاق شهروندی، موجه تلقی می‌شود. با این همه، آموزش شهروندی که معطوف به ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای رفتاری مورد قبول هیئت حاکمه است، به واقع، اسباب گسترش استبداد تربیتی دولت‌ها را فراهم نموده است. آموزش اجباری رسمی دولتی شامل تلقین گسترده ارزش‌هایی است که بازتاب آن در برنامه‌های توسعه و ساختار شهرهای بزرگ صنعتی مشاهده می‌شود و مشتمل بر نوعی تربیت اخلاقی نا آشکار است. طبیعت هنجارین تعلیم و تربیت و رخنه ارزش‌های اخلاقی در انواع تعلیم و تربیت، مقتضی برخورد واقع بینانه و ارزیابی دقیق‌تری از صحت برداشت‌های رایج در باره حقوق بشر است. تفسیری متفاوت از انسان و هویت اجتماعی او، امکانی برای عرضه تبیینی از حقوق بشر می‌گشاید که نه تنها با ماهیت ارزشی تعلیم و تربیت و ذات هنجارین آموزش، در تعارض نیست، بلکه تربیت اخلاقی و دینی به مثابه یکی از حقوق اساسی شهروندان تلقی می‌شود.

**کلید واژه‌ها:** حقوق بشر، آزادی، تربیت اخلاقی، حیات، کمال.

<sup>□</sup> - عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی



## چیستی و چرایی رویکردهای تلفیقی با تاکید بر رویکرد میان رشته‌ای در آموزش

میکائیل علی پور<sup>۱</sup>

علیرضا مطلبی فرد<sup>۲</sup>

ناصر یعقوب نژادی<sup>۳</sup>

طی سالیان متمادی آموزش در قالبی خاص با موضوعات مشخص صورت می‌پذیرفته است که از آن به عنوان موضوع محوری یا دیسیپلین نام برده میشود. اما امروزه پیشرفت علوم مختلف، پیچیده‌تر شدن ابعاد زندگی انسان و لزوم برقراری عدالت و دموکراسی توجه را از دیدگاه موضوع محور با دایره شمول محدود، به رویکردهایی با فراگیری جامع تر و وسیع تر سوق داده است که از آن تعبیر به رویکردهای تلفیقی میشود. رویکرد های تلفیقی عبارت اند از فرآیند همکاری علوم مختلف برای حل مسائل که این خود شامل انواع گوناگونی میشود. مجال حاضر در پی آنست تا ابتدا به تشریح فلسفه و چرایی ظهور رویکردهای تلفیقی و بررسی مختصر انواع آن پرداخته و سپس به دلیل اهمیت رویکرد میان رشته‌ای به واکاوری رویکرد، زمینها و دلایل ظهور، بایستهها و محاسن گزینش رویکرد میان رشته ای در آموزش پرداخته و موانع محققان در گزینش این رویکرد را مورد نظر قرار دهد.

**کلید واژه‌ها:** دیسیپلین، رویکردهای تلفیقی، رویکرد بین رشته‌ای، آموزش بین رشته‌ای.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی درسی دانشگاه تربیت معلم تهران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی دانشگاه تربیت معلم تهران

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی دانشگاه تربیت معلم تهران

## نقش و مسئولیتهای معلم در تعلیم و تربیت مبتنی بر فناوری

دکتر ابوالفضل غفاری<sup>□</sup>فاطمه ارفع بلوچی<sup>□</sup>منیره صالحی<sup>□</sup>

- این مقاله درصدد بررسی و تبیین تهدیدهای متقابلی است که از جانب معلم و فناوریهای نوین نسبت به یکدیگر احساس میشود. به این منظور لازم است قلمرو و قابلیتهای هر یک از این دو عنصر، مشخص شوند؛ آنگاه امکان جایگزینی هر یک به جای دیگری مورد کاوش واقع شود. نتیجهگیری نهایی موقوف به بررسی این امکان و شرایط آن است. طراحی راهبردی برای بسترسازی فناوری اطلاعات در سیستم های آموزشی اخیر، مستلزم پذیرش روش آموزشی فراگیرمحور میباشد. در این صورت معلم باید فراگیران را دریافتکنندگان صرف اطلاعات نداند، بلکه آنان را سازنده اطلاعات در نزد خود و به کمک دیگران، اندیشهورز، فعال، توضیحدهنده، تفسیرکننده، پرسنده و شرکتکننده در مسایل جمعی بداند. همچنین نقش معلم نیز، از انتقالدهنده ی دانش، تنها به یکی از منابع کسب دانش، تسهیلکننده، راهنما، شریک و گوشدهنده به دانش ساخته شده به وسیله دیگران، تغییر می یابد. معلم با ایجاد فضای عاطفی و معنوی مناسب در کلاس، انگیزه های درونی لازم را در فراگیران تقویت می نماید و این باید در موقعیتهای واقعی و در مواجهه با انسانها رشد مییابد نه در فضای آموزش مجازی. رشد جنبه اجتماعی انسان و تربیت شهروندی اجتماعی و نیز برخورداری از ارزشهای اجتماعی و اخلاقی، بهعنوان هدفهای آموزش و پرورش نیز در حضور معلم و همسالان به صورت بارزتری توسعه مییابد. بر این اساس، بهنظر میرسد نقش معلم بهدلیل تأثیر بهسزایی که در تربیت انسان فرهیخته، حتی در آموزشهای مبتنی بر فناوری و در یادگیریهای الکترونیکی دارد، غیر قابل حذف شدن است.

**کلید واژه ها:** فناوری، یادگیری الکترونیکی، نقش معلم، آموزش مجازی.

<sup>□</sup> - عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد  
<sup>□</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی  
<sup>□</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی

## بررسی آرای نخبه‌گرایان فرهنگی در حوزه فلسفه‌ی تعلیم و تربیت

دکتر فاطمه زیبا کلام<sup>□</sup>

محمد مهدی صفری<sup>□</sup>

«آموزش و پرورش» که در نگاهی مقدماتی شاید بتوان گفت مجموع ه‌ی فعالیت های آگاهانه و غیر آگاهانه است که ابنای بشر را در آموختن تجارب پیشینیان خود و ارتقای کیفیت زندگی یاری رسانده است، سابقه‌ی طولانی در حوزه‌ی اندیشه‌ی بشری دارد و مسائل آن روزانه افزون ترمی گردد. بررسی مسائل دو حوزه‌ی «فرهنگ» و «آموزش و پرورش» در ارتباط با یکدیگر در دیدگاه اندیشمندان مختلف بازتاب‌های متفاوتی یافته است. با توجه به این که بهترین سال‌های تاثیر پذیری غالب افراد جامعه در نظام آموزشی سپری می‌شود، ضروری است نظرات مربوط به موضوع فرهنگ به دقت بررسی شده و از دستاوردهای آن برای ارائه راهکارهای مناسب آموزشی استفاده شود. مقاله‌ی حاضر به بررسی دیدگاه «نخبه‌گرایان فرهنگی» می‌پردازد که سلسله‌ی آنان از آرنولد آغاز شده و با البوت، لیوایس، بنتاک، بلوم و اسکروتن ادامه می‌یابد. اینان تعاریف خاصی از «فرهنگ» و «آموزش و پرورش» داشته و معتقدند به هنگام انتقال فرهنگ با ارزش گذاری فرآورده‌های فکری و هنری بشر، باید به انتقال موثر آنهایی پرداخت که موجب فرهیختگی افراد می‌شود. می‌دانیم که صحنه‌ی فرهنگی ملت‌ها مورد توجه دولت‌های استکباری با هدف سلطه و صاحبان سرمایه با اهداف مادی می‌باشد. اینان برای رسیدن به اهداف خود به تغییر ذائقه‌ی فرهنگی ملت‌ها می‌پردازند. نتایج زیانبار همکاری دو گروه نیز آشکار است و مبارزه با آن، سلاحی همجنس می‌طلبد. آمیختن ذهن و روح جوانان با آثار فرهنگی و درونی سازی آنها می‌تواند ذائقه‌ی فرهنگی آنان را تعالی بخشیده و سپر مناسبی در برابر هجوم فرهنگ مبتذل باشد.

**کلید واژه‌ها:** فرهنگ، آموزش و پرورش، نخبه‌گرایان فرهنگی.

<sup>□</sup> - عضو هیئت علمی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران

<sup>□</sup> - کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، مربی امور تربیتی

## جایگاه و اهمیت فلسفه تعلیم و تربیت بین فلسفه های مضاف

دکتر محسن فرمهینی فراهانی<sup>□</sup>

سلمان رضوانخواه<sup>□</sup>

هدف مقاله ی حاضر تلاشی در جهت پی بردن به تفاوت های موجود بین فلسفه های مضاف با تاکید بر مشخص کردن جایگاه فلسفه ی تعلیم و تربیت بین این فلسفه ها است. یکی از راه های پی بردن به اختلافات، مقایسه یا مقابله ی آنان با یکدیگر است. روش این مقاله به عنوان یک مطالعه ی تطبیقی، روش معروف جرج بردی است که روشی توصیفی بوده و در چهار مرحله ی توصیف، تفسیر، همجواری و مقایسه صورت می گیرد. در این مقاله، تاریخچه، اهداف، روش ها و اهمیت فلسفه های مضاف که عبارتند از: فلسفه ی علم، فلسفه ی سیاست، فلسفه ی اخلاق و فلسفه ی تعلیم و تربیت، هر کدام در جداول جداگانه توصیف شده، سپس در مقام مقایسه، جایگاه فلسفه ی تعلیم و تربیت در میان آن ها از نظر مولفه های فوق مشخص شده است. از عمده نتایج پژوهش حاضر می توان به این موارد اشاره کرد: ۱- توجه به فلسفه ی تعلیم و تربیت هرگز مورد غفلت فیلسوفان و مربیان نبوده است. ۲- اهداف فلسفه ی تعلیم و تربیت نسبت به اهداف سایر فلسفه های مضاف مطرح شده، از جایگاه بالاتری برخوردار است. ۳- روش «مطالعه نظریات و علوم مرتبط و استنتاج نظریه ی تربیتی» که در فلسفه ی تعلیم و تربیت مورد استفاده قرار می گیرد، نسبت به سایر روش های مورد استفاده در فلسفه های مضاف کارایی بیشتر دارد. ۴- ضرورت فلسفه ی تعلیم تربیت به مراتب بیشتر از سایر فلسفه های مضاف است.

**کلید واژه ها:** فلسفه مضاف، فلسفه تعلیم و تربیت، فلسفه علم، فلسفه سیاست، فلسفه اخلاق.

<sup>□</sup> - استادیار دانشگاه شاهد

<sup>□</sup> - دانشجوی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه شاهد

## روش و ماهیت آن در فلسفه تعلیم و تربیت

دکتر یحیی قائدی<sup>۱</sup>

مفهوم روش با ماهیت بسیاری از رشته های دانش همبسته شده است. در ساده ترین تعریف روش مجموعه اقدامات منظمی است که به پژوهندگان آن رشته کمک می کند تا از طریق آن به سوالات خود پاسخ دهند. سوالاتی که در پی کشف و فهم وقایع هستند. اما جستجوی واقعیت متأثر از تعریف آن و آن تعریف نیز متأثر از نوع نگرش به جهان است. از این رو این مقاله در پی آن است تا به پرسش اساسی زیر پاسخ دهد: فلسفه ی تعلیم و تربیت در چه صورتی و چگونه به روش احتیاج دارد؟ برای پاسخ به این سوال ابتدا باید ماهیت روش را مورد کاوش قرار داد و به این سوال پاسخ داد که آیا به روش ویژه ای در فلسفه و فلسفه تعلیم و تربیت احتیاج است یا خیر؟ چه، از نظر برخی فلاسفه، فلسفه امری شخصی تلقی شده و روش آن نیز لاجرم شخصی خواهد بود بر خلاف آنچه که در سایر رشته ها مرسوم است و روش عمومیت دارد و قابل تکرار برای متخصصان آن رشته است. درعین حال برخی دیگر روش ها یی را استفاده می کنند و به دنبال آنند که آن ها را عمومی سازند. این سوالات و تقابل ها و نیز موارد دیگری در باره علت متعدد شدن روش ها و نیز مباحثی در باره آنچه روش های فلسفی نامیده می شود در این مقاله مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

**کلید واژه ها:** روش های فلسفی، فلسفه روش، روش های فلسفی در تعلیم و تربیت.

## تبیین چالش‌های معرفت‌شناختی روش تدریس پروژه از منظر معرفت‌شناختی فلسفه تربیت اسلامی

علی کریمی گیلده<sup>□</sup>

بررسی تکالیف ارائه شده به دانش‌آموزان بیانگر گسترش کاربرد روش پروژه در مدارس ما و در پایه‌های مختلف تحصیلی است که البته چندان موفق نبوده است. از سوی دیگر نظر متخصصان تعلیم و تربیت درباره لزوم به‌کارگیری این روش در دوره‌های اولیه‌ی تحصیلی متناقض بوده و وجود معیاری را برای تصمیم‌گیری نهایی می‌طلبد. مهم‌ترین این معیارها مبانی معرفت‌شناختی تربیت اسلامی است. تبیین چالش‌های معرفت‌شناختی این روش از منظر مبانی معرفت‌شناختی فلسفه تربیت اسلامی، دو کمک شایسته در رفع مشکلات مذکور می‌نماید: نخست آنکه ضمن آگاهی دادن به معلمان پیرامون مبانی اساسی روش پروژه، برداشت‌های سطحی و اشتباه از این روش را کاهش می‌دهد. دوم آنکه حدود و ثغور و کم و کیف استفاده از این روش را در تعلیم و تربیت اسلامی روشن می‌کند. تبیین این دو مورد هدف اصلی این پژوهش است. روش به‌کار رفته در این تحقیق، تحلیل اسنادی است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که برخی از مبانی معرفت‌شناختی اسلامی همچون برداشت وحدت‌گرایانه از علوم به‌عنوان نشانه و آیه، اولویت‌انگیزه‌های درونی یادگیرنده، توجه به سودمندی دانش‌های اعتباری از جمله مواردی است که استفاده از روش تدریس پروژه را مورد حمایت مشروط قرار می‌دهند. اما لزوم مطابقت شناخت با امر واقع، توجه به نقش اساسی عقل، تسلسل و ترتب ساختارهای دانش و اولویت برخی علوم، توجه به حفظ و انتقال سنت، تأیید منابع و روش‌های متعدد شناخت و توجه به ثبات علم، از جمله مبانی معرفت‌شناختی اسلامی است که در تضاد با کاربرد این روش تدریس می‌باشند. در نتیجه، کاربرد روش تدریس پروژه صرفاً با ملاحظات اعتقادی، نگرشی و روشی برای دستیابی به علم حقیقی در مقاطع تحصیلی بالاتر توجیه‌شدنی است.

**کلید واژه‌ها:** مبانی معرفت‌شناختی، فلسفه تربیت اسلامی، روش تدریس پروژه.

<sup>□</sup> - کارشناس ارشد فلسفه آموزش و پرورش

## تبیین فلسفی جهانی شدن و تاثیر آن بر چیستی تربیت با نظر به مبانی فلسفی آموزه های دینی اسلام

دکتر سوسن کشاورز<sup>۱</sup>

تغییرات رخ داده در عرصه جهانی، تأثیرات فلسفی مهمی را به دنبال داشته است. از نظر معرفت شناسی، مشکلات جهانی مثل تخریب محیط زیست و بحران های مالی موجب توجه به و بررسی بیشتر محدودیت ها و خطرهای بالقوه عقل گرایی شده است. از نظر هستی شناسی، جهانی شدن معاصر موجب ترویج برداشت متفاوتی از دنیا شده، همچنین درک متفاوتی از سرعت و تغییر شکل گرفته است. در زمینه زیبایی شناسی، جهانی شدن باعث تسهیل ظهور شکل ها و برداشت های جدید از زیبایی شده است. به نظر می رسد تحولات حاصل از پدیده ی جهانی شدن در تمامی ابعاد فلسفی هستی شناسی، معرفت شناسی و ارزش شناسی پیامدهایی را برای نظام تعلیم و تربیت به همراه داشته است. این مقاله تلاش دارد با طرح مباحث نظری، تغییرات رخ نموده در جهان معاصر را از نظر فلسفی تبیین نماید؛ سپس با نظر به مبانی هستی شناسی، معرفت شناسی و ارزش شناسی مورد نظر در آموزه های دین اسلام، چگونگی تاثیر مبانی فلسفی مطرح در وضعیت فعلی جهانی را بر چیستی تربیت مورد تحلیل قرار دهد.

**کلید واژه ها:** جهانی شدن، مبانی فلسفی، آموزه های دین اسلام، چیستی تربیت.

## فلسفه تعلیم و تربیت کودکان استثنایی با تأکید بر آموزه‌های دینی اسلام

دکتر سوسن کشاورز<sup>۱</sup>

مهدی اکبری جعفرآبادی<sup>۲</sup>

تعلیم و تربیت یک حق الهی برای انسان است که می‌باید در هر جامعه‌ای بستر تحقق آن فراهم گردد و هر یک از احاد جامعه متناظر با تفاوت‌ها و توانمندی‌های خویش، از آموزش و پرورش مناسب برخوردار گردد. از آنجایی که اصل عدالت یکی از مهم‌ترین ارزش‌های اجتماعی مورد تأکید در آموزه‌های دینی اسلام می‌باشد قطعاً اهتمام خاص به تعلیم و تربیت تمامی افراد جامعه می‌باید جز اولویت‌های نظام جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد. مطابق با آمارهای بین‌المللی، ۱۰ الی ۱۵ درصد از افراد جامعه را کسانی تشکیل می‌دهند که به لحاظ تفاوت‌های محسوس فردی نیازمند دریافت برنامه‌های آموزشی ویژه می‌باشند. کودکان استثنایی نیز گروهی از این افراد هستند که به دلیل نارسایی‌های جسمی، ذهنی و رفتاری نیازمند دریافت خدمات خاص آموزشی، پرورشی و توانبخشی می‌باشند. سیاست‌گذاری در امر تعلیم و تربیت این گروه از افراد مستلزم دارا بودن نقشه‌ی راه و معیارهای مشخص برای اعمال سازوکار مناسب می‌باشد که در هر جامعه‌ای متناظر با مبانی ارزشی و فرهنگی که به نوعی از فلسفه حاکم بر تعلیم و تربیت آن جامعه نشأت می‌گیرد این نقشه راه ترسیم می‌گردد. در همین راستا در این نوشتار تلاش شده است تا با توجه به مجموعه قضایای مدلل فلسفی در سه عرصه انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی مطرح در آموزه‌های دین اسلام، چیستی (ماهیت)، چرایی (اهداف)، شامل هشت هدف و چگونگی (اصول)، شامل هشت اصل مرتبط با تعلیم و تربیت کودکان استثنایی تبیین گردد.

**کلید واژه‌ها:** کودکان استثنایی، آموزه‌های دین اسلام، فلسفه تعلیم و تربیت.

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم، معاون وزیر و رئیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی

۲- کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت، معلم دانش آموزان استثنایی



## چالش های فراروی فلسفه تعلیم و تربیت نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با یادگیری مبتنی بر وب جهانی

مرضیه کهندل<sup>۱</sup>

جواد خزایی<sup>۲</sup>

آنچه مسلم است چالش های بسیاری فراروی نقطه برخورد فلسفه تعلیم و تربیت نظام آموزشی جمهوری اسلامی \_ که مبتنی بر سه محور فرهنگ و اندیشه اسلامی، فرهنگ ملی و آرایش فرهنگی جامعه از حیث وجود خرده فرهنگ های مختلف قومی است \_ با فلسفه تعلیم و تربیت حاکم بر فضای یادگیری مجازی و مبتنی بر وب که عموماً متأثر از فرهنگ صنعتی غرب و فلسفه پست مدرنیسم است، وجود خواهد داشت. در این مقاله سعی شده با روش تحلیلی- توصیفی نقاط اشتراک و افتراق فلسفه ی تربیتی این دو حوزه از نظر مبانی اساسی تربیت (مبانی هستی شناختی، انسان شناسی، معرفت شناسی، ارزش شناسی و دین شناسی) بررسی و مقایسه شده و چالش های موجود تبیین گردد. از جمله این چالش ها می توان به بروز مشکلاتی در زمینه ی الگو سازی، رشد تک بعدی، بحران هویتی، انتقاد به اصول، التزام به تکالیف دینی، علایق ملی و دینی و همچنین اعتیاد به اینترنت و پیامدهای آن اشاره کرد. لیکن در نهایت چون گریزی از تعامل علمی و فرهنگی با دنیای بیرون از مرزهای جغرافیایی و فرهنگی نظام آموزشی حاضر وجود ندارد، می بایست دست به اصلاح چارچوب اندیشه ی تربیتی با رویکرد تلفیقی و متأثر از اندیشه های دینی، بومی و ملی زد و معیارهایی تدوین نمود که به کمک آنها بتوان پدیده های نوظهور را در قالب اندیشه ها و فلسفه تعلیم و تربیت نظام آموزشی جمهوری اسلامی هضم، جذب و بومی کرد.

**کلید واژه ها:** فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، پست مدرن، آموزش مبتنی بر وب، رویکرد ارتباط گرایی.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی دانشگاه تربیت معلم

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی دانشگاه تربیت معلم

## چیستی فلسفه تعلیم و تربیت و ویژگی های آن؛ مروری انتقادی بر دیدگاههای رایج

معصومه کیانی<sup>□</sup>

در طول عمر کوتاه فلسفه تعلیم و تربیت، به عنوان یک رشته مستقل، رویکردهای مختلفی بر آن حاکم بوده است که عبارتند از: (۱) رویکرد استنتاجی (۲) رویکرد تحلیلی (۳) رویکرد انتقادی (۴) رویکرد هنجاری (۵) رویکرد پست مدرن. از سوی دیگر، هنوز میان اندیشمندان این حوزه نظر واحدی در باره چیستی آن وجود ندارد. یکی از تحلیل‌های ارزشمند در زمینه کارکردهایی که فلسفه تعلیم و تربیت باید داشته باشد از ویلیام فرانکنا می‌باشد. به نظر وی با توجه به کارکردهای کلی فلسفه شامل (۱) کارکرد نظری (۲) کارکرد هنجاری و (۳) کارکرد تحلیلی، فلسفه تعلیم و تربیت، بخش‌های نظری، هنجاری و تحلیلی خواهد داشت. در این میان، فلسفه‌های تربیتی نظری و هنجاری، به «فرآیند» تعلیم و تربیت و فلسفه تربیت تحلیلی به «رشته» تعلیم و تربیت ناظر خواهد بود. این مقاله با مروری انتقادی به طیف رویکردها و دیدگاه‌ها در باره ماهیت فلسفه تعلیم و تربیت، اهداف و وظایف آن را چنین فهرست نموده است: (۱) پردازش نظریه‌های کلان درباره تربیت به شیوه‌ای مستدل و عقلانی (۲) مشارکت در فرآیند پردازش نظریه‌های خرد تربیتی (۳) نقش آفرینی در ترکیب نظریه‌های خرد تربیتی برای ارائه تصویری کلی و هماهنگ از جریان تربیت و نحوه هدایت آن (۴) ارائه فرآیند تربیت (۵) ارائه مبانی نظری (فلسفی و تربیتی) مستدل و استوار برای طراحی تحقیقات کاربردی و نقد و تفسیر تحقیقات انجام یافته (۶) کمک به کارگزاران جریان تربیت در همه سطوح برای ایفای نقش خود به عنوان کارگزار فکور.

**کلید واژه‌ها:** فلسفه تعلیم و تربیت، تعریف، وظایف، کارکردها، رویکردها.

<sup>□</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه تربیت مدرس

## فلسفه تعلیم و تربیت؛ ابهام در مفهوم، آشفتگی در موضوعات

علی لطیفی<sup>□</sup>

فلسفه تعلیم و تربیت یکی از مهم‌ترین رشته‌ها و مواد درسی نظری در رشته‌ی علوم تربیتی است که علی‌رغم نظری بودن، تأثیرات فراوانی در تحولات تربیتی داشته و دارد. افزون بر آن، در طول تاریخ حیات بشری، فلسفه یکی از زمینه‌های اساسی طرح دیدگاه‌های تربیتی اندیشمندان بوده و این نکته، وابستگی فلسفه و تربیت را بیشتر می‌نماید. از همین رو، تحوّل در هر یک از این دو حوزه، علاوه بر آن‌که در حوزه‌ی دیگر نیز اثرگذار بوده است، باعث تغییر در معنای مورد نظر «فلسفه‌ی تعلیم و تربیت» نیز گشته است. دیگر عامل تأثیرگذار در تغییر و تنوع معنای عنوان «فلسفه‌ی تعلیم و تربیت»، زمینه‌های زبانی و فرهنگی ویژه‌ای است که این اصطلاح، در آنها به کار برده می‌شود. این مقاله با بررسی تحلیلی تلقی‌های مختلف از دو عنوان «فلسفه» و «تربیت» با توجه به تحولات تاریخی این دو حوزه و برداشت‌های متفاوت فرهنگی از این دو عنوان، نشان می‌دهد که چگونه این تحولات معنایی و برداشت‌های فرهنگی باعث پدید آمدن ابهام در مفهوم واژه‌ی «فلسفه‌ی تعلیم و تربیت» و در نتیجه، آشفتگی در موضوعات و مسائل مورد بحث این رشته‌ی نظری شده است و از همین رو، به پژوهشگران این رشته پیشنهاد مینماید با تأمل دربارهی مسائل و پرسش‌های پژوهشی خود و جایگاه آنها در این رشته، بر روشنی و ثمربخشی هرچه بیشتر تحقیقات خود بیفزایند.

**کلید واژه‌ها:** فلسفه، تعلیم و تربیت، فلسفه‌ی تعلیم و تربیت، فلسفه‌ی آموزش و پرورش، پداگوژی.

<sup>□</sup> - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

## فلسفه اخلاق فمینیستی و دلالت های تربیتی آن

دکتر شهناز محمدی<sup>□</sup>

فمینیسم نام جنبشی است که در دهه ی چهل قرن نوزده برای بازسازی ساختار و روابط اجتماعی به وجود آمده و بعد به جنبش حق رأی تبدیل شد و تا تحقق نظریه ای تحت عنوان طرفداری از زن و مبارزه با هرگونه ستم و تبعیض علیه زنان پیش رفت و به مصوبه ی قانونی برای احقاق حقوق زنان دست یافت. هدف این پژوهش، شناخت فلسفه اخلاق فمینیستی و بررسی معیار اخلاقی بودن اعمال و رفتار انسانی در این رویکرد و پیامدهای تربیتی آن است. این تحقیق به طرح و توضیح بنیادهای فلسفی فمینیسم و راهبردهای اخلاقی آن در حوزه ی تعلیم و تربیت می پردازد. در این رابطه، سه مرحله تحولات فمینیستی در سده ی اخیر با تحولات دوره ای و ویژگی های خاص آن مورد بررسی قرار گرفته است. شیوه ی پژوهش از نوع بنیادی است که به تبیین و تحلیل نظریه های مربوط می پردازد. سؤال های پژوهش شامل این هاست: "مبانی فلسفی اندیشه های فمینیستی چیست؟" و "دلالت های تربیتی فلسفه اخلاق فمینیستی چه می باشد؟" مبانی و دلالت های تربیتی فلسفه اخلاق در این دیدگاه، با توجه به گرایش های مختلف مارکسیستی، لیبرالیستی، رادیکالیستی، اگزستانسیالیستی و پست مدرنیستی در آن، یکدست نیست بلکه نیازمند تبیین و تحلیل، بر حسب هر یک از این گرایشهاست.

**کلید واژه ها:** فمینیسم، فلسفه اخلاق، دلالت های تربیتی، مبانی.

<sup>□</sup> - عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم

## پارادایم پیچیدگی و فلسفه تعلیم و تربیت

رضا محمدی چابکی<sup>□</sup>

هدف اصلی این مقاله بررسی «پیچیدگی» به مثابه پارادایمی جایگزین برای پارادایم نیوتنی علم و تأثیرات آن در حوزه ی فلسفه تعلیم و تربیت است. پارادایم پیچیدگی عبارت است از الگوی عمومی جدیدی برای علم که تحت تأثیر تحولات قرن بیستم در علوم پایه‌ای همچون ریاضیات، فیزیک و زیست‌شناسی پدیدآمده و دگرگونی‌های بسیاری را در نحوه نگرش انسان به جهان و محیط پیرامونش و روش اندیشیدن و تفکر او ایجاد کرده است. از وجوه تمایز این پارادایم با پارادایم غالب علم در سده‌های گذشته که همان دیدگاه مکانیستی و قطعیت‌گرا بوده است، می‌توان به کل‌گرایی، عدم قطعیت، غیرخطی بودن، خود سازمان‌دهی و نوپدیدی یا نوظهوری اشاره کرد. این نحوه نگرش با ایجاد تحولاتی در فلسفه و روش‌شناسی علم و انسان‌شناسی، موجب گسترش رویکردهای بدیلی در تمام حوزه‌های علوم انسانی از جمله علوم تربیتی شده است. مقاله حاضر بر آن است تا به مطالعه تغییرات حاصل از این پارادایم در یکی از بنیادی‌ترین بخش‌های علوم تربیتی یعنی فلسفه تعلیم و تربیت پرداخته و چالش‌های برآمده از این تغییرات را مورد بررسی قرار دهد.

**کلید واژه‌ها:** پیچیدگی، کل‌گرایی، عدم قطعیت، نوپدیدی، فلسفه تعلیم و تربیت.

---

<sup>□</sup> - دانشجوی دوره دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه فردوسی مشهد

## جرگن‌های اصلی در تعلیم و تربیت انتقادی

رضا محمدی چاپکی<sup>□</sup>

هدف اصلی این مقاله بررسی جریان‌های اصلی در تعلیم و تربیت انتقادی است. تعلیم و تربیت انتقادی یک از مهم‌ترین رویکردهای معاصر در تعلیم و تربیت است که مبتنی بر اندیشه‌ها و نظریات انتقادی مکتب فرانکفورت در حوزه‌ی علوم اجتماعی و انسانی بوده و بر ارتباط وثیق میان نهاد آموزش و پرورش با دیگر نهادهای اجتماعی و سیاسی تأکید دارد. اگرچه بیش از چند دهه از عمر این رویکرد نمی‌گذرد، اما رشد وسیع این‌گونه تفکرات در تعلیم و تربیت معاصر نشان از اهمیت و تأثیرگذاری آن در برخی نقاط جهان داشته است. به‌طور کلی در این مقاله سعی شده است تا با بررسی آثار اصلی اندیشمندان مهم این رویکرد و معرفی آن‌ها در سه جریان اصلی به مرور اجمالی دیدگاه‌های اساسی این رویکرد بپردازیم. این سه جریان اصلی عبارتند از نظریه‌های انقلابی، نظریه‌های بازتولید، و نظریه‌های مقاومت.

**کلید واژه‌ها:** مکتب فرانکفورت، تعلیم و تربیت انتقادی، نظریه‌های انقلابی، نظریه‌های بازتولید، نظریه‌های مقاومت.

<sup>□</sup> - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه فردوسی مشهد

## بررسی محدودیت‌های استنتاج دلالت‌های تربیتی از آرای فلسفی مکاتب در فلسفه تعلیم و تربیت

دکتر علیرضا محمودنیا<sup>□</sup>

فلسفه‌ی تعلیم و تربیت یکی از حوزه‌های دانش بشری است که پیشینه‌ای بلند و تاریخچه‌ای کوتاه دارد: پیشینه‌ای که به ثمرات تربیتی افلاطون در پنج قرن پیش از میلاد باز می‌گردد و تاریخچه‌ای کوتاه که در ظهور فلسفه تعلیم و تربیت چون رشته‌ای علمی مربوط می‌شود. تلاش برای تبیین، تعریف و تعیین قلمروی فلسفه‌ی تعلیم و تربیت به دیدگاه‌های مختلف انجامیده و رویکردهایی گوناگون را در پی داشته‌است. رویکرد استنتاجی، فلسفه را مبنایی برای عمل تربیتی می‌داند. فلسفه در این رویکرد، گزاره‌های متافیزیکی، شناخت‌شناسی و ارزش‌شناسی را فراهم می‌آورد و فلسفه‌ی تعلیم و تربیت نیز استنتاج دلالت‌های تربیتی از گزاره‌های مذکور است. در این مقاله سعی شده است محدودیت‌های استنتاج دلالت تربیتی از آرای فلسفی بررسی شود. بدین منظور، مفروضات رویکرد مذکور مورد بررسی قرار گرفته و محدودیت‌های استنتاج دلالت‌های تربیتی از سه لحاظ تحلیل و بررسی شده‌است: استنتاج اهداف آموزش و پرورش، استنتاج مواد و موضوعات درسی، و استنتاج روش‌های یادگیری و تدریس. بررسی‌ها و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد: رویکرد استنتاجی دارای محدودیت‌هایی است زیرا بین مسائل فلسفی و مباحث تربیتی تفاوت وجود دارد؛ لذا مباحث آموزش و پرورش را نمی‌توان تنها بر مبنای گزاره‌های فلسفی (متافیزیک، شناخت‌شناسی و ارزش‌شناسی) تبیین و تجویز کرد.

**کلید واژه‌ها:** مکاتب فلسفی، رویکرد استنتاجی، محدودیت‌ها، فلسفه‌ی تعلیم و تربیت.

<sup>□</sup> - عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم تهران

## نقش زمان در تعلیم و تربیت و استنتاج دلالت های تربیتی آن از دیدگاه اسلام

دکتر علیرضا محمودنیا<sup>□</sup>دکتر شهناز محمدی<sup>□</sup>اکرم فلاحی<sup>□</sup>

در این تحقیق به بررسی نقش زمان در تعلیم و تربیت و استنتاج دلالت های تربیتی آن با تأکید بر دیدگاه اسلام پرداخته شده است. روش مورد استفاده در این پایان نامه توصیفی-تحلیلی می باشد. در این روش با استفاده از محتوای اسناد، کتب، مقالات علمی، دینی و پایان نامه ها ابعاد و جوانب مختلف موضوع، مورد توصیف و تحلیل و سپس با توجه به محورهای مورد بحث، دلالت های تربیتی آن مورد استدلال و استنتاج قرار گرفته است. اهداف این پژوهش عبارتند از: ۱- توصیف ابعاد و زوایای مختلف مفهوم زمان ۲- شناسایی مفاهیم زمان (مراحل و مقاطع) از دیدگاه آموزه های دین اسلام (قرآن و نهج البلاغه) ۳- استنتاج برخی از دلالت های تربیتی با استناد بر مفاهیم شناسایی شده مربوط به زمان در آموزه های اسلام. برای بررسی مفهوم زمان، دیدگاه تعدادی از فلاسفه ی غرب و مسلمان و همچنین روان شناسان و فلاسفه تعلیم و تربیت در مورد زمان و اهمیت آن در تربیت بیان شده و سپس مفاهیمی از آموزه های دین اسلام که به طور آشکار و ضمنی به مفهوم زمان (مراحل و مقاطع) دلالت داشته استخراج شده است. این مفاهیم عبارتند از: عبرت، دنیا، فرصت، معاد، مرگ، انتظار و تدبیر در امور. دلالت های تربیتی استخراج شده از آموزه های مطرح شده در متن تحقیق عبارتند از: الف) اهداف: دستیابی به قرب الهی (ب) اصول: اغتنام فرصت (ج) روش: عبرت آموزی.

**کلید واژه ها:** زمان، مراحل، مقاطع، تعلیم و تربیت، اسلام، اغتنام فرصت.

<sup>□</sup> - عضویات علمی دانشگاه تربیت معلم

<sup>□</sup> - عضویات علمی دانشگاه تربیت معلم

<sup>□</sup> - کارشناس ارشد دانشگاه تربیت معلم



## پژوهشی درباره مفهوم و اهداف تربیت از دیدگاه ملاصدرا با تاکید بر حوزه معرفتشناسی

نورالدین محمودی<sup>۱</sup>

ملاصدرا بنیانگذار حکمت متعالیه به عنوان فیلسوفی که در فرهنگ ایران رشد و نضج یافته، دیدگاهی ویژه به انسان دارد و دارای نظریات نو و خلاقانه ای است که می تواند پاسخگوی بسیاری از مسائل تربیتی کنونی باشد. هدف از این تحقیق، بررسی مبانی معرفت شناسی از دیدگاه ملاصدرا و استنباط دلالت های تربیتی در حوزه اهداف، اصول و روش برای تعلیم و تربیت می باشد. در این پژوهش با رویکردی تربیتی به فلسفه ملاصدرا در حوزه ی معرفت شناسی پرداخته شده است. در این راستا برای رسیدن به هدف از روش تحلیلی- استنباطی بهره گرفته شد که در بخش استنباطی برای استخراج دلالت های تربیتی الگوی فرانکنا مورد استفاده قرار گرفت. در بخش یافته ها با توجه به مبانی معرفت شناسی ملاصدرا در هفت مبنای ۱. مساوقت علم و وجود ۲. اتحاد عالم با معلوم ۳. پویایی شناخت انسان ۴. وجود ذهنی ۵. عوالم انسان ۶. عالم خیال ۷. خیال فرارونده و خیال انحطاطی، اهداف غایی تشبه به باری تعالی، حیات طیبه، کمال، خیر یا سعادت، کسب نور معرفت به عنوان اهداف غایی استنباط شدند. متناظر با این اهداف، اهداف واسطی کمک به خودشکوفایی و تحقق خویشن متربیان، توجه به تفاوت های فردی در تعلیم و تربیت، توجه به شتاب تحول انسان، مهار تمایلات درونی دانش آموزان و متربیان و ارتقای درک متربیان استنباط شدند.

**کلید واژه ها:** ملاصدرا، معرفت شناسی، تعلیم و تربیت، اهداف، اصول و روش.

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران

## دیدگاه فلسفی سهروردی و پیامدهای تربیتی آن

مریم مرادی<sup>□</sup>

این مقاله در مورد سهروردی، یکی از فیلسوفان و بنیان حکمت اشراق که فلسفه ی او مبتنی بر پایه ی نور است، می باشد. در واقع او با استفاده از نبوغ سرشار خود و نیز با تلفیق حکمت های ایران باستان، یونان قدیم، حکمت مشاء، عرفان و از همه مهم تر قرآن کریم و روایات دینی، نظام منسجم فلسفی ای را به وجود آورد که متضمن قابلیت هایی برای پردازش یک نظام فلسفی تعلیم و تربیت می باشد. بر این اساس، سعی شده است که در مورد زندگی، آثار، سیر تحولات فکری و دیدگاه های فلسفی سهروردی که شامل نظام فلسفی (هستی شناسی، خداشناسی، انسان شناسی، معرفت شناسی و اخلاق) است، بررسی، و دلالت های آن در مورد عناصر یک نظام تربیتی از جمله اهداف غایی و واسطی، مبانی، اصول، روش ها، مراحل تربیت و نیز محتوا، برنامه ی درسی، ارزشیابی، ویژگی های مرتبی، وظایف مرتبی، اهمیت و قداست تعلیم و تربیت در نظام فلسفی او اخذ گردد. سپس، نفوذ و تأثیر اندیشه ی وی در جهان اسلام و غرب مورد ملاحظه قرار گیرد.

**کلید واژه ها:** سهروردی، فلسفه اشراق، معرفت شناسی، علم حصولی، علم حضوری.

<sup>□</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه تهران

## ارزیابی برنامه درسی کتاب دین و زندگی سال دوم دوره متوسطه بر پایه رویکرد عقلانی در تربیت دینی از دیدگاه صاحب نظران و کارشناسان

مریم مرندی<sup>۱</sup>

علی ایمان زاده<sup>۲</sup>

علی اصغر ایمان زاده<sup>۳</sup>

در این پژوهش، شاخص های رویکرد عقلانی در تربیت دینی (تفکر، کاربرد روش نقادانه، روش تجربه اندوزی و پرهیز از شخصیت زدگی) و در عناصر برنامه درسی (اهداف، محتوا، راهبردهای یاددهی و یادگیری و روش ارزشیابی) به طور جداگانه بررسی شده است. در ادامه، دیدگاه صاحب نظران که با پرسش نامه جمع آوری شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. ابزار تحقیق، پرسش نامه‌ای محقق ساخته است که شامل ۲۸ سوال چهار پاسخی است. نظر به اینکه در این پژوهش آگاهی از دیدگاه صاحب نظران درباره ی میزان انطباق عناصر کتاب درسی "دین و زندگی (۲)" با شاخص های استنتاجی رویکرد عقلانی در تربیت دینی مد نظر است و همچنین به دلیل برابری جامعه ی آماری با نمونه ی آماری، از آمار توصیفی، از قبیل اندازه گیری موقعیت نسبی همچون فراوانی، درصد فراوانی و میانگین و مقیاس لیکرت نیز که طیف بندی پاسخ ها میان ۱ تا ۵ را در بر دارد استفاده شده است. در این کتاب درسی برای هدف، امتیاز ۲/۹۲، برای محتوا ۳/۳۵، برای راهبرد های یاددهی و یادگیری ۳/۲۱ و برای شیوه های ارزشیابی ۲/۶۳ محاسبه شد. می توان گفت که میزان کار برد این شاخص ها در همه ی عناصر برنامه ی درسی نسبتا مطلوب بوده، اما عناصر ارزشیابی و اهداف باید مورد تجدید نظر قرار گیرد.

**کلید واژه‌ها:** برنامه درسی، رویکرد عقلانی، تربیت، تربیت دینی، کتاب دین و زندگی.

<sup>۱</sup> - کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی و مدرس دانشگاه ملایر

<sup>۲</sup> - استادیار دانشگاه ملایر و دکتری فلسفه تعلیم و تربیت

<sup>۳</sup> - کارشناس ارشد علوم تربیتی

## مفهوم فلسفی نابرابری فرصت های آموزشی

دکتر یحیی معروفی<sup>□</sup>

دکتر محمدرضا یوسفزاده<sup>□</sup>

نابرابری فرصت های آموزشی از ابعاد مختلف جامعه شناختی، روانشناختی، سیاسی، اقتصادی، فلسفی و ایدئولوژیکی قابل بررسی است. عدالت در فلسفه به معنای اعطای حق هر صاحب حقی به او و عدالت آموزشی به معنی پرورش حس عدالت خواهی و عدالت جویی است. بر این اساس می توان گفت، نابرابری فرصت های آموزشی به معنی ناتوانی در برقراری عدالت آموزشی است. شاید بتوان ریشه ی بسیاری از نابرابری های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را در نابرابری فلسفی جستجو کرد. در طول تاریخ، افراد و نهضت های رهایی بخش زیادی از زبان عدالت برای تبیین نابرابری ها استفاده کرده اند. اغلب این افراد و نهضت ها، بر چهار اصل اساسی نابرابری به شرح زیر تاکید کرده اند: ۱- نابرابری رسمی یا آشکار، یعنی عدم برخورد یکسان با افرادی که حداقل در یک زمینه خاص جایگاه یکسانی دارند. ۲- نابرابری نسبی، یعنی فراهم نشدن امکانات و فرصت ها متناسب با استعداد و توانایی افراد. ۳- نابرابری اخلاقی، یعنی بی توجهی به یکسان بودن طبیعت و فطرت انسان ها در آفرینش و تبعیض قائل شدن بین آنها. ۴- نابرابری در تحقق آرمان ها، یعنی فراهم نشدن حداقل های رفاهی لازم برای شهروندان جامعه. در این مقاله تلاش خواهد شد، ضمن تبیین مفهوم فلسفی نابرابری فرصت های آموزشی، اصول چهارگانه فوق به تفصیل مورد بحث و واکاوی قرار گیرند و سپس پیشنهاد های کاربردی بر مبنای این اصول در نظام تعلیم و تربیت کشور ارائه شود.

**کلید واژه ها:** مفهوم فلسفی نابرابری، فرصت های آموزشی، اصول نابرابری.

<sup>□</sup> - استادیار دانشگاه بوعلی سینا

<sup>□</sup> - استادیار دانشگاه بوعلی سینا

## دیدگاه فلسفی پایه گذار آموزش و پرورش فراگیر

دکتر نعمت اله موسی پور<sup>□</sup>  
معصومه السادات ابطحی

تجربیات مربوط به ساختارهای مختلف آموزش و پرورش استثنایی، متخصصان را به این نتیجه رساند که آموزش مجزا که در آن افراد بر اساس ویژگی های مختلف همانند معلولیت ها، طبقه بندی می شوند و تحت آموزش های ویژه و جدا از همسالان خود قرار می گیرند نتوانسته است پاسخگوی بسیاری از نیازهای واقعی این افراد به عنوان عضوی از اعضای یک جامعه ی انسانی باشد. فراگیر سازی در آموزش و پرورش معلولین بر این نکته تأکید می کند که دانش آموزان برغم تفاوت های ظاهری از نظر اموری چون هوش، نژاد و رنگ، باید در کنار یکدیگر در فعالیت های مدرسه شرکت کنند و با ایجاد بهسازی در محیط و توانمند نمودن معلمان و متناسب سازی محیط مدارس، فرصت تعامل و همدلی و مشارکت بین افراد معلول با جامعه سالم بیش از پیش فراهم شود. زیربنای فلسفی طرد هر گونه تفاوت گذاری در جامعه را می توان در رویکرد پست مدرن ملاحظه نمود که معتقدند مدرسه نیز باید نمایی از جامعه باشد. مقاله ی حاضر به بررسی دیدگاه های فلسفی مربوط به آموزش فراگیر می پردازد و تأثیر این نظام فلسفی آموزشی در جامعه را مورد توجه قرار می دهد.

**کلید واژه ها:** پست مدرنیسم، مبانی فلسفی، رویکرد فراگیرسازی، دیدگاه انسان گرایانه، جهانی شدن.

<sup>□</sup> - عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان (مأمور در پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)

## چگونه پژوهش ترکیبی در عرصه مطالعات برنامه درسی معنا می یابد؟

دکتر نعمت الله موسی پور<sup>□</sup>

بهارک اعظمی<sup>□</sup>

مریم صفرنواده<sup>□</sup>

رواج دیدگاه های ضد بنیادگرایانه در معرفت شناسی طی دهه های اخیر، تاکید بر چشم انداز باوری در تفسیر و پایان یافتن دوران فراروایت ها، داعیه ی برتری محض عقلانیت آدمی را در خصوص جستجوی حقیقت، به شدت زیر سوال برد و تولد دیدگاه های ضداثبات گرایانه، مبانی روش شناسی علوم را متحول کرد؛ که از دستاوردهای آن رویکردهای کیفی در عرصه پژوهش های علوم انسانی بود که منجر به تغییر هدف پژوهش از «تبیین» (در پژوهش کمی) به «فهم» (در پژوهش کیفی) گردید. تقابل معرفت شناسی اثبات گرا با مابعداثباتگرا و مباحث برتری یکی از رویکردهای پژوهش بر دیگری، منجر به شکل گیری نوع جدیدی از پژوهش تحت عنوان «پژوهش ترکیبی» شده است. طی چند سال اخیر عنایت گسترده پژوهشگران به پژوهش های ترکیبی به موضوعی بحث برانگیز در عرصه روش شناسی مطالعات تعلیم و تربیت تبدیل شده و پرسش هایی از این دست را دامن زده است:

- آیا دو رویکرد پژوهش کمی و کیفی با بنیان های فلسفی کاملا متفاوت، قابلیت ترکیب دارند؟

- آیا نتایج پژوهش های ترکیبی متضمن نوعی پارادوکس معنایی و ماهوی هستند؟

- پژوهش ترکیبی با چه معنایی در مطالعات برنامه درسی قابل طرح است؟

در این مقاله پس از بررسی مبانی فلسفی پژوهش کمی و کیفی از بعد معرفت شناسی و هستی شناسی، تلاش خواهد شد تا به ایضاح و تبیین امکان و یا عدم امکان تحقق «روش پژوهش ترکیبی» و کاربرد این روش در عرصه ی مطالعات برنامه درسی پرداخته شود.

**کلید واژه ها:** رویکرد، پژوهش کمی، پژوهش کیفی، پژوهش ترکیبی، پژوهش برنامه درسی.

<sup>□</sup> عضو هیات علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان (مامور در پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)

<sup>□</sup> دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه تربیت معلم

<sup>□</sup> دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه علامه طباطبایی

## تبیین معرفت‌شناسی شیخ اشراق و استنتاج آموزه‌های تربیتی آن

زینب مهدوی<sup>□</sup>دکتر محسن فرمهینی فراهانی<sup>□</sup>سونیا خدابخش کهرلایی<sup>□</sup>

تعریفی که برای حکمت اشراق کرده اند در این حدود است که حکمت ذوقی را در برابر حکمت بحثی قرار داده اند. بنیاد معرفت‌شناسی فلسفه ی اشراق، به ویژه شهاب الدین سهروردی، بر مبنای دیدگاه ی عرفانی است. در عرفان مهم ترین و بهترین وسیله ی شناخت و کسب دانش حقیقی، شهود و دل است که بالاترین دانشی است که فرد می تواند به آن دسترسی یابد. دانشی که نورش خیره کننده و با شکوه است. اما پیش از آن، سرآمد شدن در حکمت و معرفت بحثی که همان عقل و استدلال است، مهم می باشد. از نظر سهروردی حکیم واقعی در هر دو کامل است. در حوزه تعلیم و تربیت، فراگیر ، ابتدا از طریق حواس به شناخت می رسد و سپس در مراحل بالاتر بر اساس قدرت تفکر و استدلال معرفت کسب می کند. بر همین اساس شیخ اشراق معتقد است، هر کسی می تواند بنا بر کوشش خویش نور معرفت را در دل خود بتاباند. در این پژوهش، معرفت‌شناسی و نقش فلسفه تعلیم و تربیت مورد بررسی قرار گرفت. برای فهم و درک حقیقت جهان، خود و در نهایت خدا کسب دانش ضروری است. این ضرورت گواه ارتباط دو سویه و تنگاتنگ شناخت‌شناسی با تعلیم و تربیت است. آموزه های مکتب اشراقی در قالب اهداف، اصول و روش برده شد. مهم ترین اهداف اشراق عبارت اند از: کسب معرفت شهودی، ربوبی شدن، پالایش درونی و پاک‌ی. هر کدام از این اهداف مشتمل بر اصول و روش هایی است. روش تحقیق حاضر کیفی، از نوع تحلیلی- استنتاجی است که با استفاده از آن تحلیل اندیشه های سهروردی انجام شده و از حکمت اشراقی او آموزه های تربیتی اش استخراج گردید.

**کلید واژه‌ها:** معرفت‌شناسی، فلسفه اشراق، تعلیم و تربیت، استنتاج.

<sup>□</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شاهد

<sup>□</sup> - استادیار دانشگاه شاهد

<sup>□</sup> - کارشناس ارشد تعلیم و تربیت و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی

## تعلیم و تربیت و فلسفه ورزشی

فرانک مهرگان<sup>□</sup>

این مقاله به نقش تعلیم و تربیت در پرورش تفکر و تفکر فلسفی می پردازد و چگونگی برنامه درسی فلسفه برای کودکان و اهداف آن را بررسی می کند. برای این منظور روش پژوهش سندی - تحلیلی و تجزیه و تحلیل داده ها بر اساس روش جرج زفاف بردی و تحلیل محتوا انتخاب شده است. تعلیم و تربیت، تلاش همیشگی بشر برای پرورش استعدادهای فطری و تحقق انسان والا در سیر به سوی کمال است؛ فرایندی خردورزانه و اخلاقی که می تواند فرد را به یاری اندیشه ای مستدل، تفکری متعهد و توشه ای از تجربیات ارزنده در عرصه ی هستی به رشد و تعالی برساند تا معنای وجودی خویش را بیافریند. آموزش و پرورشی که با فلسفه ورزشی همراه باشد، به فراگیران، خود اندیشی، تفکر خلاق، تفکر انتقادی و مسئولیت پذیری را می آموزد و استقلال و مدارای فکری، کشف معانی، درک مفاهیم، تعامل و تبادل فکری و رفتاری، خود تصحیحی را در کندوکاو گروهی هدف قرار داده و تجربه های فردی و جمعی را پیوند می زند؛ همان اهدافی که برنامه درسی فلسفه برای کودکان و نوجوانان دنبال می کند.

**کلید واژه ها:** فلسفه برای کودکان، فلسفه ورزشی، تفکر انتقادی، تفکر خلاق، تفکر مسئولانه، کندوکاو گروهی.

---

<sup>□</sup> - کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت



## مطالعات میان رشته‌ای و نیاز به زبان مشترک:

### بررسی جایگاه فلسفه تعلیم و تربیت در روش‌شناسی مطالعات میان رشته‌ای

دکتر محمدحسن میرزاحمدی<sup>□</sup>

علی صحبت‌لو<sup>□</sup>

با توجه به اینکه علوم مختلف هر کدام دارای روش‌شناسی متفاوتی هستند، ترکیب دروس و رشته‌های دانش‌های مختلف بشری، وحدت روش‌شناسی در علوم میان رشته‌ای را ضروری ساخته است. ایجاد همکاری میان متخصصان در اجرای فعالیتهای مشترک علمی و ترکیب دانش‌های آنان نیاز به یک روش‌شناسی مشترک دارد. در این میان، رسالت فلسفه تعلیم و تربیت این است که میان علوم مختلف در روش‌شناسی وحدت ایجاد کند. مقاله حاضر با هدف بررسی جایگاه فلسفه تعلیم و تربیت در روش‌شناسی مطالعات میان رشته‌ای نگاشته شده و این کار با استفاده از روش تحلیل اسنادی انجام گرفته است. سعی بر آن بوده است که با بررسی منابع و مراجع مرتبط، نقش فلسفه تعلیم و تربیت در فراهم آوردن زبان مشترک برای برقراری هماهنگی بین رشته‌های مختلف روشن سازد.

**کلیدواژه‌ها:** فلسفه تعلیم و تربیت، روش‌شناسی، مطالعات میان رشته‌ای، زبان مشترک.

---

<sup>□</sup> - استادیار دانشگاه شاهد تهران

<sup>□</sup> - کارشناس ارشد تاریخ و آموزش و پرورش

## بررسی جهت گیری فلسفی معلمان بزرگسال

دکتر محمد حسن میرزا محمدی<sup>۱</sup>

طاهره ظفری پور<sup>۲</sup>

پرداختن به زمینه های فلسفی در نظام آموزش بزرگسالان به عنوان یکی از بخش های غیر رسمی در نظام آموزش ملی در هر کشوری یکی از ماموریت های مهم رشته ی فلسفه تعلیم و تربیت است. بر این اساس، در مقاله حاضر پس از بیان اهمیت و جایگاه آموزش بزرگسالان، نقش مربیان در این نوع آموزش معرفی شده است. سپس این موضوع مطرح شده که آیا مربیان آموزش بزرگسالان به فلسفه آموزش بزرگسالان نیاز دارند؟ در بخش بعد جهت گیری های عمده ی فلسفی مربیان آموزش بزرگسالان معرفی و نمونه ای در این زمینه ارائه شده است. در این قسمت، این موضوع مهم مطرح شده که مربی لازم است که خود به بنای یک فلسفه برای عمل تربیتی اش اقدام نماید. در بخش پایانی مقاله، الگوی مناسب فلسفه ی تربیتی مربیان آموزش بزرگسالان شامل مولفه های مبانی، اصول، اهداف و رویکردهای آموزشی بزرگسالان پیشنهاد شده است. این الگو می تواند چارچوب مناسبی فراهم آورد تا مربی بتواند تفسیر مناسبی از مولفه های آموزش بزرگسالان شامل هدف فراگیری، برنامه ی درسی و فرآیند یادگیری ارائه نموده و نقش خویش را در این فرآیند بازشناسی کند.

**کلید واژه ها:** آموزش بزرگسالان، مربیان، جهت گیری های فلسفی، الگو.

۱- استادیار و مدیر گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شاهد

## جایگاه هنر و زیبایی شناسی در تربیت دینی

رضا میرعرب رضی

نامدار ابراهیمی

رحمت الله خسروی

محبوبه فنا خسرو

هدف مقاله بررسی جایگاه تربیت دینی مبتنی بر احساس، هنر و تجربه زیبایی شناختی در تعلیم و تربیت است. همچنین این مقاله بر آن است کفایت و صلاحیت زیبایی شناسی را در فضای تربیت دینی بررسی کند و مزایا و چالش‌هایی را که اینگونه از تربیت ایجاد می‌کند، مد نظر قرار داده است. زیبایی و امر زیبا در شمار مفاهیم کهن اند؛ با این حال، تحول عمده در این مفهوم در دوران جدید رخ داد؛ به این معنا که اگر در گذشته زیبایی در مفهوم نظم و هماهنگی طبیعی و تعادل اخلاقی بود، در دوران مدرن به ویژه پس از تاملات زیبایی شناختی کانت، این مفهوم یکسره دگرگون شد و ذوق، حس و تجربه زیبایی شناختی محور تفکرات فیلسوفانه قرار گرفت. پژوهش حاضر در پی پرداختن به زیبایی شناسی و خلاقیت هنری در قالب تربیت دینی است؛ حوزه‌ای که به رغم اهمیت والای آن، غیبتی محسوس و ملموس در آثار تربیتی و پژوهش‌های آموزشی ما دارد. در پایان، علاوه بر ذکر مصادیق و جلوه‌های زیبایی شناختی تربیت دینی، به ارائه چارچوبی برای اعمال تجربه زیبایی شناختی در تربیت دینی پرداخته شده است.

**کلید واژه‌ها:** تربیت دینی، هنر، زیبایی شناسی، برنامه درسی.

- 
- - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت مدرس
  - - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت مدرس
  - - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت مدرس
  - - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت مدرس

## صورت بندی فلسفه تعلیم و تربیت بر اساس دیدگاه فلسفی حکیم مسلمان کندی

فرخ نادری بنی<sup>۱</sup>  
الیاس طادی بنی<sup>۲</sup>

در این مقاله از فیلسوف مسلمانی سخن خواهیم گفت که به فیلسوف عرب مشهور است. کندی در نهضت ترجمه، آثار فلسفه یونان را به زبان عربی ترجمه کرد و از این طریق با فلسفه یونان آشنا شد. از این جهت وی را بانی ترجمه های اسلامی میدانند. آثار فلسفی او در میان مردم زمان خودش خیلی مؤثر نبود، حتی تاریخ ولادت و وفات او دقیقاً مشخص نیست و نویسندگان تاریخ فلسفه در حق او قصور ورزیده اند. در این مقاله شرح کوتاهی از زندگی و سیر تحولات فکری کندی ارائه خواهیم داد، سپس با مروری بر آثار مهم و برجسته وی نظام فلسفی این فیلسوف را بررسی خواهیم نمود و مؤلفه های تربیتی او را پژوهش نموده و نفوذ و تأثیر اندیشه های کندی را در جهان اسلام و غرب تبیین خواهیم کرد و در نهایت پیامدهای مبانی فلسفی کندی در تعلیم و تربیت را بیان خواهیم نمود.

**کلید واژه ها:** کندی، سازگاری میان دین و فلسفه، نظام فلسفی، معتزله، فلسفه اولی، پیامدهای تربیت.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه تهران  
۲- کارشناس امور تعاون سازمان آموزش و پرورش استان چهارمحال و بختیاری

## فلسفه تعلیم و تربیت به مثابه تحلیل زبان

دکتر شمسی نامی<sup>□</sup>

در تکوین و تحول فلسفه تحلیلی از حیث تاریخی، چهار نوع نگرش مطرح شده است: فلسفه تحلیلی، فلسفه زبانی، فلسفه به منزله تحقیق درجه دو و بالاخره فلسفه ای مرکب از فلسفه تحلیلی و جست و جوی کلیت. در فلسفه تحلیلی اعتقاد بر این است که اغلب مسائل فلسفی در نتیجه ابهام در مفاهیم و جملات و در نتیجه برداشت های گوناگون از عقاید و اندیشه ها به وجود آمده و این مسائل لاینحل در فلسفی هنگامی به وجود می آیند که کاربرد زبان مورد بی توجهی واقع شود، زیرا فهم غلط زبان پایه مسائل است، با وجود آن که سنت تحلیلی از اوایل قرن بیستم شروع به تعیین قلمرو خود در حوزه فلسفه کرده و در اواسط قرن، حکومت مطلق در دنیای فلسفه را به دست گرفته و انگاره فلسفه را دگرگون کرده، اما پس از گذشت چندی، ذهن نقاد فیلسوفان، قلمرو این رویکرد را نیز مورد تاخت و تاز قرار داده و از اواسط دهه ۱۹۸۰ سنت تحلیلی از مناظر گوناگون مورد نقد قرار گرفته و حکومت این سنت بر فلسفه رو به تحلیل گذارده و چشم اندازهایی تازه به عرصه فلسفه و به تبع آن به فلسفه تعلیم و تربیت گشوده شده و گفت و گوهایی جدید در این حوزه پا گرفته است که می توان آن را نوعی التقاط گرایی پنداشت که شاید نتوان در دوره های قبل نظیر آن را یافت. البته می توان این شرایط را برای فلسفه مناسب تلقی کرد و عرصه فلسفه را نیازمند به این تنوع دانست. با این حال، می توان گفت هنوز رقیبی نیرومند برای فلسفه تحلیلی در عرصه فلسفه تعلیم و تربیت عرضه نشده است و فلسفه تحلیلی نقشی تعیین کننده را در این گفت و گوهای جدید، ایفا می کند.

**کلید واژه ها:** فلسفه تحلیلی، فلسفه تعلیم و تربیت، زبان، التقاط گرایی.

□ - عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش

## تحلیل و بررسی مکتب عمل گرایی درباره تربیت اجتماعی و دلالت های تربیتی آن در مقطع ابتدایی آموزش و پرورش ایران

سید حسین نجاتی موسوی<sup>□</sup>

نظر محمد اربابی<sup>□</sup>

مدت هاست که در نظام آموزشی ایران، معلمان با تکیه بر روش های سنتی به ویژه سخنرانی، شاگردان را به حفظ و تکرار مفاهیم علمی ترغیب می کنند و برغم اینکه در محافل علمی و تربیتی و حتی اجرایی، صحبت از فعال بودن شاگردان، رشد فکری و آزاد اندیشی می شود، عملاً چنین نظر گاه هایی جنبه ی شعار گونه به خود گرفته اند. از سوی دیگر، صحبت از تقویت روحیه ی همکاری و رفاقت در بین شاگردان و رشد اجتماعی آنان می شود، اما در عمل، گام موثری در این راستا برداشته نمی شود. در حال حاضر، آموزش و پرورش کشورمان ایران، دارای مسائل و مشکلات زیادی است. کاربردی نبودن محتوای کتب درسی و متکی بودن شاگردان بر محفوظات و عدم یادگیری مهارت های اجتماعی مناسب توسط شاگردان در پایان دوره ی آموزش کاملاً مشاهده می گردد. می توان دیدگاه های مکتب عملگرایی را جهت بهبود وضع آموزش و پرورش کشورمان مورد تحلیل و بررسی قرار داد. روش انجام این تحقیق سندی - تحلیلی است. در این پژوهش، با توجه به ماهیت موضوع، به بررسی منابع و مآخذ پیرامون موضوع مورد مطالعه پرداخته و با گردآوری و استخراج اطلاعات مکتب عملگرایی و استفاده از وجوه برجسته ی آن، می توان به کشف مشکلات آموزش و پرورش ابتدایی و رفع آن کمک کرد.

**کلید واژه ها:** مکتب عمل گرایی، تربیت اجتماعی، آموزش و پرورش، مقطع ابتدایی.

<sup>□</sup> - دانشجوی تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز  
<sup>□</sup> - دانشجوی تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

## اخلاق عملی در تعلیم و تربیت از نظر علامه ملا احمد نراقی

حمدالله نظری<sup>□</sup>

در این مقاله سعی شده است تا با تدقیق و تدبیر در کتاب معراج السعاده به معرفی نگرش های اخلاقی و تربیتی علامه ملا احمد نراقی و نقش اخلاق در تعلیم و تربیت و ضرورت شناخت حقیقت نفس انسان و توصیف دو نیرو یا صفت خیر و شر در انسان و چگونگی اعتدال این دو نیرو جهت سعادت‌مندی انسان پرداخته شود. و با توجه به جایگاه اخلاقی و تربیتی این عالم بزرگ در فرهنگ عامه، آرایه ی یک دیدگاه تربیتی عملی از سوی وی، بر اساس نظریات علمی و نگاه او به انسان به عنوان یک موجود هدفمند همواره مورد توجه بوده است. وی برای تعالی انسان و تربیت او یک مسیر مشخص از خودشناسی به انسانشناسی و خداشناسی ترسیم می کند که این یکی از بزرگترین دغدغه های تعلیم و تربیت در عصر حاضر می باشد. علامه با نگاهی نوین به تعلیم و تربیت و استفاده از سیر و سلوک و آیات قرآنی برای تبیین تعالی روح انسان و توجه به دوران کودکی و خردسالی به عنوان نقطه شروع تعلیم و تربیت و مستعد بودن فرد در این دوره و ارتباط آن با روانشناسی کودک در عصر حاضر و شناخت نفس و کیفیات آن و توجه به اصل لذت معنوی می تواند در انجام امور تربیتی و در مباحث اخلاق تربیتی چون راهگشایی مورد استفاده قرار گیرد.

**کلید واژه‌ها:** اصل لذت معنوی، خودشناسی، حقیقت نفس، تعالی روح، مستعد بودن کودک.

<sup>□</sup> - دانشجوی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران

## تبیین و تحلیل ماهیت مطالعات میان رشته‌های در فلسفه تعلیم و تربیت

سولماز نورآبادی<sup>□</sup>

از مباحث مطرح در نظام‌های آموزشی، استفاده از «رویکرد میان رشته‌های» است. مطالعات میان رشته‌ای خواهان تلفیق، ترکیب و تعامل میان دانش و مهارت‌ها در رشته‌های مختلف مرتبط است که به منظور افزایش درک و فهم ابعاد مختلف موضوعات مورد مطالعه، رشد توانایی تحلیل صحیح امور، توسعه تفکر انتقادی و قدرت خلاقیت و... استفاده از آن متداول شده است. از طرفی، فلسفه تعلیم و تربیت به منزله‌ی یکی از حوزه‌های معرفت بشری نیز با این مفاهیم سروکار دارد. موفقیت در اجرای رویکرد میان رشته‌ای زمانی است که نتایج و یافته‌های آن معتبر باشد و بتواند شناخت، فهم و راه حل - های معتبر و واقعی برای مساله و یا موضوع مورد بررسی ارائه دهد. به عبارتی رویکرد میان رشته‌ای را زمانی میتوان موفق و کارآمد دانست که در فرآیند کار بتواند از انباشته‌ها، تجارب و ظرفیتهای معرفتی، مهارتی و روشی رشته‌های مرتبط در جای مناسب و مقتضی، استفاده بهینه و موثر نماید. بنابراین در این جستار، امکان مطالعه فلسفه تعلیم و تربیت از منظر رویکرد میان رشته‌های مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد و در راستای پاسخ به این سوال است که "در صورت امکان استفاده از رویکرد میان رشته‌های، فلسفه تعلیم و تربیت با چه رشته‌های دیگر و در چه زمینه‌هایی (نظری و یا عملی) می‌تواند تلفیق شود؟"

**کلید واژه‌ها:** رویکرد میان رشته‌های، فلسفه تعلیم و تربیت، تلفیق، تعامل.

<sup>□</sup> - کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی



## هرمنوتیک فرهنگی: رهیافتی برای تبیین ارتباط فلسفه تعلیم و تربیت با برنامه‌درسی

زهرا نیکنام<sup>□</sup>

درک مسائل و موضوعات تعلیم و تربیت نیازمند بهره‌مندی از بنیان‌ها و مبانی نظری لازم و نیز ارتباط نزدیک با واقعیات‌های عینی و ملموس آموزش و پرورش و بهره‌مندی از تجربه در این عرصه می‌باشد. ارتباط میان فلسفه تعلیم و تربیت به عنوان گرایش نظری علوم تربیتی با حوزه مطالعات برنامه‌ی درسی به عنوان قلمرویی که با واقعیت‌های تعلیم و تربیتی ارتباط نزدیک و وثیق دارد، از عرصه‌های نظری مهم قابل‌کندوکاو است. در این مقاله ما بر آنیم تا به تبیین نظری و مفهومی میان نوعی کلان‌نگری فلسفی و انتزاعی از یک سو و نوعی خرد‌نگری و مطالعه امور محسوس واقعیات آموزش و پرورش از دیگر سو بپردازیم. معمولاً نوسان میان این دو عرصه به عنوان پیشنهاد مناسب برای درک مساله مطرح می‌گردد. اما این مساله ابتدا کار ساده‌ای نیست. در این نوشتار از دیدگاه‌های کلیفورد گیرتز، به عنوان یک انسان‌شناس، بهره‌گرفته می‌شود. روش‌شناسی او در این خصوص هرمنوتیک فرهنگی است که به تبیین آن خواهیم پرداخت. نتایج نشان می‌دهد که برای نظروورزی در خصوص برنامه‌درسی، باید به روابط معنایی شکل‌گرفته در طول تاریخ و مستتر در نمادها و الگوهای ارتباطی و صور مختلفی که مردم در موقعیت‌های آموزشی زندگی خود را استمرار می‌دهند توجه کرد.

**کلید واژه‌ها:** فلسفه برنامه‌درسی، هرمنوتیک فرهنگی، گیرتز، روابط معنایی.

<sup>□</sup> - دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه تربیت مدرس

## تحلیل انتقادی تعاریف "تربیت" بر اساس رویکرد اسلامی

فاطمه وجدانی<sup>□</sup>

اولین گام برای اصلاح وضع موجود و کارآمد نمودن نظام تربیتی کشور در مواجهه با چالشهای تربیتی قرن بیست و یک، ارائه تعریفی روشن، منسجم، معتبر و همچنین، مطابق با نظام معیار جامعه اسلامی است. تا زمانی که به معنایی واحد، درست و واقعی از "تربیت" دست نیافته ایم، نمی توانیم در عرصه تصمیم گیری و عمل، انتظار موفقیت داشته باشیم. البته تا کنون صاحب نظران متعددی در کشورمان تلاشهای ارزنده ای جهت ارائه تعریفی مطلوب، مقبول و هماهنگ با نگاه اسلامی از مقوله "تربیت"، انجام داده و تعاریف اصطلاحی متعدد و متفاوتی ارائه نموده اند؛ برخی بر جریان زمینه سازی برای رشد تاکید داشته اند، برخی بر انتخاب گری انسان، برخی دیگر بر رفع موانع موجود، و برخی نیز بر سرپرستی متربی و نظارت جامعه تاکید ورزیده اند. در این مقاله قصد داریم با بررسی و تحلیل برخی از معروفترین تعاریف "تربیت" که با رویکردی اسلامی در کشورمان ارائه شده اند، نقاط قوت و ضعف آنها را روشن نموده، زمینه را برای ارائه تعاریف مطلوب تر و مقبول تر هموار نماییم. در این راستا، رعایت ملاک های اعتبار "تعریف"، سازگاری با مبانی توصیفی و تجویزی تربیت (اعم از مبانی فلسفی، دینی، ارزشی، علمی، سیاسی)، عناصر و مفاهیم محوری و کلیدی در تعریف، مبانی هستی شناختی، انسان شناختی، معرفت شناختی و ارزش شناختی ملحوظ شده، دارا بودن شاخص ها و معیارهایی جهت ارزشیابی نتایج تعلیم و تربیت، امکان پیاده سازی در عمل، تاکید بر اهداف، فرایندها، محتوا یا روش، قابلیت بکارگیری در مراحل مختلف زندگی، توجه به بعد تهذیب و رفع موانع، میزان گستردگی تعریف و ابعاد انسانی تحت پوشش، شمول نسبت به آحاد جامعه، ارتباط آینده با زمان حاضر، توجه به شروط معیار "تربیت" و تفکیک آن از واژه های نزدیک و مشابه، میزان نقش و سهم مربی و متربی (و جامعه) در تربیت، توجه به تربیت به عنوان، علم، فن یا هنر و از این قبیل مد نظر قرار خواهد گرفت.

**کلید واژه ها:** تعریف تربیت، تحلیل تعاریف تربیت، رویکرد اسلامی.

<sup>□</sup> - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت مدرس

## بررسی تاثیر اجرای برنامه «فلسفه برای کودکان» به صورت اجتماع پژوهشی بر افزایش عزت نفس در دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر تهران

دکتر مهنوش هدایتی<sup>□</sup>

دکتر عبدالله شفیع آبادی<sup>□</sup>

این مقاله به بررسی تأثیر اجرای برنامه آموزش تفکر، با عنوان «فلسفه برای کودکان» به صورت اجتماع پژوهشی، بر بهبود عزت نفس و ماندگاری اثر آن در دانش آموزان مقاطع تحصیلی سوم تا پنجم دبستان های دخترانه و پسرانه منطقه ۵ آموزش و پرورش شهر تهران می پردازد. برای این منظور ۱۹۰ دانش آموز در سه مقطع تحصیلی (۹۷ پسر، ۹۳ دختر) به طور تصادفی انتخاب و در دو گروه شاهد و آزمایش (۸۸ نفر در گروه آزمایش و ۱۰۲ نفر در گروه گواه) قرار گرفتند. سپس با استفاده از پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت، متغیر عزت نفس سنجیده شد. قبل از اجرای برنامه، عدم تفاوت معنادار عزت نفس در دو گروه تأیید شد. سپس کودکان گروه آزمایش طی ۱۲ جلسه هفتگی به مدت ۱/۵ ساعت در جلسات «فلسفه برای کودکان» گرد مربی آموزش دیده، نشسته، مجموعه داستان های فکری را قرائت کرده و پیرامون آن به طرح سؤال می پرداختند. مشخص گردید که اجرای این برنامه می تواند بر ارتقای عزت نفس دانش آموزان تأثیر معناداری بگذارد (  $p < .001$  ). همچنین، بررسی های انجام شده ماندگاری اثر این برنامه را تا ۴ ماه بعد از پایان برنامه تأیید نمود. علاوه بر این به کمک آزمون تحلیل واریانس یک طرفه، مشخص گردید که در میان دختران و پسران و هم چنین مقاطع تحصیلی مختلف شرکت کننده در این برنامه، از نظر ارتقای عزت نفس تفاوت معناداری وجود ندارد.

**کلید واژه ها:** فلسفه برای کودکان، اجتماع پژوهشی، عزت نفس، ماندگاری اثر، دوره ابتدایی.

۱- دکترای مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

□ - دکترای مشاوره، معاون آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی

## تبیین جایگاه معلم با توجه به توسعه فناوری های نوین و نقش فلسفه تعلیم و تربیت

شیوا همتی<sup>□</sup>

از دیرباز، معلم در نظام تعلیم و تربیت جایگاهی خاص و ممتاز داشته است که برغم پیشرفت های فناوری در اعصار مختلف و نویدهایی که ظهور هر رسانه آموزشی نو در باب جایگزینی معلم داشته، هرگز نتوانسته است موفق به جانشینی معلم گردد. آموزش مجازی و محیط های آموزشی مبتنی بر وب که امکان ارتباط همزمان را در اقصی نقاط عالم در کسری از ثانیه فراهم می نماید، موقعیت بهتری نسبت به رقبای قبلی خویش به دست آورده اند. منظر فلسفی معلمان و سایر دست اندرکاران تعلیم و تربیت در سطوح مختلف بر تعیین اهداف، برنامه ریزی، نحوه ی تحقق انتظارات از دانش آموزان، اتخاذ شیوه های تدریس و نظیر آنها تاثیر به سزایی دارد. دیدگاه های جدید تربیتی با تاکید بر یادگیری به جای آموزش، توجه خویش را از معلم به سوی دانش آموز برگردانده اند. در این مقاله، ضمن توجه به ابعاد فلسفی هستی شناختی، معرفت شناختی و زیبایی شناختی، به بحث از یادگیری، معلم و دانش آموز پرداخته و در صدد تبیین جایگاه معلم در اندیشه های فلسفی عمده می باشیم و سپس نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات را در تغییر این منظر لحاظ خواهیم نمود.

کلید واژه ها: معلم، مکاتب فلسفی، فناوری اطلاعات، دانش آموز، یادگیری.

<sup>□</sup> - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران

## بازشناسی مؤلفه های فلسفه ورزشی و تبیین نقش آنها در فرایند یاددهی-یادگیری برای معلمان

مراد یاری دهنوی<sup>□</sup>

فلسفه ورزشی یا اندیشیدن فلسفی، مواجهه فیلسوفانه انسان با پدیده ها و جلوه های گوناگون هستی است؛ عملی که مستلزم ژرفکاوی در وجوه و لایه های پنهان امور اعم از ذهنی و عینی بوده و منجر به شناخت عمیق آنها در حد توانایی انسان می شود. چنین اندیشیدنی اغلب پیشه و دلمشغولی گروه خاصی از انسان ها یعنی فیلسوفان قلمداد می شود؛ با وجود این، پرداختن به تفکر فلسفی در جوامع دانایی محور امروز برای همه انسان ها بطور عام و برای معلمان بطور خاص، همراه با فواید و روشنگری هایی است. با عنایت به این که فلسفه ورزشی نوع خاصی از تفکر است که با برخورداری از مؤلفه ها و ویژگی هایی خاص، از سایر انواع تفکر متمایز می شود؛ در این مقاله به کمک روش توصیفی-تحلیلی، گام های ذیل به ترتیب برداشته شده است: در گام نخست با تبیین ویژگی های حرفه معلمی، نیازمندی او به ژرف اندیشی و فلسفه ورزشی روشن شده است؛ در گام دوم تلاش شده است تا از رهگذر فراهم آوردن زمینه ای برای نزدیکی به فهم چیستی فلسفه؛ مؤلفه های فلسفه ورزشی، مورد بازشناسی قرار گیرند؛ تحیر یا شگفت زدگی، تردید منطقی یا شک روشمند، پرسشگری، خیال ورزشی، وابستگی تاریخی، استدلال ورزشی، نقادی، تحلیل فلسفی، فراخ اندیشی یا گشودگی و نظریه پردازی مجموعه مؤلفه هایی اند که مورد بازشناسی قرار گرفته اند. در گام سوم؛ نقش و پیامد این مؤلفه ها در فرایند یاددهی-یادگیری معلمان آشکار شده است.

**کلید واژه ها:** فلسفه، فلسفه ورزشی، ذهنیت فلسفی، معلمان، فرایند یاددهی، یادگیری.

<sup>□</sup> - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران

## تبیین و نقد پژوهش‌های پایان‌نامه‌ای آموزش فلسفه به کودکان در ایران با تأکید بر روش پژوهش و نتایج آنها

مراد یاری دهنوی<sup>□</sup>

عماد حاتمی<sup>□</sup>

پژوهش‌های مروری و فرا تحلیلی، به توصیف، تلخیص و ارزیابی نقادانه پژوهش‌های انجام شده درباره یک موضوع، از منظری خاص می‌پردازند. نتایج این نوع پژوهش‌ها از یک سو موجب معرفی یکجای همه پژوهش‌های انجام شده درباره یک موضوع شده و باعث پرهیز از دوباره کاری می‌شود و از سویی دیگر با ترسیم توانایی‌ها و کاستی‌های این نوع پژوهش‌ها، افق‌ها و چشم‌اندازهای پژوهشی جدیدی را به روی پژوهشگران می‌گشاید و موجب افشاندن بذره‌های تأمل و پرسش در دامن اندیشه ورزی آنان می‌شود. این مقاله از نوع پژوهش‌های فراتحلیل و مروری است که به دنبال تبیین و نقد پژوهش‌های پایان‌نامه‌ای موضوع آموزش فلسفه به کودکان در ایران از منظر روش پژوهش و نتایج آنهاست. لذا سعی شده است با مراجعه به منابع اطلاعاتی دانشگاه‌های مختلف کشور، در حد امکان همه پژوهش‌های پایان‌نامه‌ای که به نحوی به موضوع آموزش فلسفه به کودکان پرداخته‌اند؛ شناسایی شود (۱۴ پژوهش)؛ آن‌گاه نخست مؤلفان، رشته تحصیلی، عنوان پژوهش، اهداف آن، چهارچوب پژوهش در فصل‌های آن و تلخیصی از نتایج پژوهش بیان گردد و سپس از دو منظر روش و نتایج پژوهش آنها در حد توان علمی مؤلفان این مقاله مورد نقد و ارزیابی قرار گیرد. عدم بکارگیری یک روش پژوهش ساختارمند، ضعف جدی قسمت پیشینه پژوهش و عدم اطلاع از پژوهش‌های انجام شده، عدم رعایت پاراگراف بندی منسجم و علمی در نگارش، عدم ارتباط ارگانیک میان پژوهش‌ها و انجام پژوهش‌های مشابه و تکراری، ضعف در نقدها، از مهمترین یافته‌های این مقاله می‌باشد.

**کلید واژه‌ها:** پایان‌نامه، رساله، روش پژوهش، آموزش فلسفه به کودکان، لیپمن.

<sup>□</sup> - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران

<sup>□</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران

## بررسی چیستی طبیعت از منظر هابز و روسو و جستجوی رویکردی برای چرایی و چگونگی تربیت بر بنیاد فطرت

بهبود یاری قلی<sup>□</sup>

معصومه ترکاشوند<sup>□</sup>

هدف پژوهش حاضر بررسی تطبیقی رویکرد هابز و روسو درباره چیستی طبیعت آدمی و پیامدهای هر یک درباره چرایی و چگونگی تربیت و پیشنهاد رویکردی جایگزین در این باره بر بنیاد مفهوم فطرت است. این دو اندیشمند از آن رو برگزیده شده اند که دیدگاه آن ها به گونه ای در دو انتهای طیف دیدگاه ها درباره چیستی طبیعت انسان جای می گیرد. روش پژوهش نیز تحلیل تطبیقی از رویکردهای پژوهش کیفی است. بر بنیاد یافته های پژوهش، از پیامدهای تربیتی اندیشه های هابز، نظام تربیتی است که بنا دارد با آموزش های مستقیم، شهروندانی را تربیت کند که منضبط و فرمانبردار باشند. در چنین نظامی، وظیفه معلم مقتدر، آموزش مفهوم های اخلاقی چون فروتنی، خویشتنداری و سپاسگزاری است. در برابر به باور روسو، کار تربیت نه اصلاح و دگرگونی بلکه پرورش رفتارهای طبیعی چون آزادی و پرسشگری، از راه تربیت منفی (نامستقیم) است. این دو اندیشمند در توجیه نظریه خود، بیش از پیش از نشانه ها و دلیل های تجربی و پسینی به اصل های پیشینی و متافیزیکی، روی می آورند که در این مقاله پس از نقد آن ها و با بهره گیری از مفهوم اسلامی فطرت چون گرایش به کانون نیکی ها، از نیکی طبیعی آدمی همچون امکانی دفاع شده است که فقط تربیت و ارتباط اجتماعی می تواند آن را به کار آورد. در نتیجه گیری نیز، برخی پیامدهای تربیتی و تلویح های کاربردی این رویکرد پیشنهاد شده اند.

**کلید واژه ها:** طبیعت، تربیت، هابز، روسو، فطرت.

<sup>□</sup> - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت معلم

<sup>□</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد تحقیقات دانشگاه تربیت معلم

## رویکرد انتقادی به رهیافت های تربیتی پست مدرنیسم در ایران

دکتر علی یزدخواستی<sup>□</sup>

محمد هادی حاجی رشیدی<sup>□</sup>

در جهان معاصر، اصول، مبانی و آموزه‌های پست مدرنیستی به ویژه در تعلیم و تربیت در حال گسترش کمی و کیفی است؛ چنانکه در عرصه‌های مختلف علمی چون سیاست، هنر و ادبیات، همانند تعلیم و تربیت، مسائل تازه ملی - جهانی را باعث شده است. درصددیم با روش پژوهش کیفی از نوع توصیفی به شناسایی آموزه‌های تربیتی پست مدرنیسم بپردازیم و با پی بردن به نقاط ضعف و قوت آن، آمادگی لازم را برای مواجهه با این پدیده مشکل ساز در فرآیند یاددهی - یادگیری فراهم آوریم. پژوهش حاضر این امکان را به وجود می آورد که به پیامدهای آموزش و پرورش مدرن به دید انتقادی بنگریم و به تغییراتی که آموزش و پرورش امروز و مدارس ما بدان نیازمندند، ژرف‌تر بنگریم و آنها را مورد بررسی قرار دهیم. بنابراین سعی شده است تا ضمن تبیین مبانی فلسفی پست مدرنیسم و استخراج رهیافت‌های تربیتی آن از دیدگاه های صاحب نظران، مبانی فلسفی پست مدرنیسم در زمینه‌های ارزش شناسی تربیتی و به ویژه معرفت شناسی تربیتی، تبیین شده و اقتضائات آنها در ابعاد مختلف از جمله اهداف و غایات تعلیم و تربیت، اصول تعلیم و تربیت، برنامه‌ریزی درسی، روش آموزشی معلم و دانش آموز، مدیریت کلاسی به عنوان مبانی جدید دنیای کنونی در عرصه آموزشی مورد بحث و تبیین قرار گیرد.

**کلید واژه‌ها:** رهیافت های آموزشی، پست مدرنیسم تربیتی، معرفت شناسی، مسائل ملی - جهانی.

<sup>□</sup> - استادیار گروه علوم تربیتی دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان

<sup>□</sup> - کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی دانشگاه کاشان



## واکاوی تاثیر رسانهها بر تربیت اخلاقی در عصر جهانی شدن و خلاء تفکر انتقادی

ناصر یعقوب نژاد<sup>□</sup>مریم شیربیگی<sup>□</sup>

جهانی شدن از طریق فناوریهای ارتباطی و رسانههایی همچون ماهوارهها و نیز فضای سایبر و مجازی به عاملی تعیینکننده در زمینه آموزش و تربیت فراگیران بدل شده و ابعاد و جوانب گوناگون نظام تعلیم و تربیت و خصوصاً کارکرد تربیت اخلاقی آن را متأثر ساخته است. تعارض و تفاوت فرهنگ غربی و شرقی که مروج مصرفگرایی و مادیگری است، با فرهنگ اسلامی- ایرانی ما باعث مشکلات و بحرانهای عدیده‌ای، خصوصاً در زمینه تربیت اخلاقی برای جامعه و نظام آموزشی، شده است. علاوه بر این، ضرورت غیرقابل انکار رسانه در جوانب گوناگون زندگی کنونی و نیز کم بودن امکان کنترل باعث شده است تا متخصصان سخن از اصطلاحاتی چون جامعه‌پذیری، هویت و سواد رسانه‌های به میان آورند. با توجه به نکات فوق، تفکر انتقادی به عنوان یکی از مهم ترین اهداف آموزش و پرورش در عصر متغیر جهانی شدن می تواند در رشد سواد رسانه‌های و بالطبع پرورش اخلاقی فراگیران نقش مهمی داشته باشد، چرا که فرد را برای رقابتهای و چالشهای دنیای به سرعت متغیر کنونی آماده میسازد و از طرفی در تحلیل، ارزشیابی، گزینش و کاربرد بهترین راه حل و نحوه کاربرد اطلاعات حائز اهمیت است. لذا، مقاله حاضر با استفاده از روش پژوهش توصیفی- تحلیلی، با توجه به آخرین پژوهشها به بررسی فرآیند جهانی شدن، رسانه و سواد رسانه‌های پرداخته و سپس اثرات رسانهها بر تعلیم و تربیت به ویژه تربیت اخلاقی فراگیران را مورد واکاوی قرار داده است. نتایج بررسیها نشان میدهد که رسانهها برغم تاثیر و کاربرد فراوان در نظام آموزشی، باعث تاثیرات سوء متعددی بر دانش‌آموزان شده است. بنابراین رویکردهای پرورش تفکر انتقادی در مواجهه با این سوء تاثیرات مورد بررسی قرار داده است.

**کلید واژه‌ها:** جهانی شدن، تفکر انتقادی، سواد رسانه‌های، تربیت اخلاقی.

<sup>□</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی دانشگاه تربیت معلم تهران

<sup>□</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه الزهراء

## مبانی فلسفی جداسازی و یکپارچه سازی دانش آموزان در مدارس

دکتر محمد رضا یوسف زاده<sup>□</sup>

دکتر یحیی معروفی<sup>□</sup>

مساله جداسازی و یکپارچه سازی دانش آموزان در مدارس از منظرهای مختلف روان شناختی، جامعه شناختی و فلسفی قابل بررسی است. جداسازی به معنای جداکردن کودکان دارای نیازهای ویژه از کودکان عادی است. مخالفان جداسازی در دفاع از موضع خود معتقدند که جداسازی باعث تضعیف احساس تعلق اجتماعی، خروج از مسیر اصلی آموزش، نابرابری فرصت های آموزشی، انزوا و برچسب خوردن گروهی از دانش آموزان می شود. آنان بر این باورند که دست اندرکاران تعلیم و تربیت باید بر توانایی ها تاکید کنند نه بر ناتوانی ها و اگر فراهم ساختن امکان تحصیل در سطوح بالاتر برای دانش آموزان با توانایی های متفاوت میسر نیست، ولی می توان زمینه ای فراهم ساخت که همه با هر سطح از توانایی و استعداد بتوانند از زندگی لذت ببرند. لازمه ی تحقق این مهم، پذیرش بدون قید و شرط همه آحاد در جامعه است که از طریق طراحی و تدارک کلاس های یکپارچه در مدارس می توان بدان دست یافت. موافقان جداسازی در مقابل معتقدند که یکپارچه سازی به نادیده گرفتن تفاوت های فردی منجر شده، ائتلاف در آموزش، سرخوردگی فراگیران با توانایی های محدود، غرور کاذب فراگیران با توانایی کند شدن آهنگ پیشرفت تحصیلی، اختلال در فرآیند یادگیری و نظیر آن را به دنبال دارد. از آن جا که پایه و مبنای هر عمل تربیتی فلسفه، ایدئولوژی و نظریه ی خاصی است، بر این اساس هدف اصلی مقاله بررسی مفاهیم آموزش به شیوه جدا سازی و یکپارچه سازی ویژگی ها و تبیین دلایل موافقان و مخالفان این رویکردها و بررسی مبانی فلسفی جداسازی و یکپارچه سازی بر اساس روش تحلیلی توصیفی است. یافته های پژوهش معرف آن است که رویکرد جداسازی در آموزش و پرورش متاثر از دیدگاه مدرنیسم و رویکرد فراگیر سازی تحت تأثیر دیدگاه پست مدرنیسم قرار دارد.

**کلید واژه ها:** مبانی فلسفی، جداسازی، یکپارچه سازی، فراگیرسازی.

<sup>□</sup> - استادیار دانشگاه بوعلی سینا

<sup>□</sup> - استادیار دانشگاه بوعلی سینا